



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

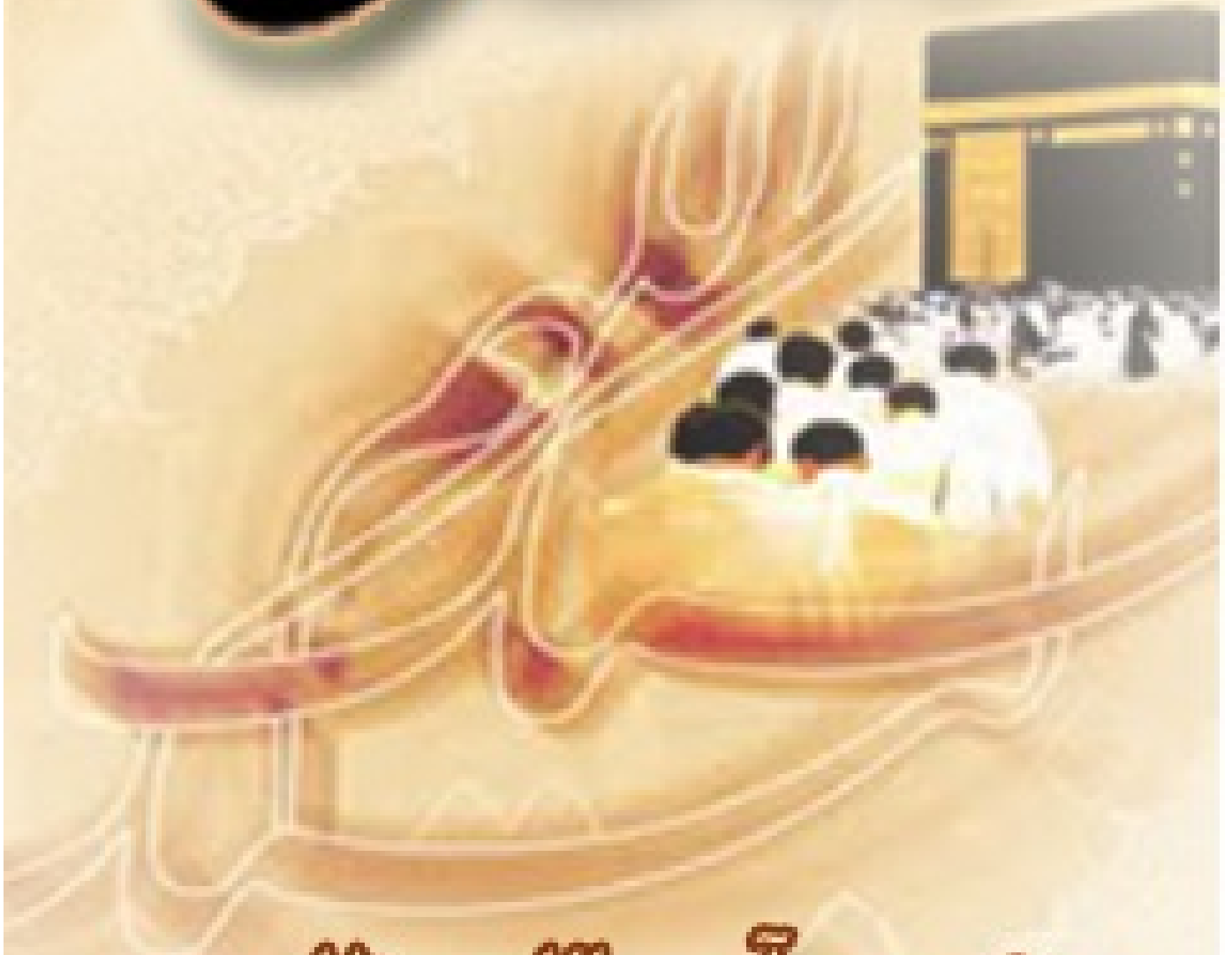
گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شاکر حج



حضرت آیت اللہ مظاہری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج آیت الله حسین مظاهری

نویسنده:

حسین مظاهری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۱۱ مناسک حج آیت الله حسین مطهری
۱۱ مشخصات کتاب
۱۱ اسرار حج
۱۱ منازل حج
۱۱ منزل اول: سیر من الخلق الى الحق
۱۲ اشاره
۱۲ توبه
۱۲ یقطه
۱۲ تخلیه
۱۳ تحلیه
۱۳ تجلیه
۱۴ پی نوشت ها:
۱۵ منزل دوم: سیر من الحق فی الحق
۱۵ اشاره
۱۵ احرام
۱۶ طواف
۱۶ نماز طواف
۱۷ سعی بین صفا و مروه
۱۸ تقصیر
۱۸ پی نوشت ها:
۱۹ منزل سوم: سیر من الحق الى الخلق
۱۹ اشاره

۲۱	پی نوشت ها:
۲۱	تعاریف و کلیات
۲۱	حج
۲۱	اشاره
۲۱	پی نوشت ها:
۲۲	حج استحبایی
۲۲	وجوب حج
۲۲	اشاره
۲۲	فوریت وجوب حج
۲۲	حج نذری
۲۳	شرایط وجوب حج
۲۳	اول: بلوغ
۲۳	دوم: عقل
۲۴	سوم: قدرت
۲۴	اشاره
۲۴	۱- قدرت بدنی
۲۵	۲- باز بودن راه
۲۵	۳- داشتن وقت کافی
۲۵	چهارم: علم
۲۶	پنجم: استطاعت
۲۷	استطاعت بذلی
۲۷	ششم: آزاد بودن
۲۸	اقسام حج
۲۸	نیابت در حج

۳۰	حجّ افراد
۳۱	وصیت به حج
۳۲	موارد تبدیل حجّ تمتّع به حجّ افراد
۳۲	حجّ و تقلید
۳۳	حجّ قرآن
۳۳	حجّ و خمس
۳۳	عمره مفرده
۳۴	آداب و مستحبات زیارت مکه معظمه و مدینه منوره
۳۴	آداب ورود به حرم
۳۴	اعمال عمره تمتّع
۳۴	زمان حجّ و عمره
۳۵	عمره تمتّع
۳۵	سیر اجمالی اعمال عمره تمتّع
۳۵	اجزاء عمره تمتّع
۳۵	اول: احرام
۳۵	اشاره
۳۷	واجبات احرام
۳۷	۱. نیت
۳۷	۲. لباس احرام
۳۸	۳. تلبیه
۳۸	مستحبات احرام
۳۹	مکروهات احرام
۴۰	محرمات احرام
۴۶	پی نوشت ها:

۴۶	دوم: طواف
۴۶	اشاره
۴۷	واجبات طواف
۵۳	آداب و مستحبات طواف
۵۵	سوم: نماز طواف
۵۷	چهارم: سعی بین صفا و مروه
۵۷	اشاره
۵۸	واجبات سعی
۵۸	۱. نیت
۵۸	۲. شروع سعی از صفا و ختم به مروه
۵۹	۳. انجام سعی در مسعی و رو به صفا و مروه
۵۹	۴. انجام هفت دور کامل و پی در پی
۵۹	۵. مختون بودن
۶۰	احکام قطع سعی
۶۰	آداب و مستحبات سعی
۶۲	پنجم: تقصیر
۶۳	هفتاد نکته فقهی و اخلاقی مورد احتیاج در حج و عمره
۶۳	تذکرات اخلاقی
۶۷	تذکرات فقهی
۷۱	اعمال حج تمتع
۷۱	اعمال حج تمتع
۷۲	سیر اجمالی اعمال حج
۷۲	اجزاء حج تمتع
۷۲	اول: احرام حج

۷۲ اشاره
۷۲ نیت احرام حج
۷۲ زمان و مکان احرام حج
۷۳ ترک احرام حج
۷۳ مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات
۷۳ مراحل خروج از احرام حج
۷۳ اشاره
۷۴ تعیین روز عرفه و عید قربان
۷۴ پی نوشت ها:
۷۴ دوّم: وقوف در عرفات
۷۴ اشاره
۷۵ مستحبات وقوف در عرفات
۷۷ پی نوشت ها:
۷۷ سوّم: وقوف در مشعرالحرام
۷۷ اشاره
۷۸ مستحبات وقوف در مشعرالحرام
۷۹ پی نوشت ها:
۷۹ چهارم: رمی جمره عقبه
۷۹ اشاره
۸۱ مستحبات رمی جمره عقبه
۸۱ پی نوشت ها:
۸۱ پنجم: قربانی
۸۲ اشاره
۸۲ نیابت در قربانی

- ۸۳ بدل قربانی
- ۸۳ مستحبات قربانی
- ۸۴ ذبح کفاره
- ۸۴ پی نوشت ها:
- ۸۴ ششم: حلق یا تقصیر
- ۸۴ اشاره
- ۸۵ مستحبات حلق یا تقصیر
- ۸۵ پی نوشت ها:
- ۸۵ هفتم تا یازدهم: اعمال مکّه
- ۸۷ دوازدهم: بیتوته در منی
- ۸۸ سیزدهم: رمی جمرات سه گانه
- ۸۸ اشاره
- ۸۸ مستحبات رمی جمرات سه گانه
- ۸۹ پی نوشت ها:
- ۸۹ احکام مصدود و محصور
- ۹۰ احکام متفرقه و تذکرات اخلاقی
- ۹۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مناسک حج آیت الله حسین مظاهری

مشخصات کتاب

سرشناسه: مظاهری، حسین، ۱۳۱۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج به انضمام: اسرار حج، آداب و مستحبات زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره / حسین مظاهری.

مشخصات نشر: اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء(س)، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۳۳۵ ص؛ ۱۲ × ۱۷ س.م.

فروست: مجموعه آثار حضرت آیه الله العظمی مظاهری؛ ۱۲. فقه؛ ۳.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۱۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: حج

موضوع: حج -- فتواها

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸ م۵۸۳/۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۰۷۰۳

بر گرفته از:

<http://almazaheri.org/Farsi/Index.aspx?>

&CompileName=/:D۸/:AF/:D۸/:B۱/:۲۰/:D۸/:B۲/:D۹/:۸۵/:DB/:۸C/:D۹/:۸۶/:D۹/:۸۷/:۲۰/:D۹/:۸۱/:D۹/:۸۲/:D۹/:۸۷

اسرار حج

منازل حج

سفر حج سفری است عرفانی و دارای سه منزل:

منزل اول «سیر من الخلق إلى الحق»:

بریدن از ما سوی الله برای پیوند با خدا.

منزل دوم «سیر من الحق فی الحق»:

ادامه و استمرار پیوند با خدا و سعی در تحکیم آن پیوند، تا نیل به مقام لقاء و عبودیت.

منزل سوم «سیر من الحق إلى الخلق»:

بازگشت به میان خلق و اجتماع به منظور هدایت، پس از کامل شدن و رسیدن به مقام عبودیت.

منزل اول: سیر من الخلق الى الحق

اشاره

این منزل خود دارای مراتب و مقاماتی است:

توبه

مهم‌تر از همه مراتب، توبه است. معنای توبه که منزل اول سلوک است، رجوع از شیطان‌ها و طاغوت‌ها به سوی الله، رجوع از خوی انسانی به نفس روحانی، رجوع از طبیعت به سوی روحانیت نفس، رجوع از هوا و هوس و نفس اماره به معنویت و فضائل و تدارک گذشته‌ها است که هیچ حقی از خدا و از خلق بر ذمه او باقی نماند. و از میان مردم بیرون رود و احدی از او ناراضی نباشد جز شیطان. به این ترتیب، حقیقت بنیادین مقام توبه، چیزی جز «روگرداندن» و «روکردن» نیست، سالک راه خدا، از موانع وصول به محبوب عبور کرده و روگردان می‌شود و روی توجّه به جانب حضرت حق «حَيْلٌ جَلَالُهُ» می‌آورد و تمام فکر و نظر خویش را به سوی او معطوف می‌دارد.

نقطه آغاز در این رجوع، تفکر در تبعات و آثار وحشت‌انگیز گناهان و به این وسیله، روشن کردن آتش ندامت در سینه و قلب است.

و همین آتش پشیمانی و در پی آن احساس نقص و کاستی و فرو ریختن است که برانگیزاننده سالک برای سلوک و نقطه عطف حرکت سالکانه او به سوی کمال و مایه تحوّل و دردمندی اوست. این است که توبه را بدون تردید، باید آغاز زندگانی جدید، به شمار آورد.

یقظه

معنای یقظه توجّه، آگاهی و بیداری است و در این سفر عرفانی، یقظه به معنای توجّه به قدر و منزلت خانه خدا و حریم پاک اوست. توجّه به توفیقی که پروردگار عالم به بنده خویش عنایت کرده است. توجّه به این که در این مسافرت نباید کسی یا چیزی او را مشغول کند.

آگاهی از این که اگر حج یا عمره مقبولی انجام دهد به هدف و مقصود از خلقت انسان (مقام لقاء و عبودیت) خواهد رسید. توجّه به انجام «بایدها» و «ارزش‌ها»؛ یعنی واجبات، و اجتناب از «نبایدها» و «ضد ارزش‌ها»؛ یعنی گناهان، و این که خداوند عمل گنهکاران را نمی‌پذیرد و قبولی تمامی اعمال وابسته به تقوا است؛

«أِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» [۱]

همانا فقط و فقط، خداوند از پروا پیشگان می‌پذیرد.

و نیز توجّه و اهتمام به مستحبات؛ به ویژه خدمت به هموعان. و خلاصه آگاهی و توجّه به این که در این مسافرت روحانی، همانند هر حال دیگری، در محضر خداوند، پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و ائمه طاهرین «سلام الله علیهم» است؛

«قُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَ رِسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» [۲]

بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند.

از این رو، بنیاد یقظه، بر محور توجّه و آگاهی است و این بیداری حیات آفرین است که سالک و مسافر کوی دوست را برای مراتب و مقامات پسین آماده می‌گرداند.

تخلیه

پس از مقام توبه و یقظه، باید در منزل اول به مرتبه «تخلیه» صعود کند. مقام تخلیه آن است که دل را یکسره از صفات زشت و ناپسند و رذائل اخلاقی، خالی کند و ریشه‌های هرز صفات رذیله نظیر؛ حسد، بخل، کبر، ریا، تملق، شقاوت، جاه طلبی و ... را که مایه تیره بختی و سیه روزی آدمی است، به آتش اراده و عزم بر ترک این رذائل، بسوزاند و زقوم رذیلت‌های زشت را از سرزمین قلب خود به دست همت برگرداند و آن را عرصه کشت گل‌های با طراوت فضیلت‌های انسانی گرداند و بدین ترتیب از این مرتبه، به مقام «تحلیه» پا بگذارد.

تحلیه

بنیاد مرتبت «تحلیه»، آراستن دل به خصائص زیبا و فضائل عالیه نظیر؛ خیر خواهی، سخاوت، گشاده دستی، تواضع، اخلاص، صداقت، رأفت، زهد و آزادگی از همه تعلقات و ... است. سالک راه دوست باید بکوشد تا خویشتن را به فضائل اخلاقی بیاراید و مهم‌تر از هر فضیلتی، ملکه خلوص و اخلاص در عمل است و در این صورت است که حج یا عمره وی، ابراهیمی خواهد بود:

«أَنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» [۳]

من روی خویشتن به سوی آن کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفرید من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم. اگر زائران و سالکان در این سفر عرفانی، تبت خویش را خالص گردانند و هیچ یک از اغراض پست مادی و دنیوی و حتی اغراض اخروی را در این عمل شریف دخالت ندهند، بلکه توجه خود را یکسره به جانب میزبان و «صاحب‌البیت» معطوف دارند و جز رضایت او را در نظر نیاورند:

«أَلَا ابْتَغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى» [۴]

مگر جستن خشنودی پروردگار والای خویش.

آنگاه محصول تلاش خود را در خشنودی دوست، نظاره خواهند کرد:

«وَلَسَوْفَ يَرْضَى» [۵]

و زود است که خشنود شود.

و چرا به این خشنودی دست نیابند؟ که رنگ خدا بهترین رنگ‌هاست:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» [۶]

رنگ خدا و چه رنگی از رنگ خدا بهتر است؟

البته این متاع گرانبها بعد از گذر از ریشه کن نمودن رذیله ریا و تظاهر، در مقام تخلیه به وسیله توجه به عواقب سوء و نتایج شوم این رذیله است که به چنگ زائران می‌افتد، توجه به این نکته پر اهمیت که رنگ ریا و تظاهر، آدمی را تا سر حد شرک ساقط می‌کند:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» [۷]

همانند آن کسان نباشید که سرمست غرور و برای خودنمایی از دیار خویش بیرون آمدند، دیگران را از راه خدا باز داشتند و خدا به هر کاری که می‌کنند، احاطه دارد.

تجلیه

سالک، پس از مقام تخلیه و تحلیه و مداومت و استمرار بر دو عنصر «عدالت» و «اخلاص»، می‌باید به وسیله ریاضات دینی به ویژه تداوم در تلاوت قرآن همراه با تفکر در آن، دعا و تضرع به درگاه خداوند متعال و توسل و توجه به پیشگاه اهل بیت «سلام الله

علیهم» بالأخص مصداق حاضر ولایت محمدیه، محوریت عالم امکان، ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) به مقام «تجلیه» صعود کند. و حقیقت این مقام بالاتر از آن است که در تصور هر کسی آید و این مرتبتی است که نصیب اولیای الهی می‌شود. در این مقام، قلب سالک به نور خدا متور می‌شود:

«وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» [۸]

و نوری بر او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود.

تا در این سفر مبارک در سایه بان الطاف حق بتواند به مقام عبودیت نائل گردد و بدین ترتیب ارزش‌ها را از ضد ارزش‌ها و ارزش‌مندان را از دون قیمتان و پاکان را از ناپاکان و خواست‌های تعالی بخش خدا را از خواهش‌های ذلت آفرین نفس و هوا و هوس، تمیز دهد؛

«ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» [۹]

اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد.

تجلی انوار الهی با قلب سالک، نه آن می‌کند که در گفت و شنود آوریم، تنها باید به آن مرتبت رسید تا طعم شیرین و روح افزای آن را چشید.

مجموع این مقامات پنج گانه منزل اول، در کلام بلند و ارجمند امام صادق «سلام الله علیه» جلوه‌گر و نمایان است:

«اِذَا ارْتَدَّتْ الْحَيَجُ فَجَرَّدُ قَلْبِكَ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ حَجَبٍ كُلِّ حَاجِبٍ وَ فَوْضُ أُمُورِكَ كُلَّهَا إِلَى خَالِقِكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ وَ سَكَنَاتِكَ، وَ سَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَ حُكْمِهِ وَ قَدْرِهِ وَ دَعِ الدُّنْيَا وَ الرَّاحِيَةَ وَ الْخَلْقَ وَ أَخْرِجْ مِنْ حُقُوقِ تَلَزُّمِكَ مِنْ جَهَةِ الْمَخْلُوقِينَ وَ لَا تَعْتَمِدْ عَلَى زَادِكَ وَ رَاحَتِكَ وَ اضِحَابِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ شَبَابِكَ وَ مَالِكَ، فَإِنَّ مِنْ ادَّعَى رِضَا اللَّهَ وَ اعْتَمَدَ عَلَى شَيْءٍ صَيَّرَهُ عَلَيْهِ عَدُوًّا وَ وَبَالًا لِيَعْلَمَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ قُوَّةٌ وَ لَا حِيلَةٌ وَ لَا لِأَحَدٍ إِلَّا بِعِزِّ مَهْ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْفِيقِهِ، وَ اسْتِعْدَادَ مِنْ لَا يَرْجُو الرُّجُوعَ وَ أَحْسَنَ الصُّحْبَةَ وَ رَاعِ أَوْقَاتِ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَ الْأَحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الشَّفَقَةِ وَ السَّخَاءِ وَ إِثَارِ الزَّادِ عَلَى دَوَامِ الْأَوْقَاتِ» [۱۰]

هر گاه خواستی حج به جای آوری، پس قلب خود را پیش از آغاز عمل از هر گونه مشغول کننده و مانع و حاجب، برای خدای متعال بر کنار کن و جریان امور خویش را به خداوند واگذار و در تمام حرکات و سکنات خود، خالق خویش را وکیل قرار ده و در برابر فرمان و حکم و تقدیر او، مطیع و تسلیم باش و دنیا و آسودگی و مردمان را رها کن و خود را از حقوق مردم خارج کن (تا مردم از تو طلبکار و ناراضی نباشند) و (در این راه) به زاد و توشه و یاران و توانایی و جوانی و ثروت خود اعتماد مکن؛ زیرا آن کس که دعوی مقام رضا و تسلیم الهی کند و با این حال به چیز دیگری اعتماد کند، خداوند همان چیز را دشمن و موجب ضرر و وبال او می‌گرداند، تا او بفهمد و بداند که نه او و نه هیچ کس را قدرت و تدبیری نیست مگر به عصمت و توفیق اعطا شده از جانب خداوند. و (در این سفر) به اندازه‌ای خود را آماده و مستعد کن که گویا امید مراجعت برای تو نیست و در مصاحبت و رفاقت و همراهی با دیگران، خوشرفتار و نیکو کردار باش و پیوسته اوقات، واجبات الهی و سنن رسول محمدی «صلی الله علیه و آله و سلم» را و آنچه بر تو واجب است از آداب عرفی و تحمّل و بردباری در برابر ناراحتی‌ها و ابتلائات و شکر نعمت‌های خداوندی و گشاده دستی و بخشش، مراعات نما.

از امام صادق «سلام الله علیه» در ادامه این روایت، بیانات گهرباری نقل شده که در منازل بعدی از آن سود خواهیم جست.

پی نوشت ها:

[۲]. توبه/۱۰۵

[۳]. انعام/۷۹

[۴]. لیل/۲۰

[۵]. لیل/۲۱

[۶]. بقره/۱۳۸

[۷]. انفال/۴۷

[۸]. انعام/۱۲۲

[۹]. انفال/۲۹

[۱۰]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

چاپ

منزل دوم: سیر من الحق فی الحق

اشاره

مشمول بر اعمالی است:

احرام

مقدمه احرام، غسل احرام است. حقیقت این غسل، توبه و رجوع است:

«اغسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ ذُنُوبَكَ وَ الْبَسِ كِسْوَةَ الصَّدَقِ وَ الصَّفَاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ» [۱]

در مقام احرام، معاصی و گناهان سابق را به یاد آرید و آن را با آب توبه شستشو داده و آنگاه لباس صداقت و صفا و خضوع و ترس را به تن کنید.

احرام در عمره؛ نظیر تکبیره الاحرام در نماز است، همانگونه که نماز گزار به واسطه گفتن تکبیره الاحرام باید تمام توجهش به جانب معشوق باشد، و از ابتدای نماز تا انتهای آن، چیزی و کسی او را مشغول نکند، همچنین است احرام.

احرام؛ یعنی پشت کردن به دنیا و آنچه در دنیاست و رو نمودن به خدا و رضایت خدا و اجابت امر خدا، چنانچه از امام صادق «سلام الله علیه» نقل شده است:

«أَحْرَمَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ يَحْجُبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ» [۲]

محرّم شو از هر چیزی که تو را از یاد خدا منع می کند و از بندگی او باز می دارد.

و نیز به هنگام احرام، می باید متذکر مرگ، کفن و قبر شود که روزی با این هیأت، خدای متعال را ملاقات خواهد کرد و در موقع گفتن لییک که تکمله مقام احرام است، توجه به این که خداوند او را دعوت کرده است و او با این الفاظ، حضرتش را اجابت می کند.

«وَلَبَّ بِمَعْنَى اجَابَةِ صَافِيَةٍ زَاكِيَةٍ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فِي دَعْوَتِكَ مُتَمَسِّكًا بِعُرْوَتِهِ الْوُثْقَى» [۳]

و از تلبیات خود، پاسخ دادن خداوند را با نهایت صفای خاطر و خلوص نیت، قصد کند؛ در حالی که به عروه الوثقای حق و به حقیقت ایمان، تمسک می جوید.

طواف

طواف تشبیهی است به فرشتگانی که پیرامون عرش خداوند دائم در طوافند:

«وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» [۴]

فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و پروردگار خود را حمد می‌کنند.

همانگونه که طواف آن ملائکه در عرش، نشانه عشق آنها به خداوند است، طواف بنده نیز نشانه عشق بنده به خداست:

«طِيفَ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ» [۵]

آن چنانکه جسمت پیرامون بیت خدا دور می‌زند، با قلب خود گرداگرد عرش خداوند طواف کن.

تکرار طواف به منظور پیدا شدن مقام تسلیم و عبودیت است، و با حصول این مرتبه، دریده شدن حجاب‌ها و پس از آن آراسته شدن به زینت ذلت و مسکنت در مقابل حق، تواضع و حلم در مقابل خلق، زهد، سخاوت و قناعت در برابر دنیا (مقام تخلیه و تحلیه) می‌باشد، در آن حال است که نور خدا در دل او جلوه‌گر می‌شود (مقام تجلیه) و راه‌های سلامتی یکی پس از دیگری برای او کشف می‌گردد و از ظلمت‌ها (ظلمت صفات رذیله، ظلمت نفس امّاره، ظلمت متابعت از طاغوت‌های انسی و جنّی، ظلمت هوا و هوس، ظلمت غم و اضطراب و...) به نور مطلق کشانده می‌شود و مورد عنایت خاصّ خداوند واقع می‌گردد که خواه ناخواه به مقام لقاء و فناء که همان انتهای صراط مستقیم است می‌رسد:

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» [۶]

قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است. خداوند هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.

نماز طواف

طواف کننده به واسطه طواف به مقام عبودیت می‌رسد؛ پس باید نماز شکر به جای آورد. چون به واسطه رسیدن به مقام بندگی و تذلل، معراج برای او واجب می‌شود، باید به نماز بایستد، زیرا معراج مؤمن همان نماز است؛ چراکه نماز مکالمه بین بنده و خداست و چون توسل به اهلیت «سلام الله علیهم» در هر حال یک امر ضروری است، تشهد و سلام‌های این نماز، به منزله مکالمه بین عبد و اهلیت «سلام الله علیهم» است و این توسل با بیعتی که پس از این نماز به وسیله استلام حجر صورت می‌پذیرد، ادامه و استمرار می‌یابد. استلام حجرالاسود و بوسیدن آن به منزله تجدید میثاق و عهد با رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» است. امام صادق «سلام الله علیه» نیز فرموده‌اند که در هنگام استلام حجر این چنین گفته شود:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَاَفَاءِ» [۷]

امانتی را که به گردن من بود ادا نمودم و پیمان خود را بر عهده گرفتم، تا تو در روز جزا بر وفاداری من گواه باشی.

پس استلام حجر نیز یک میثاق قلبی است که جایگاه آن دل‌های حاجیان است و نیز تجسم خضوع در برابر عزت خداوند و نشانه رضایت به تقدیر اوست:

«وَأَسْتَلِمَ الْحَجَرَ رِضَىٰ بِقِسْمَتِهِ وَ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ» [۸]

حجرالاسود را استلام کن در حالی که به آنچه خدا نصیب کرده است راضی هستی و در برابر عزت خداوند خاضع هستی.

سعی بین صفا و مروه

این عمل خاطره شیرینی است از پیامبر بزرگ خداوند که پروردگار عالم در قرآن او را به حُلَّت پذیرفته است:
 «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» [۹]

خدا ابراهیم را به دوستی خود انتخاب کرد.

پیامبری که مقام عبودیت و تسلیم او را پروردگار عالم امضا کرده است:

«إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِربِّ الْعَالَمِينَ» [۱۰]

به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگار به او گفت: اسلام بیاور (و تسلیم در برابر حق باش). او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت) گفت: در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.

سعی بین این دو کوه، تجسم امیدواری زنی است که با امید به رحمت خداوند، در بیابان بی آب و علف برای به دست آوردن آبی برای کودکش در تکاپوست، و با تلاطم درونی، از صفا به مروه و از مروه به صفا می‌رود و به عبارت دیگر از صداقت به مروّت و مردانگی و از مردانگی به صداقت و صفا می‌رود و سرانجام با خلوصش از نظر برون به آب زمزم و از جنبه درون به آب حیات می‌رسد، و در اثر صبر و تحمل و کوشش و استقامت، خانه خدا را آباد و نسل خود را به وجاهت می‌رساند، این خاطرات اگر چه تلخ، اما شیرین است. تلخی اضطراب و تلاطم ممزوج به شیرینی جوشش و نزول رحمت.

شعف که مرتبه‌ای از عشق است، در حالی که با سوزندگی همراه می‌شود، لذت‌آور است و در حالی که لذت‌آور باشد، دل و سراپای عاشق را چون شمع می‌سوزاند.

پس حاجیان باید در میان صفا و مروه درس عشق و ایثار و گذشتن از همه چیز برای خدا را از حضرت ابراهیم «سلام الله علیه» و یارانش بیاموزند:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» [۱۱]

برای شما تأسی نیکی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت.

و از این رو آن کس که سعی بین صفا و مروه کند و هنوز روح خودیّت و میّت، در او زنده باشد، به حقیقت سعی نرسیده است. اگر برابر برخی از روایات در این مکان شیطان بر ابراهیم «سلام الله علیه» مجسم گشته و حضرتش با سعی خود او را تعقیب کرده تا از ساحت مقدّس بیت الله دور سازد؛ [۱۲] پس حاجی سالک نیز با این عمل، حرکت ابراهیم خلیل «سلام الله علیه» را تکرار می‌کند و شیطان را از قلب خود که نه تنها خانه خدا که «عرش قدس الهی» است، می‌راند و با هروله کردن، از هوا و هوس خود فرار می‌کند و از قدرت و شخصیت خود، تبری می‌جوید:

«وَهَرُولٌ هَرُولَةٌ هَرَبًا مِنْ هَوَاكَ وَ تَبْرِيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ» [۱۳]

و هروله کن در حالی که از هوای نفس خویش فرار می‌کنی و از قدرت خویش بیزاری می‌جویی.

و به این وسیله، روح و درون خود را برای لقاء و دیدار یار، پاک و پاکیزه و آماده می‌گرداند:

«وَ صَفَّ رُوحَكَ وَ سَرَّكَ لِلِقَاءِ اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ بِوُقُوفِكَ عَلَى الصَّفَاءِ» [۱۴]

به واسطه ایستادن بر کوه صفا روح و درونت را صفا بده، برای دیدار خداوند در روزی که او را ملاقات می‌کنی.

و با نفی صفات و شخصیات کاذب و مجازی و ساختگی خویش، مردانه در مقابل صفات جلال و جمال پروردگارش، مقام بندگی و فقر و فنا برقرار می‌سازد:

«وَ كُنْ ذَا مُرُوَّةٍ مِنَ اللَّهِ تَقِيًّا أَوْ صَافِكَ عِنْدَ الْمُرُوَّةِ» [۱۵]

و با نفی صفات خویش، مردانه در مقابل صفات پروردگار، مقام بندگی و فقر و فنا برقرار کن.

تقصیر

کوتاه کردن موی سر و صورت یعنی زائل کردن باقی مانده کدورت‌ها، رذالت‌ها و اصلاح دل از زنگار مسیت‌ها و خودیت‌ها؛ زیرا سالک هر چه خودسازی کند، باز باید بداند که ریشه‌های رذالت تا عمق جان وی را فرا گرفته است. از این رو، پس از اصلاح سر و صورت، که رمز ریشه کن کردن صفات رذیله است، اگر سالک از منزل تخلیه نگذشته باشد، باید بداند که در این امتحان الهی پیروز نگشته است، گرچه رفع تکلیف از او شده باشد.

تقصیر توجّه از عالم ملکوت، به عالم ناسوت است. توجّه از لذّات روحی به سوی لذّات جسمی و توجّه از وحدت به کثرت است. تقصیر، تحلیل بعد از تحریم است؛ به این معنا که آنچه قبل از احرام برای مُحرم حلال نبود، اینک به واسطه احرام، طواف، نماز، سعی بین صفا و مروه و تقصیر، حلال شده است.

تجلی نور خدا، نظر به عالم ملکوت، لیاقت نیل به مراتب یقین و دیدۀ بصیرت که تماماً برای او حرام بود اینک حلال شده است؛ چرا که حاجی سالک، صفات شیطانی خود را تقصیر کرده است و مگر نه این که:

«لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يُحْمُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» [۱۶]

اگر نبود آن که شیاطین بر دل‌های فرزندان آدم هجوم می‌برند، هر آینه دیده آنان به ملکوت آسمان‌ها و زمین، روشن می‌گشت. طواف نساء

به واسطه تقصیر، آنچه برای حاجی حرام بوده حلال می‌شود، جز بوی خوش و تمتّع از غریزه جنسی، و تحلیل این دو متوقّف بر آن است که طواف نساء و نماز آن را به جای آورد، آنگاه بوی خوش و تمتّع از غریزه جنسی نیز بر او حلال می‌شود. شاید رمز ادامه حرمت این دو عمل تا قبل از پایان طواف نساء و نماز آن، این باشد که سالک هر چه از نظر مقام و منزلت بالا باشد و به مقام تجلیه و لقاء نیز رسیده باشد، تسلّط او بر غریزه جنسی، احتیاج به عنایت افزون‌تر و مقام بالاتری دارد:

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» [۱۷]

آن زن قصد یوسف را کرد، و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید، قصد وی را می‌نمود.

یوسف صدیق «سلام الله علیه» که در امتحانات الهی یکی پس از دیگری کسب توفیق نمود، در برابر غریزه جنسی، احساس ناتوانی می‌کند و می‌گوید: این خدا بود که مرا نجات داد نه خودم، و اگر او نبود در امتحان باز مانده بودم:

«وَالَا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ» [۱۸]

و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من بازنگردانی، قلب من به آنها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.

بنابر این طواف نساء درس آموزنده‌ای برای همه سالکان و به ویژه جوانان است.

پی نوشت‌ها:

[۱]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

[۲]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

[۳]. همان

[۴]. زمر/ ۷۵

[۵]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

[۶]. مائده/ ۱۶-۱۵

[۷]. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۷

[۸]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

[۹]. (نساء/ ۱۲۵)

[۱۰]. بقره/ ۱۳۱

[۱۱]. ممتحنه/ ۴

[۱۲]. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۳

[۱۳]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

[۱۴]. همان

[۱۵]. همان

[۱۶]. بحار الانوار، ج ۷، ص ۵۹

[۱۷]. یوسف/ ۲۴

[۱۸]. یوسف/ ۳۳

منزل سوّم: سیر من الحق الى الخلق

اشاره

این منزل با بازگشت از مکه و مدینه به وطن آغاز می‌گردد و در این منزل مسؤولیت، مشکل‌تر از منزل اول و دوّم است؛ زیرا در این منزل وظیفه سالک، وظیفه پیامبران الهی است؛ چرا که حاجیان سالک، اینک باید به تبلیغ رسالت‌های الهی در میان دیگر مردمان پردازند و این، عین وظیفه انبیاء است:

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» [۱]

(پیامبران پیشین) کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند.

در منزل اول و دوّم «خود سازی» بود و در این منزل «دیگر سازی» است، و دیگر سازی گرچه متوقف بر خود سازی است، امّا به اندازه‌ای مشکل است که پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند:

«شَيْبَتِي سُورَةُ هُودٍ لِمَكَانِ قَوْلِهِ: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ مَعَكَ» [۲]

سوره هود مرا پیر کرد؛ چرا که در این سوره آمده است تو و «یارانت» باید استقامت کنید.

خود سازی «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» [۳] در سوره شوری نیز آمده است، ولی آنچه ریش و محاسن پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» را سفید کرد، دیگر سازی «و مَنْ مَعَكَ» است.

سالک پس از بازگشت از مکه و مدینه، باید آنچه از آنجا به سوغات آورده است (خود سازی) عملاً به دیگران تزریق کند، گفتار و کردار و روش و منش او سرمشق برای دیگران باشد و این بهترین هدیه او برای دیگران است.

سالک باید با اهتمامش به فرائض دینی و به ویژه نماز، آن هم در مسجد با جماعت، اهمیت این عبادت بزرگ را به دیگران بفهماند. آن کسی که در وقت نماز غفلت از نماز دارد و مشغول امور دنیا است، قطعاً از عمره خود بهره‌ای نبرده است و قرآن با وی

به خطاب عتاب آمیز، سخن می‌گوید:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» [۴]

پس وای بر نمازگزارانی که نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند.

و نیز کسی که پس از بازگشت از عمره، تارک خمس و زکات باشد، از نظر قرآن، هم مشرک است و هم کافر:

«وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» [۵]

وای بر مشرکان، همانها که زکات را ادا نمی‌کنند و آخرت را منکرند.

همچنین بانوان باید پس از بازگشت از عمره، در حجاب، اسوه و الگوی دیگران واقع گردند.

مرد و زن عمره گزار باید اخلاق اسلامی را در خانه و در میان مردم عملاً تبلیغ کنند و عفو و گذشت و ایثار و فداکاری، شعار آنها باشد و به دیگران روش «دیگرگرایی» را که در قرآن بدان سفارش اکید شده است، بیاموزند:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» [۶]

آنها که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند.

پس به راستی که این منزل سوّم، بسیار مشکل است، ولی پاداش آن نیز به همان اندازه بالاست:

«مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» [۷]

و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

از این رو، سالک پس از طی منزل اول و دوّم، نکته‌ای را که باید در منزل سوّم در نظر داشته باشد، آن است که اینک حساب وی در نزد خدا و اهل بیت «سلام الله علیهم» و نیز دیگر مردمان، غیر از حساب عموم مردم است و با چشم دیگری نگریسته می‌شود.

حضرت آدم «سلام الله علیه» ترک اولائی بیش نکرد، ولی چون از خواص بود و چون آن ترک اولی سزاوار روح مقدّس وی نبود، با خطاب عتاب آمیزی سقوط کرد:

«اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» [۸]

از آن مقام عالی (بهشت) به این مقام دانی (دنیا) همگی (به زمین) فرود آئید در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود.

و نیز حضرت یوسف صدیق «سلام الله علیه» با آن مقام و منزلت، برای آن که در زندان متوسّل به غیر از خدا شد، قریب ده سال زندان او ادامه یافت:

«فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ» [۹]

چند سال در زندان باقی ماند.

پس اگر سالک عمره گزار به وسیله عمل ناروایش، ابّهت این عمل با فضیلت را در میان مردم بی‌رنگ یا کم رنگ کند، گناه او به اندازه‌ای بزرگ است که معلوم نیست موفق به توبه شود.

قرآن در مورد چنین زائری می‌فرماید: او نظیر کسی است که همه مردم جهان را کشته باشد:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» [۱۰]

هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

این است که امیر مؤمنان «سلام الله علیه» حجّ را «آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی روشنگر و پاکسازی رسا و خالص کننده» می‌شمارد. [۱۱]

و از حضرت صادق «سلام الله علیه» منقول است که پس از برشمردن اسرار حجّ - که ما در ضمن مطالب گذشته از آن استفاده جستیم - می‌فرماید:

«وَأَسْتَقِيمَ عَلَى شُرُوطِ حَجِّكَ هَذَا وَوَفَاءِ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ بِهِ مَعَ رَبِّكَ وَأَوْجِبْتَهُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [۱۲]

پس از حج گزاردن، بر اسرار و مراتب و منازل آن که در سفر سلوکیات، به چنگ آورده‌ای، و نیز بر وفای عهدی که در آن سفر با خدای خود، برقرار کرده‌ای، استقامت پیشه کن و تا روز قیامت بر آنها پایدار باش.

پی نوشت ها:

- [۱]. احزاب/۳۹
- [۲]. الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۲۰
- [۳]. شوری/۱۵
- [۴]. ماعون/۴-۵
- [۵]. فصلت/۶-۷
- [۶]. طلاق/۷
- [۷]. مائده/۳۲
- [۸]. بقره/۳۶
- [۹]. یوسف/۴۲
- [۱۰]. مائده/۳۲
- [۱۱]. نهج البلاغه، خطبه قاصعه
- [۱۲]. مصباح الشریعه، باب ۲۲

تعاریف و کلیات

حج

اشاره

مسئله ۱: یکی از واجبات بزرگ در اسلام حج است و ترک آن - بدون عذر- از گناهان بزرگی است که در حد کفر می باشد.

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» [۱]

و خدا را بر عهده مردم (این حق) است که آن خانه را قصد کنند و اعمال حج آنجا را به جا آورند؛ البته برای کسی که بتواند به سوی آن راه یابد، و هر که کفران نماید (بداند که) حتماً خداوند بی نیاز از جهانیان است.

و در وصیت پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» به امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» آمده است:

«مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» [۲]

کسی که حج را به تأخیر بیندازد تا اینکه از دنیا رود، خداوند او را در روز قیامت، یهودی یا نصرانی برخواهد انگیخت.

پی نوشت ها:

- [۱]. آل عمران / ۹۷
- [۲]. وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۷، حدیث ۳

حج استجابی

مسئله ۱۱۹: انجام حج در هر سال برای کسانی که حج واجب خود را به جا آورده‌اند، مستحب است، بلکه ترک حج در پنج سال متوالی مکروه است. ولی در شرایطی که عزیمت به حج موجب تأخیر نوبت کسانی می‌شود که تاکنون به حج مشرف نشده‌اند، سزاوار است به جای حج استجابی، عمره مفرده یا کار خیر دیگری انجام شود.

مسئله ۱۲۰: کسی که استطاعت مالی برای انجام حج ندارد، مستحب است گرچه به نیابت دیگری باشد به حج برود.

مسئله ۱۲۱: مستحب است برای کسانی که واجب الحج نیستند و نتوانسته‌اند به حج بروند، حج به جا آورده شود.

مسئله ۱۲۲: مستحب است انسان از اموال خودش کسی که تمکن مالی برای انجام حج ندارد را به حج بفرستد.

مسئله ۱۲۳: انجام حج مستحبی برای زن شوهردار یا زنی که در عده طلاق رجعی است، نیاز به اذن شوهر دارد. ولی اذن شوهر برای زنی که در عده طلاق بائن یا وفات است، شرط نیست.

مسئله ۱۲۴: اگر انجام حج مستحبی فرزندی، موجب آزار و اذیت پدر و مادر شود و یا او را از رفتن نهی نمایند، رفتن او اشکال دارد.

مسئله ۱۲۵: حج مستحبی را می‌توان به نیابت از افراد بی‌شماری به جا آورد و فرقی نمی‌کند که آن افراد قبلاً حج به جا آورده باشند یا خیر. همچنین می‌توان ثواب حج را به دیگران هدیه نمود، گرچه در حین عمل یا بعد از اتمام آن باشد.

وجوب حج

اشاره

مسئله ۲: حج در تمام عمر یک مرتبه بر کسی که برخوردار از شرایط وجوب آن باشد، واجب می‌شود.

مسئله ۳: لازم نیست همه شرایط وجوب حج، همزمان بر مکلف مستقر شود. مثلاً اگر کسی استطاعت مالی دارد، باید ثبت نام کند تا پس از فرا رسیدن نوبت، حج به جا آورد.

فوریت وجوب حج

مسئله ۴: وجوب حج، بر مکلفی که شرایط آن را دارا باشد، فوری است. یعنی باید در اولین سال ممکن، حج به جا آورد یا ثبت نام کند.

مسئله ۵: اگر واجب الحج، بدون عذر در تشرّف به حج یا ثبت نام تأخیر اندازد، وجوب حج بر عهده وی باقی می‌ماند تا در اولین زمان ممکن و به هر نحو که باشد به جا آورد، هرچند مهلت ثبت نام تمام شود یا استطاعت مالی را از دست بدهد و اگر قدرت بدنی خود را برای انجام اعمال حج از دست بدهد، باید در زمان حیات، نایب به حج بفرستد.

مسئله ۶: اگر عزیمت به حج متوقف بر تهیه مقدماتی باشد، باید آن مقدمات را فراهم نماید تا شرایط وجوب حج در او تکمیل شود و به حج برود.

حج نذری

مسئله ۱۲۶: اگر کسی که بالغ و رشید است، از روی قصد و اختیار، نذر کند که حج به جا آورد، در صورتی که تشرّف به حج برای او مقدور باشد، واجب است حج به جا آورد.

مسئله ۱۲۷: اگر کسی نذر کند که حج به جا آورد، ولی قدرت یا استطاعت عزیمت به حج را نداشته باشد، واجب نیست به نذر خود عمل کند.

مسئله ۱۲۸: نذر زن شوهردار یا زنی که در عده طلاق رجعی است، نیاز به اذن شوهر دارد و اگر اجازه نداد نمی‌تواند به نذر خود عمل کند.

مسئله ۱۲۹: اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کند که حج به جا آورد، در صورتی که بعد از ازدواج بخواهد به نذر خود عمل کند، نیاز به اذن شوهر دارد.

مسئله ۱۳۰: اگر فرزند نذر کند که حج به جا آورد، در صورتی که پدر و مادر نهی کنند یا رفتن او موجب آزار و اذیت آنان شود، نباید به نذر خود عمل کند.

مسئله ۱۳۱: کسی که تاکنون شرایط وجوب حج را نداشته، اگر نذر کند که حج به جا آورد و اتفاقاً به طور طبیعی حج بر او واجب شود، انجام یک حج برای هر دو نیت کافی است.

مسئله ۱۳۲: اگر کسی برای ادای حاجتی نذر کند، چنانچه قبل از رسیدن به حاجت از دنیا برود، ادای نذر او واجب نیست. ولی اگر در زمان حیات به حاجت خود برسد و نذر خود را ادا نکند، بر ورثه واجب است بعد از مرگ او برای او حج به جا آورند یا نایب بگیرند.

شرایط وجوب حج

اول: بلوغ

مسئله ۷: حج برای غیربالغ مستحب است. و اگر شخص غیربالغ، برخوردار از سایر شرایط وجوب حج باشد، بعد از بلوغ، حج بر او واجب می‌شود.

مسئله ۸: اگر غیر بالغ به حج رفت و اعمال حج را انجام داد، حج او صحیح است، هر چند بدون اذن ولی رفته باشد. و این حج، کفایت از حج واجب او می‌کند و لازم نیست بعد از بلوغ اعاده نماید.

مسئله ۹: اگر کسی به گمان اینکه بالغ نشده است، حج استحبابی به جا آورد و بعد معلوم شود بالغ بوده، حج او کفایت از حج واجب می‌کند.

مسئله ۱۰: اگر ولی طفل غیر بالغ او را محرم کرد، باید او را وادار کند که اعمال حج را خودش انجام دهد. مثلاً تلبیه را به او تلقین کند تا خودش بگوید یا درمثل طواف او را طواف دهد یا برای وقوفین او را به عرفات و مشعر ببرد و نظائر آن. اما اگر طفل محرم بعضی از اعمال را نتوانست انجام دهد، باید ولی او به نیابت از او انجام دهد. نظیر اینکه تلبیه را به نیابت از او بگوید.

مسئله ۱۱: اگر ولی طفل غیر بالغ او را محرم کرد، باید او را از انجام محرمات احرام باز دارد و اگر محرمات را انجام داد و کفاره بر او واجب شد، پرداخت کفاره به عهده ولی او است.

مسئله ۱۲: اگر ولی طفل غیر بالغ او را محرم کرد، قربانی به عهده ولی او است.

دوم: عقل

مسئله ۱۳: حج برای دیوانه واجب نیست، ولی اگر دیوانه ادواری باشد و در ایام حج عاقل باشد و بتواند اعمال را به جا آورد، حج بر او واجب است. و اگر دیوانگی او در موسم حج باشد، حج بر او واجب نیست و لازم نیست سرپرست او قبل یا بعد از مردن او برای

او نایب بگیرد.

مسئله ۱۴: اگر کسی پس از حصول شرایط وجوب حج و قبل از احرام عمره تمتع، دیوانه شود، به نحوی که نتواند اعمال را به جا آورد، وجوب حج از او ساقط می‌شود. پس اگر سال اول استطاعت او بوده است، وجوب حج در سال‌های بعد بستگی به جمع شدن شرایط وجوب دارد. ولی اگر حج بر او مستقر بوده است، یعنی قبلاً و در زمان سلامت، حج بر او واجب بوده و بدون عذر انجام نداده است، باید در همان سال یا سال‌های بعد برای او نایب بگیرند تا حج واجب را انجام دهد.

مسئله ۱۵: اگر عاقل در حال احرام حج، دیوانه شود و نتواند اعمال را به جا آورد، سرپرست او (ولی او یا رئیس کاروان و مانند آنها) باید در اعمالی که قابل نیابت است مانند ذبح و رمی از او نیابت کند و در مثل طواف او را طواف دهد و در مثل وقوف او را به عرفات و مشعر ببرد و در تقصیر او را تقصیر نماید. در این صورت حج وی صحیح است و در صورتی که در سال‌های بعد عاقل شود، اعاده حج لازم نیست.

مسئله ۱۶: اگر عاقل، در بین اعمال عمره تمتع و یا در فاصله زمانی بین عمره تمتع و حج تمتع دیوانه شود، حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و لازم نیست دیگران آن حج را تکمیل نمایند. ولی اگر بردن او به عرفات و مشعر امکان دارد، ولی او یا سرپرست کاروان می‌تواند به صورتی که در مسئله قبل ذکر شد، حج او را تکمیل کند. در این صورت حج وی صحیح است و اگر در سال‌های بعد عاقل شد، اعاده حج لازم نیست.

مسئله ۱۷: اگر عاقل در بین اعمال عمره تمتع یا در فاصله زمانی بین عمره تمتع و حج تمتع و یا در حال احرام حج، دیوانه شود و نتواند اعمال حج را انجام دهد و بردن او نیز به عرفات و مشعر ممکن نباشد، حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

مسئله ۱۸: اگر عاقل در خلال اعمال حج دیوانه شود و حج او مبدل به عمره مفرده شود، برای تکمیل عمره او، اگر ممکن است او را طواف و سعی می‌دهند و اگر ممکن نیست، برای طواف و طواف نساء و نماز دو طواف و سعی، از طرف او نیابت می‌کنند و در تقصیر، خودش را تقصیر می‌نمایند و با این اعمال، عمره مفرده او تکمیل شده و از احرام خارج می‌شود.

سوّم: قدرت

اشاره

حج بر کسی واجب می‌شود که قدرت برای اعمال حج داشته باشد و قدرت به چند چیز حاصل می‌شود:

۱- قدرت بدنی

مسئله ۱۹: حج بر کسی واجب می‌شود که قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد. بنابراین اگر کسی مریض است و رفتن به حج برای او مشقت دارد، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰: اگر کسی پس از حصول شرایط وجوب حج و قبل از احرام عمره تمتع، به نحوی مریض شود که نتواند اعمال حج را حتی اضطراراً به جا آورد، وجوب حج از او ساقط می‌شود. پس اگر سال اول استطاعت او بوده است، وجوب حج در سال‌های بعد بستگی به حصول شرایط وجوب دارد. ولی اگر حج بر او مستقر بوده است، وجوب حج بر عهده او باقی می‌ماند تا در صورت احراز شرایط، انجام دهد یا نایب بگیرد.

مسئله ۲۱: اگر کسی در حال احرام حج، مریض شود و نتواند اعمال را به جا آورد، سرپرست او (ولی او یا رئیس کاروان و مانند آنها) باید در اعمالی که قابل نیابت است مانند ذبح و رمی از او نیابت کند و در مثل طواف او را طواف دهد و در مثل وقوف او را

به عرفات و مشعر ببرد و در تقصیر او را تقصیر نماید. در این صورت حجّ وی صحیح است و در صورتی که در سال‌های بعد سالم شود، اعاده حج لازم نیست.

مسئله ۲۲: اگر کسی در بین اعمال عمره تمتّع و یا در فاصله زمانی بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع به نحوی مریض شود که نتواند بقیه اعمال را انجام دهد، حجّ او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و لازم نیست دیگران حجّ وی را تکمیل کنند. ولی اگر بردن او به عرفات و مشعر امکان دارد، ولی او یا سرپرست کاروان، می‌تواند به صورتی که در مسئله قبل ذکر شد، حجّ او را تکمیل نماید. در این صورت آن حج صحیح است و لازم نیست در سال‌های بعد اعاده شود.

مسئله ۲۳: اگر کسی در بین اعمال عمره تمتّع یا در فاصله زمانی بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع و یا در حال احرام حج، مریض شود و نتواند اعمال حج را انجام دهد و بردن او نیز به عرفات و مشعر ممکن نباشد، حجّ او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

مسئله ۲۴: اگر کسی در خلال اعمال حج مریض شود و حجّ او مبدل به عمره مفرده شود، برای تکمیل عمره او، اگر ممکن است او را طواف و سعی می‌دهند و اگر ممکن نیست، برای طواف و طواف نساء و نماز دو طواف و سعی، از طرف او نیابت می‌کنند و در تقصیر، خودش را تقصیر می‌نمایند و با این اعمال، عمره مفرده او تکمیل شده و از احرام خارج می‌شود.

مسئله ۲۵: اگر شرایط وجوب حج در کسی جمع شود ولی به قدری مریض یا پیر باشد که قدرت بدنی برای رفتن به مکه و انجام اعمال حج نداشته باشد، اگر در همان سال واجب الحج شده است، وجوب حج از او ساقط می‌شود. و اگر قبلاً واجب الحج بوده است و می‌توانسته به حج برود و نرفته است، حج بر او واجب است و باید در حال حیات نایب بگیرد.

مسئله ۲۶: کسی که واجب الحج شده است، اگر کسالتی دارد که مانع مسافرت او با هواپیما می‌شود، چنانچه به طور متعارف با وسیله دیگری نیز نتواند به حج مشرف شود، اگر سال اول استطاعت او است، وجوب حج از او ساقط می‌شود. ولی اگر قبلاً حج بر او واجب بوده و می‌توانسته برود و نرفته است، باید در زمان حیات خود برای انجام حج نایب بگیرد.

۲- باز بودن راه

مسئله ۲۷: حج بر کسی واجب می‌شود که امکان رفتن او به حج موجود باشد. بنابراین اگر برای کسی راه باز نباشد یا نوبت رفتن او نشده باشد یا رفتن به حج برای او امتیّت ندارد، یعنی در راه یا در آنجا خطری متوجه جان یا مال او است، یا نبودن در وطن موجب سلب امتیّت مالی و ناموسی او می‌شود، حج بر او واجب نیست.

۳- داشتن وقت کافی

مسئله ۲۸: حج بر کسی واجب است که برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حج وقت کافی داشته باشد.

مسئله ۲۹: اگر کسی زمانی به مکه برسد که وقت کافی برای انجام عمره تمتّع نداشته باشد ولی بتواند حجّ تمتّع انجام دهد، حجّ او مبدل به حجّ افراد می‌شود و در صورت انجام اعمال حجّ افراد، حجّ او کفایت از حجّ واجب می‌کند.

مسئله ۳۰: اگر کسی دیر به مکه برسد و وقت کافی برای انجام اعمال حجّ تمتّع نداشته باشد، حجّ او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و حجّ واجب را باید در سال‌های بعد به جا آورد.

چهارم: علم

مسئله ۳۱: اگر کسی نداند که یکی از واجبات، حج است یا نداند که مستطیع شده و حج بر او واجب است و حج نرود تا از

استطاعت بیافتد، حج بر او واجب نیست.

پنجم: استطاعت

مسئله ۳۲: استطاعت حج به سه چیز حاصل می‌گردد:

۱- داشتن مخارج رفتن و برگشتن به حسب نیاز و شأن خود.

۲- داشتن مخارج کسانی که شرعاً یا عرفاً پرداخت مخارج آن‌ها بر او واجب است.

۳- داشتن مال یا کسبی که بعد از بازگشت بتواند به حسب حال و شأن خود زندگی کند.

مسئله ۳۳: حج بر کسی واجب است که استطاعت مالی داشته باشد، به این معنی که پول رفت و برگشت و مخارج خود و عیال را داشته باشد. و علاوه بر این از نظر زندگی در حدی که مناسب با شأن اوست در رفاه باشد.

مسئله ۳۴: لازم نیست بعد از بازگشت از حج سرمایه بالفعل نظیر پول یا باغ و مغازه و مانند آن داشته باشد، بلکه اگر سرمایه بالقوه نظیر کسب یا زراعت یا حرفه‌ای داشته باشد، حج بر او واجب است.

مسئله ۳۵: کسی که اکنون فقط توانایی ثبت نام حج را دارد و با توجه به درآمد و شغلی که دارد، به طور طبیعی در می‌یابد زمانی که نوبت حج او می‌شود، استطاعت رفتن حج را به طور کامل پیدا خواهد کرد، باید ثبت نام کند.

مسئله ۳۶: کسی که نیاز به خانه مسکونی یا لوازم زندگی یا ازدواج و مانند این‌ها دارد و اگر پولی که دارد در حج صرف کند نمی‌تواند رفع نیاز کند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر نیاز به این‌ها نداشته باشد، حج بر وی واجب است.

مسئله ۳۷: کسی که پول رفتن و برگشتن حج را ندارد ولی اگر قرض کند، بعداً به آسانی می‌تواند قرض خود را ادا کند مثل اینکه ملکی دارد که بعد از بازگشت می‌فروشد یا درآمد سرشاری دارد که بعد از برگشت، از آن درآمد قرض را ادا می‌کند، حج بر او واجب است.

مسئله ۳۸: اگر کسی مخارج حج را دارد و در مقابل آن بدهی نیز دارد و مطمئن است که در برگشت به خوبی می‌تواند بدهی خود را ادا نماید، حج بر او واجب است.

مسئله ۳۹: اگر مخارج حج زیادتر از حد متعارف باشد و انسان بتواند بدون مشقت آن را تهیه کند، حج بر او واجب است.

مسئله ۴۰: روحانی و پزشک و خدمه کاروان‌ها اگر در برگشت می‌توانند زندگی خود را به طور مناسب شأن خود اداره کنند، حج بر آن‌ها واجب است. و حجی که انجام می‌دهند، کفایت از حجه الاسلام آن‌ها می‌کند.

مسئله ۴۱: کسی که مستطیع است باید هزینه‌های مقدماتی سفر حج از قبیل تهیه گذرنامه و ویزا و آزمایش‌های پزشکی و نظائر آن را بپردازد و اگر توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارد، مستطیع نیست.

مسئله ۴۲: اگر زنی مهریه یا خانه او برای رفتن حج کافی است، ولی شوهر او به آسانی نمی‌تواند مهریه او را بدهد یا خانه دیگری تهیه کند، حج برای او واجب نیست. همچنین اگر مهریه او سفر حج باشد، وقتی حج بر او واجب است که شوهرش بتواند به طور متعارف مخارج حج او را تهیه کند.

مسئله ۴۳: اگر مستطیع پس از احرام بمیرد، هر چند مردن او قبل از وارد شدن به حرم باشد، احرام او کفایت از حج می‌کند و لازم نیست ورثه برای او حج واجب به جا بیاورند.

مسئله ۴۴: انسان می‌تواند قبل از رسیدن وقت حج، خود را از استطاعت بیاندازد، نظیر اینکه مال خود را به دیگری ببخشد، همچنین لازم نیست خود را مستطیع کند، گرچه بر او آسان باشد. ولی اگر مستطیع شد و حج او متوقف بر مقدماتی نظیر اسم‌نویسی در کاروان‌ها یا گرفتن ویزا و مانند اینها بود، باید آن مقدمات را تهیه کند و اگر تهیه نکرد و نتوانست مکه برود، علاوه بر اینکه گناه

کرده است، حج بر او مستقر می‌شود و باید بعداً حج را به جا آورد، گرچه از استطاعت افتاده باشد.

مسئله ۴۵: اگر کسی به گمان عدم استطاعت، به قصد حجّ استحبابی محرم شود و اعمال حج را به جا آورد و بعداً بفهمد که مستطیع بوده است، حجّ او کفایت از حجّ واجب می‌کند.

مسئله ۴۶: اگر کسی که مستطیع نیست، به گمان اینکه مستطیع است، محرم شود و اعمال حج را به جا آورد، حج او صحیح است و اگر در بازگشت بتواند مخارج خود و واجب التّفقه خود را اداره کند، حجّ او کفایت از حجّ واجب می‌کند.

مسئله ۴۷: کسی که در استطاعت خود شک دارد، واجب است در این خصوص تحقیق کند و اگر واجب الحج بود و بر اثر عدم تحقیق، حج به جا نیاورد، حج بر او مستقر می‌شود و در هر صورت باید به جا آورد. و اگر بعداً قدرت بدنی برای انجام حج نداشت، در زمان حیات باید نایب بگیرد.

مسئله ۴۸: کسی که از راه وجوه شرعی اداره می‌شود، نظیر اهل علم، اگر مالی داشته باشد که بتواند با آن به حج برود و در بازگشت بتواند از وجوه شرعی یا غیر آن به طور متعارف اداره شود، حج بر او واجب است. ولی اگر با وجوه شرعی بخواهد به مکه برود، حجّ او کفایت از حجّ واجب نمی‌کند، بلکه در بعضی موارد سفر او خالی از اشکال نیست.

استطاعت بذلی

مسئله ۴۹: اگر کسی پول رفت و برگشت حج را نداشته باشد ولی کس دیگری پول حج را به او ببخشد یا او را به حج بفرستد و مخارج زن و فرزند او را نیز در این مدت پردازد، حج بر او واجب می‌شود و باید به جا آورد، مگر عذر موجهی داشته باشد. به چنین حجّی، حجّ بذلی گفته می‌شود و کفایت از حجّ واجب می‌کند.

مسئله ۵۰: در حجّ بذلی اطمینان حج گزار از اینکه بعد از بازگشت بتواند به طور متعارف زندگی خود را اداره نماید، شرط نیست.

مسئله ۵۱: اگر پول حج به کسی بخشیده شود و او قدرت بدنی برای انجام اعمال حج نداشته باشد، باید پول را به باذل برگرداند و اگر از دنیا رفت، ورثه او باید پول را برگردانند و انجام حجّ نیابی با این پول جایز نیست.

مسئله ۵۲: اگر نهاد یا اداره یا ارگانی، شخصی را بدون الزام به انجام کاری به حج بفرستد، حکم حجّ بذلی را پیدا می‌کند و باید آن شخص بپذیرد.

مسئله ۵۳: اگر پذیرش حجّ بذلی از سوی حج گزار، مستلزم پذیرش منت قابل توجهی باشد یا برای او ضرر یا مشقت مهمی داشته باشد، واجب نیست بپذیرد.

مسئله ۵۴: در حجّ بذلی پرداخت پول قربانی به عهده باذل است ولی کفاره را - در صورت وجوب - حج گزار باید پردازد.

مسئله ۵۵: در حجّ بذلی، اگر حج گزار یقین دارد که باذل از پولی که متعلق خمس است، به او بذل کرده است، باید خمس آن را بدهد و قبل از پرداخت خمس نمی‌تواند با آن پول، حج به جا آورد.

مسئله ۵۶: در حجّ بذلی باذل و مبدول له، مطلقاً حق رجوع ندارند و باید طبق قرارداد عمل کنند.

ششم: آزاد بودن

مسئله ۵۷: حج بر غلام و کنیز که در زمان‌های گذشته مرسوم بوده است آنها را بخرند، واجب نیست. ولی اگر غلام و کنیز مالک مال بشوند، مستطیع می‌شوند و حج بر آنها واجب است، به شرط اینکه مولی اجازه عزیمت به آنها بدهد و اگر اجازه نداد، واجب الحج نیستند.

هفتم: عدم تراحم با انجام واجب یا ترک حرام مهم‌تر

مسئله ۵۸: اگر کسی بداند حج او سبب ترک واجب مهم تر نظیر ترک نماز یا جهاد می‌شود، یا آنکه حج متوقف بر فعل حرامی است که اجتناب از آن مهم تر از حج است، نظیر سلطه اجانب بر او یا ابتلای به زنا و مانند آن، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۵۹: اگر حج او متوقف بر ترک واجبی است که حج، مهم تر از آن است، نظیر مخالفت یا نهی پدر یا مادر یا شوهر و یا متوقف است بر گناهی که حج مهم تر از اجتناب از آن گناه است، نظیر نگاه نامحرم به او، یا تزریق آمپول به وسیله نامحرم و مانند این‌ها، حج بر او واجب است.

مسئله ۶۰: اگر کسی با وجود خوف خطر در حج یا با علم به اینکه انجام حج برای او مستلزم ترک واجب مهمتر یا به جا آوردن فعل حرام است، به حج مشرف شود و آن خطر به او برسد یا واجب مهمتر را ترک و یا حرام را به جا آورد، گرچه گناه کرده است ولی حج او صحیح است و کفایت از حج واجب می‌کند.

اقسام حج

حج بر سه گونه است [۱]: «تَمَتُّع»، «قران» و «إفراد»

مسئله ۱۳۳: انجام حج تمتع وظیفه کسانی است که «چهل و هشت میل» یا «شانزده فرسخ» از مکه دور باشند و حج «قران» و «إفراد» وظیفه کسانی است که در مکه ساکن هستند یا فاصله آنها تا مکه کمتر از «شانزده فرسخ» است.

مسئله ۱۳۴: کسانی که وظیفه آنها حج تمتع است، اگر در مکه مقیم شوند و حداقل دو سال به قصد مجاورت در مکه بمانند، در صورت احراز شرایط وجوب حج، حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند.

مسئله ۱۳۵: کسانی که وظیفه آنها انجام حج إفراد یا حج قران است در انتخاب یکی از آن دو حج، مخیر هستند. ولی بهتر است حج قران انجام دهند.

مسئله ۱۳۶: در حج استجابی همه افراد، چه اهل مکه و اطراف آن باشند و چه اهل شهرهای دور، در انتخاب اقسام سه گانه حج مخیرند، گرچه حج تمتع افضل است.

پی نوشت ها:

[۱]. به جهت اینکه این مناسک بیشتر مورد استفاده کسانی واقع می‌شود که «حج تمتع» انجام می‌دهند، در فصل بعدی به شرح اعمال «حج تمتع» پرداخته می‌شود و در ادامه این فصل اشاره‌ای به اعمال «حج افراد» و «حج قران» می‌گردد.

نیابت در حج

مسئله ۶۱: نیابت یعنی انجام عملی از طرف یک شخص دیگر و به کسی که عمل را انجام می‌دهد نیابت و به کسی که عمل از طرف او انجام می‌شود، منوب عنه گفته می‌شود.

مسئله ۶۲: نیابت در حج نظیر نیابت در سایر عبادات جایز است.

مسئله ۶۳: برای نیابت حج و نظایر آن، لازم نیست نایب یت را به زبان بیاورد یا خطور به دل کند، بلکه همین مقدار که توجه داشته باشد حج به نیابت است کفایت می‌کند.

مسئله ۶۴: لازم نیست نایب، بالغ، عاقل و رشید باشد و اگر منوب عنه اطمینان داشته باشد که نایب عمل را به جا می‌آورد و بعداً هم اطمینان پیدا کند که عمل را به طور صحیح به جا آورده است، نیابت وی صحیح است.

مسئله ۶۵: لازم نیست، ذمیه نایب در سال نیابت مشغول به حج واجب نباشد. بنابراین اگر نایب حج واجب خودش به ذمه اش باشد می‌تواند نایب شود و حج او صحیح است، گرچه گناه کرده است.

مسئله ۶۶: نایب باید شیعه و مورد اطمینان باشد و کسی را که شیعه نیست نمی‌توان در عبادات نایب کرد.

مسئله ۶۷: نایب باید طبق فتوای مرجع تقلید خودش عمل نماید و لازم نیست بداند فتوای مرجع تقلید منوبّ عنه چیست.

مسئله ۶۸: کسی را که نمی‌دانیم عمل را به جا می‌آورد یا نه، نمی‌توان نایب قرار داد، ولی اگر اطمینان داشته باشیم که عمل را به جا می‌آورد، در صورتی که آشنایی با مسائل حج داشته باشد نیابت او صحیح است.

مسئله ۶۹: نایب شدن مرد از زن، یا زن از مرد، نظیر بقیه عبادات اشکال ندارد، ولی نایب در اعمال باید به وظیفه خودش عمل کند.

مسئله ۷۰: به جا آوردن حج واجب به نیابت از بیش از یک نفر در یک سال جایز نیست. ولی در حجّ مستحبّی نیابت از بیش از یک نفر اشکال ندارد و می‌شود حج را به نیابت از افراد نامحدودی انجام داد. و لازم نیست افرادی که حجّ مستحبّی به نیابت از آنان انجام می‌شود به تفصیل مشخص باشند، بلکه نیت کلی کفایت می‌کند. مثلاً می‌توان به نیابت از همه مسلمانان یا همه خویشاوندان و... حجّ مستحبّی به جا آورد.

مسئله ۷۱: نیابت از جانب شخص زنده در حجّ مستحبّی اشکال ندارد، گرچه خود او هم حج را به جا آورد.

مسئله ۷۲: نیابت از جانب شخص زنده در حجّ واجب، در صورتی صحیح است که آن شخص قبلاً واجب الحج بوده و به جهتی مشرّف به حج نشده است و اکنون به علت پیری یا بیماری قادر به رفتن مگه یا انجام اعمال حج نیست و امید به بهبودی هم ندارد، در این صورت واجب است در زمان حیات کسی را به نیابت از خود به حج بفرستد. و اگر از دنیا رفت ورثه او واجب است برای حجّ او نایب بگیرند.

مسئله ۷۳: اجازه و اطلاع منوبّ عنه در حجّ واجب برای صحت حجّ نایب، شرط است.

مسئله ۷۴: اگر کسی محرم شود که برای خودش عمره مفرده یا حجّ مستحبّی به جا آورد، بعد از احرام نمی‌تواند دیگری را در احرام خود شریک کند یا از نیت خود عدول کند، ولی اعمال دیگر نظیر طواف را می‌تواند برای خودش و به نیابت از دیگری به جا آورد، همان گونه که می‌تواند بعد از اتمام، ثواب آن عمره یا حج را گرچه حجّ واجب باشد به دیگری چه زنده و چه مرده هدیه کند.

مسئله ۷۵: اگر کسی در سال اول استطاعت، قدرت بدنی برای انجام اعمال حج نداشته باشد، حج بر او واجب نیست و بعد از مرگ او هم نیابت برای حجّ او لازم نمی‌باشد.

مسئله ۷۶: اگر حجّ نایب دچار مشکلی شد یا در جایی ناقص انجام شد یا کفاره واجب گردید، چیزی بر عهده منوبّ عنه نیست و نایب باید جبران نماید.

مسئله ۷۷: نایب باید طواف نساء را در حجّ نیابی مانند سایر اعمال به نیابت از منوبّ عنه انجام دهد و نیت خاصی لازم ندارد و چنانچه طواف نساء دچار مشکل شد یا صحیح انجام نشد، زن بر نایب حرام می‌شود نه منوبّ عنه.

مسئله ۷۸: اگر عذر منوبّ عنه، در بین اعمال حجّ نایب یا پس از اتمام آن بر طرف شود، لازم نیست خودش حج را اعاده کند.

مسئله ۷۹: کسی که در ترک محرّمات حج یا در به جا آوردن اعمال حج به طور متعارف معذور است، نظیر اینکه باید در حال احرام زیر سایه برود یا در طواف و رمی نایب بگیرد، یا به ناچار باید بعد از نیمه شب از مشعر به منی رود، می‌تواند نایب شود و حجّی که مطابق وظیفه خودش به جا می‌آورد کافی از حجّ منوبّ عنه می‌باشد.

مسئله ۸۰: همان گونه که اگر کسی بعد از احرام بمیرد، حجّش صحیح است، اگر نایب بعد از احرام بمیرد کافی از حجّ منوبّ عنه است و استحقاق تمام اجرت را هم دارد.

مسئله ۸۱: اگر نایب در انجام برخی اعمال حج دچار مشکل شود، می‌تواند برای انجام آن عمل، نایب دیگری اختیار کند. مانند وقتی که برای انجام طواف عذری دارد و مجبور است نایب بگیرد.

مسئله ۸۲: کسی که اجیر شده است تا حج تمتع به جا آورد، می‌تواند در ضمن اعمال حج یا بعد از آن برای طواف یا ذبح یا رمی جمره و مانند اینها بلکه برای عمره مفرده، اجیر شخص دیگری شود، همان گونه که می‌تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

مسئله ۸۳: در حج نیابی لازم نیست از بلد نایب بگیرند و همین مقدار که از میقات کسی را نایب کنند کفایت می‌کند، همان گونه که اگر کسی را از بلد نایب کنند، لازم نیست از شهر منوب عنه حرکت کند.

مسئله ۸۴: اگر نایب در مکه دچار تنگی وقت بشود و حج او مبدل به حج افراد شود و اعمال حج افراد را به جا آورد، حج او صحیح است و کافی از حج واجب منوب عنه می‌باشد.

مسئله ۸۵: کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به وطن برگردد، می‌تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید ولی استحقاق اجرتی را که گرفته است ندارد، گرچه منوب عنه بریء الذمه می‌شود، و باید با کسی که او را اجیر کرده است، تصالح کند.

مسئله ۸۶: کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و محرم به احرام حج شده و بعد از وقوف به عرفات ناچار شده است که به وطن باز گردد، می‌تواند در بقیه اعمال نایب بگیرد و علاوه بر اینکه منوب عنه بریء الذمه می‌شود استحقاق تمام اجرت را هم دارد.

مسئله ۸۷: هرگاه شخصی را برای عمره مفرده یا حج واجب یا مستحب اجیر کنند و اجیر عمره یا حج را با جماع فاسد کند، واجب است حج یا عمره را به آخر برساند و کفاره هم باید بدهد. ولی این حج یا عمره برای منوب عنه کفایت نمی‌کند و نایب استحقاق اجرت ندارد، مگر اینکه کسی که او را اجیر کرده است راضی شود که در سال‌های بعد، آن حج یا عمره را به جا بیاورد.

مسئله ۸۸: در حج نیابی پرداخت پول احرام و قربانی بر عهده نایب است. مگر اینکه توافق دیگری صورت پذیرد.

مسئله ۸۹: اگر کسی در حج نیابی به مبلغی اجیر شود و مبلغی که گرفته است کمتر از پول حج او باشد، باید به نیابت عمل کند و کمبود را خودش جبران نماید، چنانچه اگر مبلغ اجرت زیادتر از هزینه حج باشد، آن زیاد متعلق به نایب است.

مسئله ۹۰: اگر در نیابت حج شرط شود که خود نایب حج به جا آورد، او نمی‌تواند بدون اجازه منوب عنه، دیگری را به حج بفرستد.

مسئله ۹۱: اگر در نیابت مشخص نشود که چه زمانی حج انجام شود، نایب باید در اولین سال ممکن آن حج را به جا آورد و بدون اجازه منوب عنه، تأخیر جایز نیست.

مسئله ۹۲: شایسته است انسان به نیابت از انبیای عظام و حضرات معصومین «سلام الله علیهم» و اولیای الهی و مخصوصاً به نیابت از حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» حج مستحبی به جا بیاورد.

حج افراد

مسئله ۱۳۷: حج افراد مرکب از دو عمل است: حج و عمره مفرده.

مسئله ۱۳۸: در حج افراد، ابتدا باید اعمال حج تمتع، انجام شود و پس از آن عمره مفرده به جا آورده شود.

مسئله ۱۳۹: کیفیت و احکام حج افراد مانند حج تمتع است با این تفاوت که: اولاً قربانی در حج تمتع واجب و در حج افراد مستحب است. ثانیاً محل احرام در حج تمتع شهر مکه است و در حج افراد، یکی از مواقیت یا منزل حج گزار است و اگر اهل مکه باشد، محل احرام او، شهر مکه است.

مسئله ۱۴۰: در حج افراد، لازم نیست عمره مفرده را بلافاصله بعد از اعمال حج به جا آورد، بلکه هر زمانی انجام شود، جایز است، گرچه در ماه‌های حج نباشد.

مسئله ۱۴۱: کسی که حج افراد بر او واجب نیست، لازم نیست بعد از به جا آوردن اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد، گرچه

مستحب است.

مسئله ۱۴۲: حج گزار در حج افراد، بدون عذر هم می‌تواند اعمال مکّه (طواف حج و نماز آن، سعی، طواف نساء و نماز آن) را قبل از رفتن به عرفات انجام دهد، گرچه به جا آوردن این اعمال بعد از تقصیر یا حلق در منی، بهتر است.

مسئله ۱۴۳: اگر کسی در حج افراد اعمال مکّه را زودتر از رفتن به عرفات انجام دهد، تا زمانی که اعمال حج را تمام نکند، لذت جنسی بر او حلال نمی‌شود.

مسئله ۱۴۴: کسی که محرم به احرام عمره تمتع شده است و به جهتی حج او مبدل به حج افراد می‌شود، باید با همان احرام، اعمال حج افراد را به جا آورد.

وصیت به حج

مسئله ۹۳: کسی که حجه الاسلام بر ذمه‌اش باشد، وقت مرگ واجب است به آن وصیت کند. و بر ورثه واجب است حج او را از اصل ترکه ادا کنند، هر چند وصیت نکرده باشد.

مسئله ۹۴: کسی که بمیرد و حج بر ذمه‌اش باشد و وصیت به ثلث کرده باشد. ورثه می‌توانند حج را از ثلث ادا کنند.

مسئله ۹۵: اگر کسی که حج واجب بر عهده او است بمیرد و مال او به مقدار هزینه حج نباشد، بر ورثه واجب نیست که حج او را ادا کنند، گرچه سزاوار است میت را بریء الذمه کنند.

مسئله ۹۶: اگر حج و واجبات مالی دیگر نظیر خمس و زکات بر ذمه میت باشد و ترکه او کفایت از همه آنها نکند و خمس یا زکات در اصل مال نباشد، ادای حج بر آنها مقدم است.

مسئله ۹۷: در فرض مسئله قبل، اگر خمس یا زکات در اصل مال باشد، ادای خمس و زکات مقدم است. همان گونه که ادای خمس و زکات بر ادای قرض نیز مقدم است.

مسئله ۹۸: اگر حج واجب بر ذمه میت باشد، ورثه او پیش از ادای حج نمی‌توانند در اموال او تصرف کنند، همان گونه که تا واجبات مالی دیگر نظیر خمس و زکات و قرض را ادا نکنند، نمی‌توانند در اموال میت تصرف کنند، ولی اگر وصی یا قیم میت، دیون او را از اصل مال بیرون کند، ورثه می‌توانند در اموال میت تصرف نمایند.

مسئله ۹۹: اگر وصی یا وارث میتی که حج بر او واجب بوده است، در ادای حج او کوتاهی یا سهل‌انگاری کند و مال میت از بین برود، ضامن است و به هر نحو باید برای او حج به جا بیاورد یا برای ادای آن نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۰: اگر میت وصیت به حج بلدی نکرده باشد، بر ورثه واجب نیست از بلد نایب بگیرند و نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند، گرچه عقیده میت اجتهاداً یا تقلیداً حج بلدی باشد. البته سزاوار است از وطن نایب گرفته شود، اما اجرت بیشتر از میقات از وارث صغیر برداشته نمی‌شود.

مسئله ۱۰۱: اگر میت وصیت به حج بلدی نموده باشد، واجب است از بلد نایب گرفته شود و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلث برداشته می‌شود.

مسئله ۱۰۲: کسی که بمیرد و حجه الاسلام بر ذمه او باشد بر ورثه واجب است در همان سال نایب بگیرند، گرچه بیشتر از مقدار معمول باشد و گرچه در بین ورثه صغیر نیز باشد.

مسئله ۱۰۳: اگر کسی حجه الاسلام میت را تبرعاً به جا آورد، بر ورثه واجب نیست برای او نایب بگیرند و مقدار هزینه حج به ورثه می‌رسد.

مسئله ۱۰۴: اگر میت وصیت به حج بلدی کرده باشد، ولی ورثه او کسی را از میقات اجیر نمایند، گرچه گناه کرده‌اند ولی میت

بری‌الدّمه می‌شود.

مسئله ۱۰۵: اگر میتی که حجه الاسلام بر ذمه اوست، نزد شخصی مالی داشته باشد و آن شخص بداند که ورثه، حج میت را به جا نمی‌آورند، او باید با آن مال، حج میت را به جا آورد و فرقی نیست بین آنکه نایب بگیرد یا خودش حج را به جا آورد.

مسئله ۱۰۶: اگر میت برای حجه الاسلام اجرت تعیین کرده باشد، نظیر اینکه بگوید مغازه‌ام را صرف حج واجب کنید، ورثه باید حج او را ادا کنند و در صورتی که آن مال کفایت نکند، کمبود آن را باید از اصل مال بردارند، ولی اگر آن مال زیادتر از هزینه حج باشد، آن زیادی به ورثه می‌رسد.

مسئله ۱۰۷: اگر میت برای حجه الاسلام اجرت تعیین کرده باشد، نظیر اینکه بگوید مغازه‌ام را صرف حج واجب کنید، و وراثت بداند در آن مال خمس و زکات هست باید اول خمس و زکات آن را پردازند و مابقی را صرف حج کنند.

مسئله ۱۰۸: اگر میت شخص بخصوصی را برای به جا آوردن حج تعیین کرده باشد، عمل به وصیت لازم است، ولی اگر آن شخص قبول نکرد یا بیشتر از مقدار متعارف اجرت خواست، ورثه می‌توانند دیگری را اجیر کنند.

موارد تبدیل حج تمتع به حج افراد

مسئله ۱۴۵: اگر محرم به احرام عمره تمتع، زمانی به مکه برسد که وقت کافی برای انجام اعمال عمره تمتع نداشته باشد، یعنی در صورت انجام عمره، خوف نرسیدن به وقوف عرفات را داشته باشد، حج تمتع او مبدل به حج افراد می‌شود. بنابراین باید با همان احرام به عرفات برود و اعمال حج را طبق دستور حج افراد انجام دهد و پس از اتمام، در صورت واجب بودن حج او، عمره مفرده به جا آورد. در این صورت حج وی صحیح است و کافی از حج واجب می‌باشد.

مسئله ۱۴۶: اگر زنی که محرم به احرام عمره تمتع است به جهت حیض یا نفاس نتواند طواف عمره تمتع را به جا آورد و معطل شدن او خوف نرسیدن به وقوف عرفات را همراه داشته باشد، می‌تواند نیت خود را به حج افراد برگرداند و طبق مسئله قبل عمل نماید. در این صورت حج وی صحیح و کافی از حج واجب می‌باشد.

مسئله ۱۴۷: فرقی نمی‌کند که حج گزار در میقات بفهمد به وقوف عرفات نمی‌رسد یا در مکه و اگر در میقات خوف نرسیدن به عرفات را داشته باشد، می‌تواند از اول به نیت حج افراد محرم شود و اعمال حج را به جا آورد.

مسئله ۱۴۸: اگر کسی بواسطه عذری بدون احرام وارد مکه شود و وقت هم برای انجام اعمال حج تنگ باشد، باید برای حج افراد در مکه احرام ببندد و اعمال حج را به جا آورد و بعد عمره مفرده انجام دهد. در این صورت حج وی صحیح و کافی می‌باشد.

مسئله ۱۴۹: هرگاه حج گزار عمداً و بدون عذر اعمال عمره تمتع را انجام ندهد تا وقت تنگ شود باید حج افراد و عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد نیز حج دیگری به جا آورد.

حج و تقلید

مسئله ۱۰۹: کسی که تاکنون مقلد هیچ یک از فقهای عظام نبوده، برای انجام اعمال حج باید از یک مجتهد جامع الشرائط زنده تقلید کند و اعمال گذشته را حمل بر صحت نماید.

مسئله ۱۱۰: تقلید ابتدایی از میت جایز نیست ولی کسی که قبلاً از مجتهدی تقلید می‌کرده است، پس از وفات او می‌تواند با اجازه مجتهد جامع الشرائط زنده، بر تقلید وی باقی بماند.

مسئله ۱۱۱: کسی که باقی بر تقلید مجتهد متوفی است، در اعمال حج نیز می‌تواند از او تقلید نماید، هر چند قبلاً حج به جا نیاورده باشد.

حج قرآن

مسئله ۱۵۰: اعمال و احکام حج قرآن نیز مانند حج افراد است و ابتدا باید اعمال حج و پس از آن عمره مفرده انجام شود.

مسئله ۱۵۱: حج گزار در حج قرآن مخیر است که با تلبیه احرام ببندد یا با تعیین قربانی برای حج.

مسئله ۱۵۲: محرم شدن با تعیین قربانی به این صورت است که اگر قربانی شتر باشد به واسطه خونی که از طرف راست کوهان می‌گیرد، کوهان شتر را خون‌آلود کند که به آن «اشعار» می‌گویند و اگر قربانی گاو یا گوسفند است، حج گزار کفش‌های خود را به گردن او آویزان نماید، که به آن تقلید می‌گویند.

مسئله ۱۵۳: بهتر است که شتر را هم «اشعار» کند و هم «تقلید» نماید و بهتر از آن، این است که علاوه بر تعیین قربانی، تلبیه هم بگوید.

حج و خمس

مسئله ۱۱۲: یکی از شرایط قبولی حج، استفاده از مال حلال برای این سفر معنوی است و اگر کسی با مال غصبی یا با مالی که خمس آن را نداده است، به حج مشرف شود، هر چند حج او صحیح است، ولی گناه بسیار بزرگی مرتکب شده که ثواب حج نمی‌تواند جبران آن گناه را بنماید و خداوند چنین حجی را قبول نمی‌کند.

مسئله ۱۱۳: پولی را که انسان جهت ثبت نام حج پرداخت می‌کند، اگر از سرمایه‌اش برداشت کند، در صورتی که خمس سرمایه را داده باشد، خمس ندارد. ولی اگر خمس سرمایه را نداده باشد، باید خمس آن را پرداخت کند.

مسئله ۱۱۴: اگر مبلغی که بابت ثبت نام حج پرداخت می‌شود، از ارث یا بخشش یا مهریه باشد، خمس ندارد، گرچه چند سال طول بکشد تا مشرف شود.

مسئله ۱۱۵: کسی که از محل درآمد سال خود برای حج ثبت نام می‌کند، اگر در همان سال مشرف شود، لازم نیست خمس آن را بپردازد. به شرط آنکه خمس درآمد سال‌های قبل را پرداخته باشد. هر چند بهتر است خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۱۶: اگر مبلغ ثبت نام حج از درآمد سال‌های قبل باشد، یعنی سال بر آن گذشته باشد و یا از درآمد همان سال باشد و در سال‌های بعد مشرف شود، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۱۷: کسی که ملک یا شیء گران‌قیمتی دارد و تنها با فروش آن می‌تواند برای حج ثبت نام کند، در صورتی که آن ملک یا شیء، متعلق خمس باشد و پس از پرداخت خمس، مبلغ باقیمانده برای ثبت نام حج کافی نباشد، حج بر او واجب نیست و باید بفروشد و خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۱۸: کسی که تا به حال خمس پرداخت نکرده و اکنون می‌خواهد به حج مشرف شود، در صورتی که محاسبه و پرداخت خمس همه دارایی‌ها برای او مشکل باشد، می‌تواند با اجازه مجتهد جامع‌الشرايط، خمس پول حج و احرام و قربانی را پرداخت کند و پس از بازگشت حسابرسی تمام اموال را بنماید، هر چند بسیار به جا است تلاش کند که همه خمس خود را قبل از عزیمت به حج پرداخت نماید.

عمره مفرده

عمره مفرده [۱]

مسئله ۱۵۴: عمره مفرده یکی از اعمال بسیار با فضیلت در اسلام به شمار می‌آید و هفت جزء دارد که عبارتند از:

۱. احرام، ۲. طواف کعبه، ۳. نماز طواف، ۴. سعی بین صفا و مروه، ۵. تقصیر، ۶. طواف نساء، ۷. نماز طواف نساء
مسئله ۱۵۵: عمره مفرده بر کسی واجب نیست، گرچه استطاعت آن را داشته باشد یا برای حج نایب شده باشد، ولی به جا آوردن آن خصوصاً در ماه رجب مستحب است.

مسئله ۱۵۶: در هر زمانی - حتی در ایام حج تمتع - می شود عمره مفرده به جا آورد. و فرقی نمی کند کسی که می خواهد عمره مفرده به جا بیاورد، اهل مکه باشد یا نباشد و قبل از عمره تمتع باشد یا بعد از آن. و بالاخره در هر زمانی انجام عمره مفرده جایز است.

مسئله ۱۵۷: کسی که محرم به حج تمتع است، در صورتی که بخواهد عمره مفرده به جا بیاورد، باید قبل از احرام حج تمتع یا بعد از محل شدن، محرم به احرام عمره مفرده شود.

مسئله ۱۵۸: لازم نیست فاصله‌ای بین دو عمره مفرده یا عمره تمتع و عمره مفرده باشد. بنابراین هر روز می شود به نیت خود یا دیگران، عمره مفرده به جا آورد. بلکه در شبانه روز می توان چندین عمره مفرده به جا آورد و قصد رجاء هم لازم نیست.

مسئله ۱۵۹: عمره مفرده را می توان به نیابت از دیگران انجام داد و لازم نیست نایب قبلاً خودش عمره به جا آورده باشد. بلکه در مرتبه اول نیز می تواند علاوه بر خودش، اعمال عمره مفرده را به نیابت از دیگران انجام دهد. همچنین محدودیتی در تعداد افرادی که نایب می تواند به نیابت از آنان عمره مفرده به جا بیاورد وجود ندارد.

مسئله ۱۶۰: کسانی که در مکه حضور دارند، برای انجام عمره مفرده لازم نیست به مواقیت پنج گانه بروند و می توانند از ادنی‌الحل [۲] محرم شوند. ولی احرام از یکی از سه مسجد «تعیم» و «جعرانه» و «حدیبیه» بهتر است و فرقی نمی کند که این افراد ساکن مکه باشند یا به عنوان مسافر در مکه حضور داشته باشند.

مسئله ۱۶۱: کسی که محرم به احرام عمره مفرده می شود، همه محرمات احرام بر او حرام می گردد و بعد از تقصیر همه محرمات بر او حلال می گردد به غیر از نزدیکی با همسر و استعمال بوی خوش که پس از انجام طواف نساء و نماز آن، حلال می گردد.

مسئله ۱۶۲: اعمال عمره مفرده از احرام تا تقصیر، همانند اعمال عمره تمتع است و طواف نساء و نماز آن نیز، مثل طواف نساء و نماز آن در اعمال مکه، از حج تمتع می باشد، با این تفاوت که همه این اعمال به نیت عمره مفرده انجام می شود و شرح مفصل آن در فصل بعدی می آید.

پی نوشت ها:

[۱]. احکام عمره مفرده مطابق با فتاوی معظّم‌له در کتاب مجزایی منتشر شده است و در این کتاب مسائل کلی عمره مفرده به اختصار بیان می شود.

[۲]. نزدیکترین محلّ خارج از حرم، به حرم را «ادنی‌الحل» می گویند.

آداب و مستحبات زیارت مکه معظمه و مدینه منوره

آداب ورود به حرم

اعمال عمره تمتع

زمان حج و عمره

حج تمتع از دو بخش تشکیل می شود: «عمره تمتع» و «حج تمتع».

زمان حج و عمره

مسئله ۱۶۳: عمره تمتع و حج تمتع، هر دو باید در ماه‌های حج یعنی شوال و ذی‌القعدة و ذی‌الحجه، واقع شوند؛ و اگر کسی در شوال یا ذی‌القعدة، عمره تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد، صحیح است؛ ولی اگر قبل از شوال، عمره تمتع به جا آورد، صحیح نیست، اگرچه بعضی از اعمال عمره، قبل از شوال و بقیه در شوال، یا سایر ماه‌های حج، واقع شود.

مسئله ۱۶۴: عمره تمتع و حج تمتع، باید در یک سال واقع شوند؛ پس اگر کسی در یک سال، عمره تمتع و در سال دیگر، حج تمتع به جا آورد، صحیح نمی‌باشد.

عمره تمتع

اعمال عمره تمتع

عمره تمتع پنج جزء دارد که عبارتند از:

۱. احرام
۲. طواف کعبه
۳. نماز طواف
۴. سعی بین صفا و مروه
۵. تقصیر

سیر اجمالی اعمال عمره تمتع

کسی که قصد عمره تمتع می‌کند، ابتدا باید در یکی از مواقیت احرام، محرم به احرام عمره تمتع شود و پس از آن فاصله بین میقات تا شهر مکه و بیت‌الله‌الحرام را طی کرده و پس از ورود به خانه خدا، هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف نماید و پس از آن دو رکعت نماز طواف به جا آورد.

سپس لازم است فاصله بین کوه صفا و کوه مروه را که هر دو در مجاورت خانه کعبه واقع شده‌اند، هفت مرتبه طی نماید و در مرتبه هفتم این «سعی» که به کوه مروه می‌رسد، تقصیر نماید. یعنی مقداری از موی سر یا صورت یا ناخن خود را کوتاه کند. بعد از تقصیر اعمال عمره تمتع به پایان می‌رسد و همه محرماتی که به واسطه احرام عمره تمتع بر حج گزار حرام شده بود، حلال می‌گردد.

اجزاء عمره تمتع

اول: احرام

اشاره

مسئله ۱۶۵: اولین عمل عمره تمتع احرام است و مرکب از سه عمل می‌باشد که عبارتند از: «پوشیدن لباس احرام»، «تیت» و «گفتن لَبَّيْكَ».

مکان احرام

مسئله ۱۶۶: احرام عمره تمتع باید از یکی از مکان‌هایی که برای همین منظور تعیین شده و به آن میقات گفته می‌شود، صورت پذیرد.

میقات کسانی که در مکه هستند

مسئله ۱۶۷: کسانی که در مکه حضور دارند؛ نظیر کسانی که قبلاً با احرام عمره مفرده وارد مکه شده‌اند؛ برای انجام عمره تمتع می‌توانند از محدوده حرم خارج شوند و در «ادنی الحلل» محرم شوند. و بهتر است در یکی از سه مسجد «تنعیم»، «جعراانه» و «حدیبیه» محرم گردند.

میقات کسانی که از راه دور قصد عمره تمتع می‌کنند

مسئله ۱۶۸: کسانی که از راه دور به حج مشرف می‌شوند، باید در یکی از میقات‌های پنج‌گانه ذیل برای عمره تمتع، محرم شوند و عبور از این مواقیت بدون احرام جایز نیست.

۱. «مسجد شجره»: که در منطقه «ذوالحلیفه» و نزدیک شهر مدینه واقع شده است و کسانی که از مسیر شهر مدینه به مکه وارد می‌شوند، باید از این میقات محرم شوند.

مسئله ۱۶۹: لازم نیست که احرام در مسجد باشد، گرچه بهتر است. بنابراین شخص جنب و حائض باید نزدیک مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

مسئله ۱۷۰: احرام در همه مکان‌های توسعه یافته‌ای که امروز به عنوان مسجد شجره شناخته می‌شود، صحیح است و لازم نیست حتماً در مکان مسجد قبلی باشد.

۲. «وادی عقیق»: و آن میقات کسانی است که از راه «عراق» و «نجد» به مکه وارد می‌شوند.

مسئله ۱۷۱: اوایل وادی عقیق را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند و احرام در هر جای این وادی صحیح است. گرچه محرم شدن از مسلخ افضل می‌باشد. ولی اگر احرام از مسلخ خلاف روش سنی‌ها باشد، باید از جایی که آن‌ها محرم می‌شوند (ذات عرق) محرم شد.

۳. «قرن المنازل»: و آن میقات کسانی است که از راه «طائف» به مکه وارد می‌شوند.

۴. «یلملم»: و آن میقات کسانی است که از راه «یمن» به مکه وارد می‌شوند.

۵. «جحفه»: و آن میقات کسانی است که از راه «شام» و «مصر» و ... به مکه وارد می‌شوند.

مسئله ۱۷۲: زائرانی که از جدّه به مکه می‌روند نیز باید در جحفه محرم شده و به مکه وارد شوند.

مسئله ۱۷۳: اگر کسی در یکی از این میقات‌ها شک کرد، می‌تواند میقات را به واسطه یک نفر ثقه یا پرسیدن از افرادی که از گفته آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود، به دست آورد.

مسئله ۱۷۴: هرگاه کسی از راهی برود که از هیچ یک از مواقیت عبور نکنند، باید از محاذات [۱] یکی از میقات‌ها احرام ببندد و فرقی نمی‌کند که آن مکان از راه زمینی محاذات میقات باشد یا از راه هوایی. مثلاً در صورت ضرورت در هواپیمایی که از بالای سر یک میقات عبور می‌کند نیز می‌توان محرم شد.

مسئله ۱۷۵: جایز نیست کسی احرام خود را از میقات به تأخیر اندازد، مگر اینکه عذری داشته باشد.

مسئله ۱۷۶: اگر کسی از روی علم و عمد از میقات محرم نشود، گناه کرده است. پس اگر میقاتی در جلو دارد باید از آن میقات محرم شود و اگر به میقاتی برخورد نمی‌کند، اگر می‌تواند باید برگردد و از میقات محرم شود و اگر نمی‌تواند باید از هر جایی که می‌تواند محرم شود و احرام او صحیح است.

مسئله ۱۷۷: اگر به واسطه جهل یا فراموشی یا عذر، در میقات محرم نشود، لازم نیست برگردد، بلکه باید از هر جا که می‌تواند محرم شود و احرام او صحیح است.

مسئله ۱۷۸: اگر کسی قبل از رسیدن به میقات محرم شود، احرام او صحیح نیست. ولی پوشیدن لباس احرام قبل از رسیدن به میقات،

لطمه‌ای به صحت احرام وارد نمی‌کند. مثلاً کسی که از مدینه به سمت مکه عازم است، می‌تواند در مدینه لباس احرام خود را بپوشد و در مسجد شجره محرم شود.

مسئله ۱۷۹: افراد دائم‌السفر که به واسطه شغل خود زیاد از مکه خارج می‌شوند، می‌توانند بدون احرام از میقات گذشته و وارد مکه شوند. نظیر راننده‌ها و متصدیان امور حاجیان.

مسئله ۱۸۰: اگر عمره تمتع کسی باطل شد، برای اعاده آن لازم نیست به میقاتی که قبلاً از آن محرم شده است برگردد، بلکه احرام از ادنی‌الحل یا هر میقات دیگری کفایت می‌کند.

واجبات احرام

۱. نیت

مسئله ۱۸۱: باید نیت احرام برای عمره تمتع و با قصد قربت باشد. مسئله ۱۸۲: کسی که می‌خواهد نیت عمره تمتع کند، لازم نیست نیت را به زبان آورد. بلکه همین مقدار که در نظر او باشد همین عملی را که همه به جا می‌آورند او هم به جا آورد، کفایت می‌کند. حتی اگر از نظر تلفظ هم خطا کند، مثلاً به جای عمره تمتع، عمره مفرده یا حج تمتع بگوید، اشکال ندارد.

۲. لباس احرام

مسئله ۱۸۳: لباسی که محرم برای احرام می‌پوشد، باید شرایط لباس نمازگزار را دارا باشد. بنابراین لباس احرام باید پاک و حلال بوده و از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد. همچنین احرام در لباس بدن نما و طلا باف و لباسی که از ابریشم خالص باشد، صحیح نیست.

مسئله ۱۸۴: لباس احرام مردان علاوه بر شرایطی که در مسئله قبل بیان شد، باید دوخته نباشد و مرکب از دو قسمت است که یکی را لنگ می‌گویند و باید به خود ببندند و دیگری عبا است که باید به دوش ببندازند و مستحب است که لنگ از ناف تا زانو را بپوشاند. چنانچه در عبا مستحب است که از شانه تا ناف را بپوشاند.

مسئله ۱۸۵: لباس احرام بانوان غیر از شرایطی که در مسئله ۵۲ بیان شد، شرایط خاصی ندارد و آنان می‌توانند در لباس‌های معمولی خود، محرم شوند.

مسئله ۱۸۶: شرایط لباس احرام باید تا وقتی که محرم از احرام بیرون می‌آید، ادامه داشته باشد. بنابراین اگر لباس او نجس شود، باید تطهیر یا تعویض نماید.

مسئله ۱۸۷: محرم می‌تواند به جای یک لنگ و یک عبا، لنگ یا عباهای متعدد بپوشد، مثلاً می‌تواند در حال سرما پارچه یا پتوئی به دوش بگیرد. همچنین در حال اضطراب می‌تواند لباس دوخته به دوش ببندازد، ولی آن را نباشد. مگر اینکه مضطر شود.

مسئله ۱۸۸: ضرورتی ندارد محرم جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد. بلکه می‌تواند برای شستن یا حمام رفتن و مانند این‌ها آن را از خود جدا کند.

مسئله ۱۸۹: اگر محرم عمداً لباسی بپوشد که شرایط لباس احرام در آن مراعات نشود؛ مثل اینکه مرد در لباس دوخته محرم شود؛ احرام او منعقد نمی‌شود، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله یا عذر باشد، احرامش صحیح است. و هنگامی که مسئله را یاد

گرفت یا به یاد آورد یا عذرش برطرف شد، باید فوراً لباس احرام را به تن کند.
 مسئله ۱۹۰: گره زدن لباس احرام اشکال ندارد، گرچه گره زدن آن مخصوصاً گره نزدن لنگ، بهتر است.
 مسئله ۱۹۱: قرار دادن سنگ و اشیاء مانند آن در لباس احرام و بستن آن با نخ و کش و امثال آن جایز است. همچنین وصل کردن دو طرف جامه احرام با سنجاق و نظائر آن به همدیگر اشکال ندارد.

۳. تلبیه

مسئله ۱۹۲: تلبیه یعنی لبیک گفتن که به واسطه آن احرام منعقد می‌شود، نظیر تکبیره الاحرام که نماز گزار به واسطه آن وارد نماز می‌شود. و صورت آن چنین است:
 «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»
 و معنای آن این است:
 «اجابت و اطاعت می‌کنم تو را، خدایا، اجابت می‌کنم تو را، برای تو هیچ شریکی نیست، اجابت می‌کنم تو را»
 و مستحب است اضافه کند:
 «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»
 و معنای آن این است:

«به درستی که ستایش و نعمت و سلطنت از آن توست، هیچ شریکی نداری، اجابت می‌کنم تو را.»

مسئله ۱۹۳: یک بار گفتن لبیک بر محرم واجب می‌باشد و مستحب است لبیک را تکرار کند تا وقتی که به شهر مکه برسد و از آن به بعد گفتن لبیک جایز نیست.

مسئله ۱۹۴: منظور از شهر مکه برای قطع تلبیه، آنجایی است که شهر جدید مکه به خوبی دیده شود و برای میقاتی نظیر مسجد تنعیم که داخل شهر مکه واقع شده است، گفتن تلبیه در داخل مسجد جایز است و زمانی که محرم از مسجد خارج شد باید تلبیه را قطع نماید.

مسئله ۱۹۵: گفتن لبیک باید صحیح باشد به طوری که از لفظی که گفته می‌شود، معنی آن فهمیده شود و اگر محرم قدرت بر گفتن یا صحیح گفتن نداشته باشد، عبارات عربی تلبیه را به هر صورتی که بگوید کفایت می‌کند.

مسئله ۱۹۶: در صورتی که محرم گنگ باشد، باید عبارات تلبیه را با اشاره بخواند.

مسئله ۱۹۷: اگر ولی کودک او را محرم کرده باشد، باید عبارات تلبیه را به او تلقین کند، تا او به هر صورتی که می‌تواند بگوید، اما اگر آن کودک اصلاً نمی‌تواند لبیک بگوید، ولی او باید به نیابت از او بگوید.

مسئله ۱۹۸: پیش از تلبیه، محرمات احرام هنوز حرام نیست و در صورت انجام آن، کفاره ندارد، هر چند محرم لباس احرام پوشیده باشد و نیت کرده باشد. ولی به مجردی که لبیک گفت، همه محرمات احرام بر او حرام می‌شود.

مستحبات احرام

مسئله ۱۹۹: کسی که می‌خواهد محرم شود مستحب است اعمال زیر را انجام دهد:

۱. بدن را پاکیزه کند.

۲. ناخن و شارب و موی زیر بغل و عانه را ازاله نماید.

۳. از یک ماه قبل موی سر و ریش خود را کوتاه نکند.

۴. غسل احرام کند. (زن حائض و نفسا نیز می‌تواند این غسل را به جا آورد).

هنگام غسل احرام این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسِقْمٍ اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صِدْرِي وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمَدَحَتِكَ وَالنِّسَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِلْأَمْرِكَ وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» [۲]

۵. لباس احرام تمیز، سفید و از پنبه باشد.

و هنگام پوشیدن جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي بِهِ فَرْضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِضْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلْأَنِي وَمَلَجَنِي وَمَنْجَانِي وَذُخْرِي وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَحَائِي» [۳]

۶. بعد از نماز واجب محرم شود.

۷. قبل از احرام شش رکعت نماز یا حداقل دو رکعت نماز به جا آورد و بعد از نماز حمد بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَآمَنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَلَا آخِذٌ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعَفْتُ عَنْهُ وَتَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَعُمْرَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يُحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لِمَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالنِّسَاءِ وَالطَّيْبِ أَبْغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ» [۴]

۸. لیبیک را تا رسیدن به شهر مکه تکرار کند.

۹. بعد از گفتن تلبیه‌ای که در مسئله ۱۹۲ ذکر شد بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيئًا وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ» [۵]

مکروهات احرام

مسئله ۲۰۰: انجام کارهای زیر برای محرم مکروه است:

۱. احرام بستن در جامه زرد و سیاه.

۲. احرام بستن در جامه چرکین.

۳. خوابیدن در رختخواب و بالش زرد و سیاه.

۴. حنا بستن و استعمال سایر لوازم آرایشی قبل از احرام، به طوری که تا وقت محرم شدن اثر آن باقی بماند.

۵. حمام رفتن و ساییدن بدن.

۶. احرام در جامه راه راه.

۷. لیبیک گفتن در پاسخ کسی که مُحرم را صدا می‌زند.

محرمات احرام

مسئله ۲۰۱: انجام اعمالی که ذیلاً شرح داده می‌شود بر محرم حرام است و اگر هر کدام از آنها را با علم و عمد و با اختیار و بدون عذر به جا آورد، مرتکب گناه شده و انجام بعضی از این امور موجب فساد عمره یا در برخی موارد باعث وجوب پرداخت کفّاره می‌شود. ولی اگر از روی جهل یا نسیان یا عذر واقع شود، به صحت عمره ضرری نمی‌رساند و کفّاره نیز ندارد.

۱. هرگونه بهره‌گیری و التذاذ جنسی

مسئله ۲۰۲: هرگونه لذت جنسی دو انسان از یکدیگر نظیر جماع، لواط، بوسیدن، لمس کردن و نگاه با شهوت، هرچند با حلال خود باشد، حرام است. و اگر با نامحرم باشد و یا به صورتی باشد که پیش از احرام، حرام بوده است، به واسطه احرام حرام موکّد می‌شود.

مسئله ۲۰۳: اگر محرم از روی علم و عمد و اختیار و بدون عذر جماع یا لواط کرد، چنانچه قبل از فراغت از سعی بین صفا و مروه باشد، عمره‌اش فاسد می‌شود و کفّاره نیز باید بدهد و اگر پس از فراغت از سعی باشد عمره‌اش فاسد نمی‌شود ولی کفّاره را باید بدهد.

مسئله ۲۰۴: اگر کسی - چه مرد و چه زن - در لذت جنسی کسی را مجبور کند، علاوه بر کفّاره خودش، کفّاره او را هم باید بدهد، و کسی که مجبور شده، عمره‌اش صحیح است و کفّاره ای هم بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۵: مرد محرم می‌تواند با همسر خود هرچند او نیز محرم باشد، صحبت کند، یا به او نگاه کند و یا در کنار همدیگر بنشینند و دست همدیگر را بگیرند. مشروط بر اینکه همه این امور از روی لذت نباشد.

مسئله ۲۰۶: محرمیت افرادی مثل پدر، مادر، خواهر، عمه، خاله، عمو، دایی و نظایر آن که در غیر احرام به انسان محرم هستند، در حالت احرام نیز باقی است و معاشرت محرم با آنها با غیر حالت احرام تفاوتی ندارد، هرچند آنها نیز محرم باشند.

مسئله ۲۰۷: کفّاره جماع یا لواط، ذبح یک شتر است و در صورت ناتوانی، یک گاو و در صورتی که توان ذبح گاو را هم ندارد، ذبح یک گوسفند کفایت می‌کند.

مسئله ۲۰۸: در غیر جماع و لواط به سبب کارهایی نظیر بوسیدن، لمس کردن و نگاه کردن، عمره فاسد نمی‌شود، ولی باید کفّاره بدهد. و کفّاره آن برای انجام هر کدام از کارهای فوق، اگر موجب بیرون آمدن منی شود، همان کفّاره مسئله قبل است، ولی اگر منی بیرون نیاید، برای بوسیدن باز هم باید همان کفّاره را بپردازد و برای لمس کردن، باید یک گوسفند قربانی نماید و نگاه کردن با لذت گرچه حرام است ولی کفّاره ندارد.

۲. استمناء

مسئله ۲۰۹: استمناء یا خود ارضائی حرام است و حرمت آن در حال احرام، مؤکّد می‌شود.

مسئله ۲۱۰: اگر محرم از روی علم و عمد و اختیار و بدون عذر استمناء کند، چنانچه قبل از فراغت از سعی بین صفا و مروه باشد، عمره‌اش فاسد می‌شود و کفّاره نیز باید بدهد و اگر پس از فراغت از سعی باشد، عمره‌اش فاسد نمی‌شود ولی کفّاره را باید بدهد.

مسئله ۲۱۱: کفّاره استمناء، قربانی کردن یک شتر است و در صورت ناتوانی قربانی کردن یک گاو و در صورت عجز از قربانی کردن گاو، ذبح یک گوسفند کفایت می‌کند.

۳. عقد کردن

مسئله ۲۱۲: صیغه عقد خواندن برای خود یا دیگری و ازدواج کردن در حال احرام، حرام است و اگر یکی از طرفین عقد یا کسی که

صیغه عقد را می‌خواند محرم باشند، آن عقد باطل است و در این خصوص تفاوتی بین عقد دائم و موقت نیست.

مسئله ۲۱۳: اگر عمداً و از روی علم و با اختیار، صیغه عقدی جاری شود که لااقل یکی از طرفین عقد یا کسی که صیغه را می‌خواند، محرم باشند، آن زن و مرد بر یکدیگر حرام ابدی می‌شوند.

مسئله ۲۱۴: اگر محرم از روی فراموشی یا جهل، صیغه عقد بخواند یا ازدواج کند، عقد باطل است. ولی این کار موجب حرمت ابدی زن و مرد نمی‌شود.

مسئله ۲۱۵: ازدواج و صیغه عقد خواندن در حال احرام، عمداً باشد یا سهواً، گرچه حرام است ولی کفاره ندارد.

۴. پوشیدن لباس دوخته (مخصوص مردان)

مسئله ۲۱۶: پوشیدن لباس دوخته نظیر پیراهن و شلوار و مانند این‌ها و همچنین پوشیدن چیزهایی که شبیه به دوخته است، نظیر ژاکت و کلاه و نظائر آن برای مرد محرم، حرام است.

مسئله ۲۱۷: در لباس دوخته تفاوتی بین لباس کوچک و بزرگ و لباس زیر و لباس رو نیست و پوشیدن آنچه که مصداق لباس دارد و دوخته باشد، حرام است.

مسئله ۲۱۸: به دوش گرفتن پتوهای دوخته شده یا به روانداختن روانداز یا لحاف دوخته شده، برای محرم اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۹: پوشیدن چیزهایی که به آن‌ها لباس نمی‌گویند نظیر کمر بند، فتق بند، همیان، کوله بار، ساعت و مانند این‌ها برای محرم مانعی ندارد، هر چند دوخته باشد.

مسئله ۲۲۰: کسانی که در اثر بیماری قادر به نگهداری از بول خود نیستند، می‌توانند لباس کوچکی که برای نگهداری ادرار استفاده می‌شود بپوشند، هر چند آن لباس دوخته باشد.

مسئله ۲۲۱: پوشیدن لباس دوخته برای مردها در حال اضطرار و برای زن‌ها چه در حال اختیار و چه در حال اضطرار مانعی ندارد.

مسئله ۲۲۲: اگر مرد محرم همزمان چند لباس دوخته بپوشد، یک مرتبه پرداخت کفاره برای او کفایت می‌کند ولی اگر چند بار لباس دوخته بپوشد یا یک لباس دوخته را چندبار از تن درآورد و دوباره بپوشد، باید به تعداد دفعاتی که لباس دوخته پوشیده است، کفاره پردازد.

مسئله ۲۲۳: اگر مردی سهواً یا جهلاً در حال احرام لباس دوخته بپوشد و وقتی علم به حرمت آن پیدا کرد، فوراً آن را از تن در آورد، لازم نیست کفاره پردازد.

مسئله ۲۲۴: کفاره پوشیدن لباس دوخته برای مرد محرم، در صورتی که با علم و عمد و اختیار و بدون عذر باشد، قربانی نمودن یک گوسفند است.

۵. پوشاندن سر (مخصوص مردان)

مسئله ۲۲۵: پوشاندن تمام یا قسمتی از سر برای مردها در حال احرام، حرام است.

مسئله ۲۲۶: پوشاندن سر را با دست، یا گذاشتن سر روی بالش و مانند این‌ها مانعی ندارد.

مسئله ۲۲۷: اگر مرد محرم سهواً یا عمداً لباس احرام خود را از سر درآورد، مشروط بر آنکه آن لباس را بر روی سر خود نگه ندارد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۲۸: مرد محرم می‌تواند سر خود را با حوله و دستمال و مانند این‌ها خشک کند، ولی نباید آن حوله و دستمال را به طوری که سر را بپوشاند، روی سر خود نگه دارد.

مسئله ۲۲۹: اگر به هنگام خواب، پتو یا روانداز محرم روی سر او کشیده شود، اشکال ندارد.

مسئله ۲۳۰: استفاده از کلاه گیس و موی مصنوعی برای مرد محرم حرام است. ولی اگر آن کلاه گیس و موی مصنوعی را قبلاً به

طور معمول روی سر خود می گذاشته است، لازم نیست برای احرام بردارد.

مسئله ۲۳۱: گذاردن بار روی سر یا فرو بردن سر در آب یا زیر دوش رفتن برای محرم مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۲: پوشاندن سر برای مردان در حال احرام، گرچه حرام است ولی کفاره ندارد. هرچند بهتر است برای این کار یک گوسفند قربانی شود.

۶. پوشاندن روی پا (مخصوص مردان)

مسئله ۲۳۳: پوشاندن تمام روی پا برای مردها در حال احرام، حرام است.

مسئله ۲۳۴: پوشیدن دمپایی و کفش روباز برای محرم، مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۵: اگر پای مرد محرم هنگام خواب توسط پتو و روانداز و امثال آن پوشانده شود و یا لنگ احرام او در بعضی مواقع خود به خود روی پای آن‌ها را بپوشاند، مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۶: پوشاندن روی پا برای مرد محرم گرچه حرام است ولی کفاره ندارد. هرچند بهتر است برای آن یک گوسفند قربانی شود.

۷. سایه قراردادن (مخصوص مردان)

مسئله ۲۳۷: چنانچه سفر مرد محرم در روز باشد، جایز نیست زیر سایه برود یا سایبانی سیار مانند سقف اتومبیل و چتر و نظائر آن داشته باشد، خواه سواره باشد یا پیاده. ولی سایه قرار دادن برای زن‌ها و بچه‌های محرم - دختر و پسر - در هر زمانی اشکال ندارد.

مسئله ۲۳۸: حرمت سایه قراردادن مربوط به سفر محرم است و چنانچه در محلی یا شهری منزل کند، می‌تواند زیر سقف برود. بنابراین محرم می‌تواند به محض ورود به شهر جدید مکه، به وسیله اتومبیل مسقف حرکت کند یا در هر نقطه از مکه زیر سقف برود.

مسئله ۲۳۹: اگر کسی در مسجد تنعیم محرم شود، می‌تواند هنگام بازگشت در اتومبیل سقف دار بنشیند، هرچند روز باشد.

مسئله ۲۴۰: اگر محرم در شب؛ یعنی از غروب آفتاب تا طلوع آفتاب که در راه است و مثلاً از مدینه به مکه می‌آید، در اتومبیل سقف دار بنشیند، مانعی ندارد.

مسئله ۲۴۱: اگر اتومبیل بدون سقف در روز از داخل تونل‌ها و زیر پل‌ها عبور کند یا برای بنزین زدن زیر سقف برود یا محرم برای استراحت و توقف بین راهی به مساجد یا مکان‌های مسقف بین راه داخل شود، مانعی ندارد.

مسئله ۲۴۲: حرکت محرم در کنار دیوار یا کنار اتومبیل و نظائر آن اشکال ندارد، هرچند این حرکت در روز باشد و سایه آن اشیاء روی سر یا بدن محرم بیافتد.

مسئله ۲۴۳: کفاره زیر سایه رفتن برای مرد محرم؛ در صورتی که با علم و عمد و از روی اختیار باشد و در هنگام سفر و در روز به زیر سایه برود؛ قربانی کردن یک گوسفند است.

۸. پوشاندن صورت (مخصوص زنان)

مسئله ۲۴۴: پوشاندن تمام یا قسمتی از صورت در حال احرام برای زنان حرام است و فرقی نمی‌کند که این پوشاندن با چادر و مقنعه باشد یا نقاب یا پوشیه یا بادبزن و مانند این‌ها.

مسئله ۲۴۵: رو گرفتن زن محرم از نامحرم، در نماز و غیر آن مانعی ندارد، ولی بهتر است برای رو گرفتن، چادر را از صورت خود دور نگه دارد که به صورت نجسید.

مسئله ۲۴۶: گذاشتن صورت روی بالش یا دست‌ها روی صورت یا خشکانیدن صورت توسط حوله و دستمال برای محرم مانعی ندارد. همچنین اگر به هنگام خواب، پتو یا روانداز از روی صورت او کشیده شود یا هنگام تعویض لباس، لحظه‌ای روی صورت او پوشیده شود، اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۷: پوشاندن صورت برای زنان، گرچه حرام است، ولی کفاره ندارد. هر چند بهتر است برای آن یک گوسفند قربانی شود.

۹. استعمال عطریات

مسئله ۲۴۸: بوییدن و خوردن عطریات نظیر گل و زعفران و ادکلن و مانند این‌ها برای محرم، حرام است.

مسئله ۲۴۹: خوردن چیزهایی که بوی خوش دارد، نظیر سیب، نعناع، دارچین و مانند این‌ها اشکالی ندارد، گرچه اجتناب از خوردن آن‌ها خوب است.

مسئله ۲۵۰: استفاده از صابون و شامپو و خمیر دندان معطر، برای محرم اشکال ندارد، اگر چه اجتناب از آن‌ها بهتر است.

مسئله ۲۵۱: خرید و فروش عطریات اگر بوی آن‌ها استشمام نشود، اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۲: گرفتن بینی از بوی بد در حال احرام حرام است، ولی گذشتن از آن با سرعت مانعی ندارد و باعث وجوب پرداخت کفاره هم نمی‌شود.

مسئله ۲۵۳: اگر کسی در حال احرام، با علم و عمد و اختیار و بدون عذر عطریات را استعمال کرد، کفاره آن قربانی نمودن یک گوسفند است.

۱۰. زینت کردن و استفاده از زیورآلات

مسئله ۲۵۴: زینت کردن نظیر استعمال لوازم آرایشی و مالیدن سرمه و کرم و مانند این‌ها و همچنین استفاده از زیورآلات نظیر گردن‌بند و گوشواره و انگشتر و عینک زینتی و مانند این‌ها، در حال احرام حرام است.

مسئله ۲۵۵: اگر محرم قبل از احرام زینت کرده باشد و قصد او زینت احرام بوده باشد، واجب است برای احرام آن را پاک کند. ولی اگر استعمال آن‌ها برای زینت نباشد، نظیر سرمه کشیدن برای دید چشم و کرم مالیدن برای رفع خشکی دست، مانعی ندارد.

مسئله ۲۵۶: عینک زدن برای دیدن و انگشتر به دست کردن برای استحباب یا شمردن اشواط طواف و همچنین استفاده زنان از زیورآلاتی که قبل از احرام به طور معمول استفاده می‌کرده‌اند، مشروط بر اینکه آن زیورآلات را مردان نینند، مانعی ندارد.

مسئله ۲۵۷: محرم نباید به قصد زینت موهای خود را رنگ کند یا دست و پا و صورت و موی خود را حنا ببندد، ولی اگر رنگ و حنا را قبل از احرام و بدون قصد زینت احرام، استفاده کرده باشد، لازم نیست برای احرام آن را پاک کند.

مسئله ۲۵۸: زینت کردن و استفاده از زیورآلات در حال احرام، گرچه حرام است ولی کفاره ندارد.

۱۱. نگاه کردن در آئینه

مسئله ۲۵۹: نگاه کردن در آئینه برای محرم حرام است.

مسئله ۲۶۰: نگاه کردن به اجسام صیقلی که در آن عکس پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسئله ۲۶۱: نگاه کردن در آئینه در حال اضطرار نظیر نگاه کردن راننده در آئینه ماشین، مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۲: عکسبرداری و فیلمبرداری و نگاه در دوربین توسط محرم مانعی ندارد ولی زنان باید توجه داشته باشند که دوربین روی صورت آن‌ها قرار نگیرد.

مسئله ۲۶۳: نگاه کردن در آئینه گرچه برای محرم حرام است، کفاره ندارد. ولی مستحب است محرم بعد از نگاه کردن در آئینه لبیک بگوید.

۱۲. بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۲۶۴: بیرون آوردن خون از بدن محرم - توسط خودش یا با اجازه خودش و توسط دیگری - برای او حرام است، گرچه به واسطه خارش بدن یا مسواک زدن یا حجامت یا تزریق و امثال آن باشد.

مسئله ۲۶۵: اگر خون دادن محرم، برای نجات جان کسی لازم باشد و یا درمان و سلامتی محرم متوقف بر خون دادن او یا حجامت

- یا رنگ زدن او یا تزریق همراه با خونریزی و امثال آن باشد، انجام همه امور فوق‌الذکر در حد ضرورت برای محرم، اشکال ندارد.
- مسئله ۲۶۶: اگر هنگام تقصیر سر مرد محرم خون بیاید، اشکال ندارد.
- مسئله ۲۶۷: محرم می‌تواند از بدن دیگری خون بیرون آورد، هرچند آن دیگری نیز محرم باشد.
- مسئله ۲۶۸: بیرون آوردن خون از بدن گرچه برای محرم حرام است ولی کفاره ندارد.
۱۳. کندن یا کشیدن دندان
- مسئله ۲۶۹: کشیدن یا کندن دندان محرم - توسط خودش یا با اجازه خودش و توسط دیگری - برای او حرام است. گرچه در اثر کندن دندان، خون هم نیاید.
- مسئله ۲۷۰: محرم می‌تواند دندان دیگری را، خواه آن دیگری محرم باشد یا نباشد، بکشد. حتی اگر در اثر کشیدن دندان، خون بیرون بیاید.
- مسئله ۲۷۱: اگر دندان محرم شدیداً درد بگیرد و باعث آزار او شود، می‌تواند آن دندان را توسط پزشک یا شخص دیگری بکشد.
- مسئله ۲۷۲: کشیدن دندان گرچه برای محرم حرام است ولی کفاره ندارد.
۱۴. ناخن گرفتن
- مسئله ۲۷۳: ناخن گرفتن از انگشتان دست یا پای محرم - توسط خودش یا با اجازه خودش و توسط دیگری - برای او حرام است. گرچه یک ناخن یا بعضی از یک ناخن باشد.
- مسئله ۲۷۴: گرفتن یا چیدن ناخن در صورت ضرورت مانعی ندارد. مثل اینکه قسمتی از ناخن شکسته باشد و قسمت باقیمانده، مضر باشد یا موجب آزار محرم شود.
- مسئله ۲۷۵: ناخن گرفتن محرم برای دیگری اشکال ندارد، کفاره هم ندارد، هرچند آن دیگری نیز محرم باشد. بنابراین محرم می‌تواند قبل از تقصیر خود، ناخن محرم دیگری را به قصد تقصیر بچیند، و تقصیر او هم صحیح است.
- مسئله ۲۷۶: کفاره گرفتن هر ناخن، برای محرم اگر از روی علم و عمد و اختیار و بدون عذر باشد، معادل ۷۵۰ گرم گندم است، ولی اگر تمام ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است و اگر دست‌ها را در یک مجلس و پاها را در مجلس دیگری بگیرد، کفاره آن دو گوسفند است.
۱۵. ازاله موی سر و صورت و بدن محرم
- مسئله ۲۷۷: جدا کردن و ازاله موی سر و صورت و بدن محرم - توسط خودش یا با اجازه خودش و توسط دیگری - برای او حرام است، حتی اگر یک مو باشد.
- مسئله ۲۷۸: اگر به واسطه دست کشیدن به سر و صورت یا بدن یا هنگام وضو و غسل - واجب و مستحب - موهایی ریخته شود مانعی ندارد.
- مسئله ۲۷۹: جدا کردن مو از دیگری توسط محرم اشکال ندارد، کفاره هم ندارد، هرچند آن دیگری نیز محرم باشد. بنابراین محرم می‌تواند قبل از تقصیر خود، برای محرم دیگری تقصیر کند، و تقصیر او هم صحیح است.
- مسئله ۲۸۰: کفاره تراشیدن سر یا ماشین کردن آن در حال احرام و همچنین کفاره ازاله موی زیر هر دو بغل، اگر از روی علم و عمد و اختیار و بدون عذر باشد، ذبح یک گوسفند است.
۱۶. فسوق
- مسئله ۲۸۱: فسوق عبارت است از دروغ، دشنام و فخرفروشی و با اینکه در هر حالی حرام است، در حالت احرام، حرمت آن شدیدتر می‌شود.

مسئله ۲۸۲: به غیر از دروغ و دشنام و تفاخر، هر سخن یا کردار زشت و ناروایی نظیر غیبت و سرزنش و امثال آن نیز در حال احرام، حرام می‌باشد.

مسئله ۲۸۳: دستوردادن محرم به دیگران اشکال ندارد، ولی اگر این دستوردادن همراه با فخرفروشی یا سرزنش باشد، حرام است.

مسئله ۲۸۴: کفّاره فسوق، استغفار از گناهی است که محرم انجام داده است.

۱۷. جدال

مسئله ۲۸۵: مرء و جدال، لجاجت و مشاجره در گفتگو، برای غلبه بر دیگری یا اظهار فضل، گرچه در هر حالی حرام است، ولی برای محرم حرمت آن شدت می‌یابد.

مسئله ۲۸۶: قسم خوردن در مجادله، مخصوصاً قسم خوردن به نام خداوند متعال به هر لفظ و زبانی که باشد، حرام است.

مسئله ۲۸۷: قسم خوردن بدون مجادله مثل قسم‌هایی که بر حسب عادت بر زبان بعضی از افراد جاری می‌شود، حرام نیست. گرچه پرهیز از آن، چه در حالت احرام و چه در غیر حالت احرام بهتر است.

مسئله ۲۸۸: اگر جدال با قسم به یکی از اسماء الهی همراه باشد، کفّاره دارد و کفّاره آن قربانی نمودن یک گوسفند است. به صورتی که اگر محرم در جدال راستگو باشد، کفّاره در مرتبه سوم قسم یاد کردن واجب می‌شود و چنانچه محرم در جدال دروغگو باشد، در مرتبه اول قسم خوردن کفّاره بر او واجب می‌شود.

مسئله ۲۸۹: اگر جدال - با قسم یا بدون قسم - برای اثبات حقی یا ابطال باطلی باشد، علاوه بر آنکه حرام نیست، کفّاره هم ندارد.

۱۸. کشتن و انداختن جانوران بدن

مسئله ۲۹۰: اگر جانوری نظیر شپش و کک و کنه، در بدن یا لباس محرم ساکن باشد و ضرر یا آزاری برای او نداشته باشد، کشتن یا انداختن آن جانور حرام است.

مسئله ۲۹۱: کشتن یا انداختن جانوری نظیر مورچه و مگس و زنبور و پشه، که جای آن در بدن یا لباس محرم نباشد، مانعی ندارد.

مسئله ۲۹۲: کفّاره کشتن یا انداختن جانور ساکن در بدن یا لباس محرم، اگر از روی علم و عمد و اختیار و بدون عذر باشد، صدقه دادن یک مشت طعام است.

۱۹. شکار حیوان وحشی

مسئله ۲۹۳: شکار حیوان وحشی نظیر پلنگ و آهو و کبک و ملخ و مانند این‌ها و کمک کردن به صیّاد و نگاهداری حیوان شکار شده، برای محرم حرام است.

مسئله ۲۹۴: اگر محرمی حیوان وحشی و حلال گوشت را شکار یا ذبح کرد، خوردن گوشت و اجزاء آن بر او و هر محرم دیگری حرام است، ولی غیر محرم می‌تواند از آن بخورد.

مسئله ۲۹۵: شکار حیوان دریایی و خوردن آن و ذبح و خوردن حیوانات اهلی نظیر مرغ و گوسفند و مانند این‌ها برای محرم و غیر محرم مانعی ندارد.

مسئله ۲۹۶: اگر کسی از آزار حیوانی نظیر شیر و گرگ بترسد، کشتن آن مانعی ندارد.

مسئله ۲۹۷: کفّاره کشتن حیوانات وحشی مختلف است که چون امروزه محلّ حاجت نیست، از ذکر آن خودداری می‌شود.

۲۰. کندن درخت و گیاه حرم [۶]

مسئله ۲۹۸: کندن یا سوزاندن درخت و گیاهی که در حرم روییده شده، برای محرم و غیر محرم حرام است. و برای محرم گناهِش بیشتر می‌باشد.

مسئله ۲۹۹: اگر گیاهی در اثر راه رفتن عادی یا توسط اتومبیل در حال حرکت قطع شود، اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۰: قطع گیاهان و درخت‌هایی که در منزل یا باغ‌هاست، نظیر گل‌ها و درخت‌های میوه‌دار مانعی ندارد.

مسئله ۳۰۱: کفاره کندن درخت در محدوده حرم، قیمت آن است که باید به فقیر داده شود. ولی کندن گیاهان کفاره ندارد.

جدول خلاصه محرمات احرام و کفارات

گرچه کفاره هریک از محرمات احرام در جای خود به تفصیل بیان شد، ولی برای سهولت یادگیری مکلفین، خلاصه محرمات و کفارات احرام، در جدول ذیل ذکر گردیده است.

البته به جهت رعایت اختصار، جزئیات احکام کفارات در این جدول بیان نشده است؛ بنابراین مطالعه شرح تفصیلی کفاراتی که در مسائل محرمات احرام آمده است، ضروری است.

پی‌نوشت‌ها:

[۱]. محاذات به مکان‌هایی گفته می‌شود که روبروی یکی از مواقیت باشد.

[۲]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۷

[۳]. همان

[۴]. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۸

[۵]. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۹۱

[۶]. حدّ حرم بنا بر آنچه نقل شده، از طرف شمال مکه، «مسجد تنعیم» با فاصله حدوداً شش کیلومتر تا مسجدالحرام، و از طرف جنوب محلی به نام «اضائه لبن» با فاصله حدوداً دوازده کیلومتر تا مسجدالحرام، و از جانب شرق «جعرانه» با فاصله تقریباً سی کیلومتر، و از سمت غرب «حدیبیه» با فاصله حدوداً چهل و هشت کیلومتر می‌باشد.

دوم: طواف

اشاره

مسئله ۳۰۲: کسی که به قصد انجام عمره محرم شده است، باید پس از ورود به مسجدالحرام، هفت دور به گرد خانه کعبه بگردد. به این عمل «طواف» و به هر دور آن یک «شوط» گفته می‌شود.

مسئله ۳۰۳: طواف به هر شکلی باشد اشکال ندارد؛ مثلاً طواف کننده می‌تواند پیاده طواف نماید یا بر صندلی چرخدار یا طبق یا دوش کسی بنشیند، چنانچه می‌تواند آهسته یا تند برود، یا حتی بدود. ولی بهتر است پیاده و با وقار و طمأنینه حرکت نماید. ترک طواف

مسئله ۳۰۴: اگر کسی عمداً طواف را ترک کند و پس از احرام، سعی صفا و مروه و تقصیر نماید، عمره او باطل است.

زمان طواف

مسئله ۳۰۵: از زمانی که محرم وارد مسجدالحرام می‌شود، می‌تواند طواف نماید. ولی لازم نیست به محض ورود به خانه خدا طواف را شروع کند، بلکه می‌تواند قبل از طواف واجب، طواف مستحبی یا اعمال دیگری به جا آورد.

مسئله ۳۰۶: تأخیر در انجام طواف تا وقتی که محرم در مکه حضور دارد و وقت کافی برای انجام سایر اعمال عمره تمتع و حج تمتع دارد، جایز است. ولی بسیار به جاست که همه اعمال عمره در اولین فرصت ممکن انجام شود.

مکان طواف

مسئله ۳۰۷: طواف باید در مسجدالحرام انجام شود و همه جای مسجد مطاف است. بنابراین طواف در مکان‌های دورتر مسجد و در طبقات بالا هم صحیح است. گرچه بهترین مکان برای طواف، بین خانه کعبه و مقام ابراهیم (سلام الله علیه) می‌باشد. نیابت در طواف

مسئله ۳۰۸: طواف کننده باید به هر شکل ممکن خودش طواف را انجام دهد و جواز نائب گرفتن در طواف مربوط به موارد خاصی است که به هیچ وجه امکان طواف کردن نباشد. [۱]

مسئله ۳۰۹: اگر کسی به واسطه عذری نظیر مرض یا فلج و مانند این‌ها، خودش نتواند طواف کند، اگر ممکن است باید او را به دوش بگیرند یا با صندلی و تخت روان و نظایر آن، او را طواف دهند و اگر ممکن نیست باید نایب بگیرد.

واجبات طواف

۱. نیت

مسئله ۳۱۰: چون طواف خانه خدا یکی از عبادات است، باید با نیت خالص و برای خداوند متعال به جا آورده شود. بنابراین اگر کسی در طواف ریا کند، علاوه بر اینکه طواف او باطل است، مرتکب گناه بزرگی هم شده است.

مسئله ۳۱۱: منظور از خلوص نیت در طواف و سایر اعمال عبادی این است که انسان در آن عمل انگیزه الهی داشته باشد و دیگری را در این انگیزه شریک قرار ندهد. و برای صحت آن عمل فرقی نمی‌کند که برای تقرب به درگاه الهی انجام شود یا برای رضا و خشنودی خداوند یا برای اطاعت امر او یا برای رفتن به بهشت یا برای سعادت دنیای خود و وابستگان و یا حتی برای ترس از کیفر و عقاب خداوند، و در همه موارد چون آن عبادت برای خداوند تبارک و تعالی انجام می‌شود، کافی و صحیح است.

مسئله ۳۱۲: لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا از قلب بگذرانند بلکه همین قدر که بنا دارد آن عمل را به جا آورد کفایت می‌کند. ولی از اول باید قصد انجام طواف معینی را داشته باشد.

مسئله ۳۱۳: لازم نیست در ابتدای هر شوط نیت تکرار شود، بلکه همین مقدار که از اول تا آخر توجه به عملی که انجام می‌شود داشته باشد، کفایت می‌کند.

مسئله ۳۱۴: اگر بعد از طواف یا دیگر اعمال عمره، ریا و تظاهر باشد، گرچه گناه است و به حقیقت طواف یا آن عمل ضرر می‌زند، ولی باعث بطلان نیست.

۲. طهارت از حدث

مسئله ۳۱۵: رعایت طهارت شرط صحت طواف است و طواف کننده باید با وضو یا غسل باشد.

مسئله ۳۱۶: در بین اعمال عمره تمتع فقط طواف عمره، طواف نساء و نمازهای این دو طواف نیاز به وضو یا غسل دارند و رعایت طهارت در سایر اعمال عمره تمتع لازم نیست.

مسئله ۳۱۷: هر غسلی - واجب و مستحب - کفایت از وضو می‌کند و می‌شود با آن طواف کرد، مگر غسل استحاضه. بنابراین اگر کسی با غسل احرام یا غسل زیارت یا غسل طهارت و نظائر آن طواف کند، طواف او صحیح است، گرچه بهتر است وضو هم بگیرد.

مسئله ۳۱۸: اگر کسی عمداً یا سهواً یا از روی جهل به مسئله بدون طهارت طواف کند، طواف او باطل است.

مسئله ۳۱۹: اگر در اثنای طواف، طهارت کسی باطل شد، باید طواف را رها کند و وضو یا غسل خود را اعاده نماید.

مسئله ۳۲۰: اگر طهارت کسی بعد از اتمام شوط چهارم باطل شود، پس از تحصیل طهارت و بازگشت به مطاف می‌تواند طواف را از همان جا که قطع کرده است ادامه دهد و تمام نماید. ولی طواف کسی که قبل از اتمام شوط چهارم محدث شده، باطل است و

پس از تجدید طهارت باید طواف را از سر گیرد.

مسئله ۳۲۱: کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، اگر وقت طواف تنگ باشد، باید طواف را خودش با تیمم انجام دهد و گرفتن نایب برای او کافی نیست. ولی اگر بداند عذرش برطرف می‌شود باید صبر کند.

مسئله ۳۲۲: اگر زن در بین طواف حائض شود، باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود و پس از پاک شدن و به جا آوردن غسل حیض برگردد و اعمال را ادامه دهد.

مسئله ۳۲۳: زن حائض یا نفساء که وقت ندارد در مکه بماند تا پاک شود و معطل ماندن او خوف نرسیدن به وقوف عرفات را به همراه دارد، حج او مبدل به حج افراد می‌شود. و در صورتی که بخواهد بر حج تمتع باقی بماند، باید برای انجام طواف واجب و نماز آن، نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش انجام دهد. و در هر دو صورت، حج وی صحیح است.

مسئله ۳۲۴: زن مستحاضه برای انجام طواف و نماز آن، می‌تواند به دستور استحاضه عمل نماید و خودش طواف را به جا آورد.

مسئله ۳۲۵: کسی که جنب است یا غسل مس میت بر عهده اوست، اگر امکان غسل کردن او نباشد و وقت کافی هم برای صبر کردن و بر طرف کردن عذر خود نداشته باشد، باید تیمم کند و طواف واجب و نماز طواف و سایر اعمال عمره را خودش به جا بیاورد.

مسئله ۳۲۶: زن حائض یا نفساء که پاک شده است، اگر امکان غسل کردن او نباشد و وقت کافی هم برای صبر کردن تا بر طرف شدن عذر خود نداشته باشد، باید تیمم کند و طواف و نماز طواف و سایر اعمال عمره را خودش به جا بیاورد.

مسئله ۳۲۷: بانوان می‌توانند با خوردن قرص، عادت ماهیانه خود را عقب بیندازند و طواف و نماز طواف و سایر اعمال عمره را تا آخر به جا آورند و عمره آنها صحیح است.

مسئله ۳۲۸: اگر کسی معذور از غسل باشد و برای طواف، تیمم بدل از غسل کند، ولی قبل از طواف و یا در بین طواف، تیمم او باطل شود و عذر او همچنان باقی باشد، باید برای طواف و نماز آن وضو بگیرد.

مسئله ۳۲۹: کسی که به قصد غسل واجب یا مستحب، به حمام رفته ولی بعد از بیرون آمدن از حمام شک می‌کند که غسل انجام داده است یا خیر، لازم نیست به شک خود اعتنا کند و می‌تواند بنا را بر این بگذارد که غسل کرده است و طواف و نماز آن با همان غسل صحیح است. گرچه بهتر است وضو هم بگیرد.

مسئله ۳۳۰: کسی که می‌داند قبلاً طهارت داشته ولی شک دارد که وضو یا غسل او باطل شده است، می‌تواند به شک خود اعتنا نکند و طواف او صحیح است. هر چند در ابتدای طواف یا قبل از شروع شدن طواف شک کند.

مسئله ۳۱۳: کسی که قبل از شروع شدن طواف شک می‌کند قبلاً طهارت داشته است یا خیر، باید برای طواف وضو بگیرد یا غسل کند.

مسئله ۳۳۲: اگر کسی در بین طواف یا بعد از طواف شک کند که طهارت داشته است یا نه، می‌تواند به شک خود اعتنا نکند و طواف او صحیح است. گرچه شک او قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، ولی اگر نماز طواف را به جا نیاورده باشد باید برای نماز، طهارت تحصیل کند.

مسئله ۳۳۳: اگر کسی در بین طواف شک کند غسل جنابت یا حیض یا نفاس انجام داده یا نه، باید طواف را رها کند و غسل نماید. پس اگر بعد از شوط چهارم طواف را رها کرده باشد، می‌تواند پس از غسل، از همان جا که رها کرده ادامه دهد و تمام نماید، و اگر قبل از شوط چهارم باشد، باید پس از غسل از اول شروع کند.

مسئله ۳۳۴: اگر کسی بعد از اتمام طواف شک کند غسل جنابت یا حیض یا نفاس انجام داده یا نه، لازم نیست طواف را اعاده نماید. ولی برای خواندن نماز طواف، باید غسل کند.

مسئله ۳۳۵: کسی که در اثر بیماری قادر به نگهداری بول یا باد معده خود نیست، یک وضو یا غسل برای انجام طواف و نماز طواف او کفایت می‌کند. هر چند طواف واجب باشد.

۳. پاک بودن بدن و لباس

مسئله ۳۳۶: بدن و لباس کسی که طواف انجام می‌دهد، باید پاک باشد و طواف با بدن یا لباس نجس، باطل است.

مسئله ۳۳۷: اگر در بدن یا لباس طواف کننده نجاستی باشد که در نماز عفو شده است، طواف او صحیح است.

مسئله ۳۳۸: اگر چیز نجسی که جزو لباس طواف کننده نیست همراه او باشد، طوافش صحیح است. مثل در بغل گرفتن بچه با بدن و لباس نجس یا همراه داشتن انگشتر و عینک و دستمال نجس و نظائر آن.

مسئله ۳۳۹: اگر کسی بعد از طواف بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، طوافش صحیح است.

مسئله ۳۴۰: اگر کسی فراموش کرد که بدن یا لباسش نجس است و با بدن یا لباس نجس طواف کرد، طواف او اشکال ندارد، گرچه اعاده آن بهتر است.

مسئله ۳۴۱: اگر کسی در اثنای طواف متوجه شد که بدن یا لباسش نجس است، اگر می‌تواند باید تطهیر یا تعویض نماید، یا بدون آن طواف کند. و اگر هیچکدام ممکن نیست، باید از مطاف بیرون رود و پس از ازاله نجاست برگردد، پس اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده می‌تواند از همان جایی که قطع کرده ادامه دهد، و اگر پیش از اتمام شوط چهارم بوده، باید طواف را از اول شروع کند.

مسئله ۳۴۲: اگر کسی در بین طواف متوجه شد بدن یا لباس دیگری نجس است، لازم نیست به او اطلاع دهد.

مسئله ۳۴۳: اگر کسی در اثر بیماری قادر به نگهداری بول خود نیست و پس از شروع طواف، بدن و لباس او مرتباً نجس می‌شود، می‌تواند با همان لباس طواف خود را ادامه دهد. گرچه بهتر است برای جلوگیری از نجاست بدن و لباس از لباس‌های کوچکی که برای نگهداری ادرار دوخته شده است، استفاده نماید.

۴. ختنه

مسئله ۳۴۴: مرد طواف کننده باید ختنه شده باشد و گرنه طواف او باطل است.

مسئله ۳۴۵: اگر پسر نابالغ که ختنه نشده است محرم شد یا او را محرم کردند، طوافش باطل است.

۵. ستر عورت و رعایت پوشش

مسئله ۳۴۶: پوشاندن عورت برای طواف کننده واجب است.

مسئله ۳۴۷: زن باید در حال طواف تمام بدن خود را بپوشاند، ولی پوشاندن قرص صورت و دست‌ها از سر انگشتان تا مچ لازم نیست.

مسئله ۳۴۸: اگر در بین طواف عورت مرد یا مقداری از موهای زن یا جایی از بدن او که باید در حال طواف پوشیده باشد ظاهر شود، در صورتی که عمداً و با علم به مسئله باشد، طواف او باطل است و اگر از روی سهو یا جهل به مسئله باشد، اشکال ندارد.

۶. شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

مسئله ۳۴۹: طواف کننده باید در هر شوط، طواف را از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حجرالاسود در آن قرار دارد، شروع و به آن ختم کند. و لازم نیست دقت عقلی شود، بلکه همین مقدار که عرفاً گفته شود از حجرالاسود شروع یا به آن ختم شد، کفایت می‌کند.

مسئله ۳۵۰: طواف کننده باید همان طور که مردم طواف می‌کنند، طواف را از مقابل حجرالاسود شروع کند و دور بزند و هنگام رسیدن مجدداً به حجرالاسود بدون توقف به حرکت خود ادامه دهد تا هفت شوط تمام شود.

مسئله ۳۵۱: شروع طواف از چند قدم مانده به خط مقابل حجرالاسود اشکال ندارد، ولی کارهایی که اهل وسوسه برای به دست

آوردن محاذات حجرالاسود انجام می‌دهند، مثل اینکه توقّف می‌کنند یا عقب و جلو می‌روند، چه قبل از شروع طواف باشد و چه در بین طواف، حرام است.

۷. بودن کعبه معظمه در سمت چپ

مسئله ۳۵۲: طواف کننده باید طوری طواف کند که کعبه معظمه در طرف چپ او باشد.

مسئله ۳۵۳: در حال طواف لازم نیست در همه حالات شانه چپ طواف کننده به طرف کعبه معظمه باشد و اگر در موقع دور زدن به واسطه رسیدن به حجر اسماعیل یا رسیدن به گوشه‌های خانه کعبه و نظایر آن، شانه چپ طواف کننده قدری از سمت کعبه خارج و یا متمایل به پشت شود، اشکال ندارد. و به طور کلی طواف کننده باید به طور متعارف و همانطور که همه مسلمین طواف می‌کنند، دور بزند و از کارهایی که اهل و سوسه می‌کنند، پرهیز نماید.

مسئله ۳۵۴: اگر طواف کننده مقداری از طواف را خلاف متعارف انجام دهد، مثل آنکه رو به کعبه معظمه یا پشت به آن طواف نماید، باید آن مقدار را جبران کند. پس اگر می‌تواند باید برگردد و آن مقدار را جبران کند و اگر نمی‌تواند، باید بدون قصد طواف دور بزند تا به آنجا برسد و بقیه طواف را به جا آورد.

مسئله ۳۵۵: برگرداندن سر به راست یا چپ یا عقب در حال طواف اشکال ندارد، به شرط آنکه کعبه معظمه از سمت چپ بدن خارج نشود.

مسئله ۳۵۶: اگر کودک محرم برای طواف در بغل دیگری باشد، لازم نیست شانه چپ او به سمت کعبه باشد، هرچند رعایت آن بهتر است.

مسئله ۳۵۷: اگر طواف کننده به واسطه کثرت جمعیت، بی‌اختیار به این طرف و آن طرف کشیده شود، طواف او صحیح است.

۸. انجام طواف بیرون از حجر اسماعیل

مسئله ۳۵۸: در کنار خانه کعبه و متصل به آن، مکانی است به نام حجر اسماعیل «سلام‌الله‌علیه» و طواف کننده باید هنگام طواف دور حجر بگردد و داخل آن نشود.

مسئله ۳۵۹: اگر طواف کننده از داخل حجر اسماعیل طواف کند، آن شوط از طواف او باطل است و اعاده آن از جایی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن شوط را دو مرتبه به جا آورد و بهتر آن است که طواف را تمام نموده و سپس اعاده نماید.

مسئله ۳۶۰: اگر کسی در اثنای طواف، از روی دیوار حجر اسماعیل «سلام‌الله‌علیه» طواف کند، باید آن مقدار از طواف را اعاده نماید.

مسئله ۳۶۱: دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل «سلام‌الله‌علیه» یا بوسیدن آن اشکال ندارد.

۹. بیرون بودن از کعبه معظمه

مسئله ۳۶۲: طواف باید بیرون خانه کعبه انجام شود و ورود به خانه کعبه همه طواف را باطل می‌کند.

مسئله ۳۶۳: در پایین دیوار اطراف کعبه یک پیش آمدگی وجود دارد که به آن «شاذروان» می‌گویند و طواف از روی آن نیز صحیح نیست.

مسئله ۳۶۴: اگر طواف کننده مقداری از طواف را روی شاذروان انجام داد، باید آن مقدار را اعاده نماید.

مسئله ۳۶۵: دست گذاشتن به دیوار کعبه یا بوسیدن آن در حال طواف واجب یا مستحب، اشکال ندارد.

۱۰. انجام هفت شوط کامل و پی در پی

مسئله ۳۶۶: طواف باید هفت شوط کامل و پی در پی باشد و کمتر یا بیشتر شدن تعداد اشواط طواف، صحیح نیست.

مسئله ۳۶۷: رعایت موالات عرفی در بین اشواط طواف واجب است. یعنی بین اشواط طواف نباید اینقدر فاصله بیفتد که از صورت

طواف خارج شود. ولی قدری نشستن و استراحت کردن در بین اشواط طواف اشکال ندارد.

مسئله ۳۶۸: اگر به جهت قطع طواف، بین چهار شوط اول و سه شوط آخر طواف فاصله بیفتد، اشکال ندارد و موالات عرفی به هم نمی‌خورد.

مسئله ۳۶۹: اگر کسی عمداً طواف را ترک کند یا عمداً کمتر یا بیشتر انجام دهد و پس از آن سعی صفا و مروه و تقصیر نماید، عمره او باطل است.

مسئله ۳۷۰: اگر کسی که طواف را ترک کرده است، قبل از تقصیر بخواهد آن را به جا آورد، باید به مطاف برگردد و پس از انجام طواف و نماز آن، سعی را اعاده نموده و تقصیر نماید و در این صورت عمره او باطل نیست.

مسئله ۳۷۱: «قران بین طوافین» جایز نیست، یعنی طواف را - چه واجب و چه مستحب - نباید با طواف دیگر دنبال هم آورد، بلکه باید بعد از هر طواف نماز آن خوانده شود.

مسئله ۳۷۲: اگر کسی دو طواف را پشت سر هم انجام دهد و بین دو طواف، نماز طواف اول را نخواند، فعل حرام انجام داده و گناه کرده است، ولی طواف او باطل نمی‌شود.

مسئله ۳۷۳: اگر طواف کننده بعد از تمام شدن طواف و پیش از خواندن نماز طواف، اطمینان پیدا کند که طواف را ناقص انجام داده، باید برگردد و طواف را کامل کند.

مسئله ۳۷۴: اگر طواف کننده بعد از نماز طواف و پیش از سعی، اطمینان پیدا کند که طواف را ناقص انجام داده است، باید برگردد و اگر یقین دارد که قبلاً چهار شوط طواف را انجام داده است، طواف را کامل کند. و اگر اطمینان به اتمام چهار شوط ندارد، باید طواف را از سر گیرد. و در هر صورت لازم است نماز طواف را اعاده کند و بعد مشغول سعی شود.

مسئله ۳۷۵: اگر کسی سهواً بر تعداد اشواط طواف اضافه کند و قبل از کامل شدن شوط هشتم متوجه شود، باید آن شوط را رها نماید و طوافش صحیح است. ولی اگر بعد از کامل شدن شوط هشتم متوجه شود، بهتر است طواف را به چهارده شوط برساند و پس از آن نماز طواف اول را به جا آورد و مشغول سعی شود و نماز طواف دوم را پس از انجام سعی به جا آورد.

مسئله ۳۷۶: گمان در طواف اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسئله ۳۷۷: اگر کسی بعد از تمام شدن شوطی از طواف، در صحت آن شک کند، نباید به شک خود اعتنا کند، ولی اگر شک او در اثنای شوط باشد، معتبر است و باید همان شوط را اعاده نماید.

مسئله ۳۷۸: اگر کسی بعد از تمام شدن طواف شک کند که آیا آن را زیادت‌تر یا کمتر از هفت شوط به جا آورده یا شک کند صحیح به جا آورده یا نه، لازم نیست به شک خود اعتنا کند و طوافش صحیح است، گرچه از محل طواف بیرون نرفته باشد.

مسئله ۳۷۹: اگر کسی در اثنای طواف شک کند که چند شوط به جا آورده، طواف او باطل است و باید آن را از اول شروع کند.

مسئله ۳۸۰: اگر کسی در حال طواف در عدد شوط‌ها شک کند و با همین حال طواف را تمام کند و بعد یقین به صحت طواف پیدا کند، اشکال ندارد و طواف او صحیح است.

مسئله ۳۸۱: اگر کسی در اثنای طواف شک کند هفت شوط به جا آورده یا هشت شوط، باید بنا را بر هفت بگذارد و طواف را تمام کند و طوافش صحیح است.

مسئله ۳۸۲: کثیر الشک در عدد شوط‌ها نباید به شک خود اعتنا کند و باید بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد و کثیر الشک به کسی می‌گویند که سه مرتبه در یک طواف یا در سه طواف شک کند و چنین کسی در مرتبه چهارم نباید به شک خود اعتنا نماید.

احکام قطع طواف

مسئله ۳۸۳: قطع کردن طواف بدون عذر، مکروه است. و در این خصوص تفاوتی میان طوف واجب و مستحب نیست.

مسئله ۳۸۴: قطع طواف مستحبّ به جهت رفع حوائج مسلمانان، جایز، بلکه مستحبّ است.

مسئله ۳۸۵: قطع طواف واجب به جهت رفع حوائج مسلمانان، اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد، جایز، بلکه مستحبّ است. ولی بعد از اتمام شوط چهارم، جایز نیست.

مسئله ۳۸۶: قطع طواف - واجب و مستحبّ - برای رسیدن به نماز جماعت یا درک وقت فضیلت نماز، مستحبّ است.

مسئله ۳۸۷: اگر کسی به هر دلیلی طواف مستحبّ را قطع نماید، بعداً می‌تواند آن را از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، گرچه در شوط اول قطع کرده باشد.

مسئله ۳۸۸: اگر کسی طواف واجب را به هر دلیلی بعد از پایان شوط چهارم قطع نماید، بعد از بازگشت می‌تواند طواف را از همان جا که قطع کرده ادامه دهد. ولی بهتر است اعاده نماید.

مسئله ۳۸۹: اگر طواف کننده طواف واجب را به هر دلیلی قبل از پایان شوط چهارم قطع نماید، بعد از بازگشت باید آن را از سر گیرد.

مسئله ۳۹۰: اگر در اثنای طواف کسی، نماز جماعت مسجدالحرام شروع شود و صفوف نماز با طواف او تداخل داشته باشد، باید طواف را رها کند و به اقامه نماز پردازد و پس از پایان نماز با توجه به اینکه قبلاً تا چه شوطی انجام داده طبق دو مسئله قبل عمل کند.

مسئله ۳۹۱: اگر کسی بین اشواط طواف برای رفع خستگی قدری بنشیند یا استراحت کند، اشکال ندارد و بعد می‌تواند طواف را از همان جا ادامه دهد، هر چند در سه شوط اول باشد.

مسئله ۳۹۲: اگر کسی از طواف خود منصرف شود، طواف او باطل می‌شود. گرچه از مطاف بیرون نرفته و موالات عرفیه به هم نخورده باشد و یا بعد از شوط چهارم باشد. بنابر این اگر مقداری از طواف را به جا آورده و دلچسب او واقع نشد، می‌تواند از آن منصرف شده و آن را رها سازد و بلافاصله از اول شروع کند. چنانچه اگر در طواف شکی کند که طواف را باطل می‌کند، می‌تواند بلافاصله طواف را از اول شروع کند.

مسئله ۳۹۳: اگر طواف کننده از شوطی از طواف منصرف شود، آن شوط به مجرد انصراف باطل می‌شود. ولی طواف باطل نمی‌شود. احکام طواف مستحبّ

مسئله ۳۹۴: از مستحبّاتی که در روایات اهل بیت «سلام الله علیهم» بسیار به آن سفارش شده است طواف به دور کعبه معظمه است.

مسئله ۳۹۵: طواف مستحبّ هم مانند طواف واجب هفت دور است و از حجرالاسود شروع شده و به آن ختم می‌گردد.

مسئله ۳۹۶: طواف مستحبّ هم مانند طواف واجب، در همه جای مسجدالحرام صحیح است و جای مخصوصی ندارد.

مسئله ۳۹۷: انجام طواف مستحبّ در هر زمانی جایز است. بنابر این در اثنای اعمال عمره و قبل از طواف واجب و بعد از نماز طواف هم می‌توان طواف مستحبّ به جا آورد.

مسئله ۳۹۸: مستحبّ است پس از اتمام طواف مستحبّ، نماز طواف هم خوانده شود.

مسئله ۳۹۹: نماز طواف مستحبّ را در همه جای مسجدالحرام می‌شود خواند و جای مخصوصی ندارد.

مسئله ۴۰۰: طواف مستحبّ را می‌توان به نیابت از دیگران زننده و مرده، زن و مرد، کوچک و بزرگ - انجام داد.

مسئله ۴۰۱: طواف مستحبّ را می‌توان به نیابت از کسانی که در مکه یا در مسجدالحرام حضور دارند و عذری هم برای انجام طواف ندارند، به جا آورد.

مسئله ۴۰۲: محدودیتی در تعداد افرادی که طواف به نیابت از آنان انجام می‌شود، وجود ندارد. همچنین لازم نیست نام این افراد به تفصیل مشخص باشند، بلکه نیت کلی کفایت می‌کند. مثل به نیابت از همه بستگان یا همکاران و ...

مسئله ۴۰۳: شایسته است انسان به نیابت از انبیای عظام و حضرات معصومین «سلام‌الله‌علیهم» و اولیای الهی و بزرگان دین، طواف مستحبی به جا آورد.

مسئله ۴۰۴: شک در تعداد اشواط طواف مستحب، آن را باطل نمی‌کند و طواف کننده می‌تواند در صورت شک، بنا را بر اقل یا اکثر گذاشته و طواف را تمام کند.

مسئله ۴۰۵: رعایت موالات عرفی، شرط صحت طواف مستحب نیست و اگر کسی به هر دلیلی طواف مستحب را رها کرد، بعد از بازگشت می‌تواند از همان جا ادامه دهد، هر چند قبل از اتمام شوط چهارم، طواف را رها کرده باشد.

مسئله ۴۰۶: زن مستحاضه می‌تواند طواف به جا آورد و عمل به دستورات استحاضه هم برای صحت طواف او لازم نیست. ولی اگر می‌خواهد نماز طواف هم بخواند باید به دستورات استحاضه عمل کند.

آداب و مستحبات طواف

مسئله ۴۰۷: مستحب است طواف با حضور قلب انجام شود و طواف کننده در حال طواف، با وقار و طمأنینه باشد و دعا بخواند یا ذکر بگوید و به گناهان خود اعتراف نماید و از خداوند طلب آمرزش کند و در هر شوط اگر مزاحمت برای خود و دیگران ایجاد نشود، حجرالاسود را ببوسد و روی آن دست بکشد.

مسئله ۴۰۸: حرف زدن، خندیدن، سر را این طرف و آن طرف گرداندن و انجام هر عملی که طواف کننده را از حقیقت طواف غافل کند، مکروه است.

مسئله ۴۰۹: مستحب است طواف کننده در حال طواف دعاهایی که از جانب حضرات ائمه اطهار «سلام‌الله‌علیهم» وارد شده بخواند و از آن جمله دعاهایی است که ذیلاً می‌آید.

۱ - مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرُشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَجَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» [۲]

به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

۲ - همچنین مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلِ اسْمِي» [۳]

۳ - مستحب است در حال طواف و مخصوصاً وقتی که به در کعبه معظمه می‌رسد صلوات بر محمد و آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» بفرستد.

۴ - مستحب است روبروی درب کعبه معظمه این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَاقِيرٌ كَمَا مَسَّ بِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيم» [۴]

۵ - مستحب است وقتی به حجر اسماعیل «سلام‌الله‌علیه» رسید، رو به ناودان کرده و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَيِّفْنِي مِنَ الشُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسِقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» [۵]

۶- مستحب است وقتی از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» [۶]

۷- مستحب است وقتی به رکن یمانی رسید، دست‌ها را بلند کند و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِي الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» [۷]

پس سر به جانب کعبه معظّمه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شَرَّ رَارِ خَلْقِكَ» [۸]

۸- مستحب است وقتی میان رکن یمانی و حجرالاسود می‌رسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» [۹]

۹- مستحب است در شوط هفتم وقتی به مستعجار (پشت کعبه، نزدیک رکن یمانی و برابر درب کعبه معظّمه) می‌رسد دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِيكَ مِنَ النَّارِ» [۱۰]

۱۰- مستحب است به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مَنْ قَبَلَكَ الرَّوْحَ وَالْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفِرْ لِي مَا أظَلَعْتَ عَلَيَّ مِنْهُ وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ» [۱۱]

و آنچه می‌خواهد دعا کند.

۱۱- مستحب است رکن یمانی را استلام کند یعنی به آن دست بکشد و به نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي» [۱۲]

۱۲- مستحب است در هر شوط، ارکان کعبه معظّمه و حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِشَهَادَتِكَ عِنْدَكَ لِي بِالْمَوْافَاةِ» [۱۳]

پی نوشت ها:

[۱]. برخی از موارد جواز و عدم جواز نیابت، در قسمت «واجبات طواف» آمده است.

[۲]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۲

[۳]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۴

[۴]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۱

[۵]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۵

[۶]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۷

[۷]. عیون أخبار الرضا «ع»، ج ۲، ص ۱۶

[۸]. الکافی، ج ۴، ص ۴۱۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۰

[۹]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۳

[۱۰]. الکافی، ج ۴، ص ۴۱۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۴

[۱۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۱۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۳

[۱۲]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۵

[۱۳]. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۲

سوّم: نماز طواف

سوّم: نماز طواف [۱]

مسئله ۴۱۰: پس از اتمام طواف واجب، خواندن دو رکعت نماز بر محرم واجب می‌شود که به آن نماز طواف می‌گویند.

ترک نماز طواف

مسئله ۴۱۱: اگر کسی عمدتاً یا سهواً یا به واسطه جهل به مسئله، نماز طواف را به جا نیاورد، گرچه در صورت عمد گناهکار است، ولی در هر صورت عمره او باطل نیست و نماز به ذمه او باقی است و اگر هنوز در مکه است، باید نماز را در مسجدالحرام بخواند و اگر از مکه خارج شده باشد و به طور متعارف امکان بازگشت او نباشد، باید نایب بگیرد تا نماز را در مسجدالحرام بخواند. و اگر ممکن نباشد نماز را در هر کجا بخواند کفایت می‌کند.

مسئله ۴۱۲: اگر کسی در اثنای سعی بین صفا و مروه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده، باید از همان جا سعی را رها کند و برگردد و نماز را بخواند و بعد سعی را از همان جا ادامه دهد و تمام نماید، گرچه بعد از نماز، اعاده آنچه به جا آورده بهتر است. مسئله ۴۱۳: اگر بعد از سعی یا تقصیر یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده، باید نماز را بخواند و اعاده سعی و تقصیر واجب نیست، گرچه بعد از نماز اعاده آنچه به جا آورده بهتر است.

کیفیت نماز طواف

مسئله ۴۱۴: کیفیت نماز طواف مثل نماز صبح است، ولی اذان و اقامه ندارد.

مسئله ۴۱۵: در نماز طواف پس از حمد، هر سوره‌ای می‌توان خواند، مگر سوره‌هایی که سجده واجب دارد. [۲]

مسئله ۴۱۶: نماز طواف را می‌توان بلند یا آهسته خواند.

مسئله ۴۱۷: نماز طواف از نظر احکام تفاوتی با نمازهای یومیّه ندارد. مثلاً گمان در افعال و اقوال آن حکم یقین را دارد و شک در رکعات آن نماز را باطل می‌کند.

مسئله ۴۱۸: کسی که غسل واجب بر عهده دارد و برای غسل کردن معذور است و وقت کافی هم برای صبر کردن ندارد، باید نماز طواف را خودش با تیمّم انجام دهد.

مسئله ۴۱۹: نماز طواف واجب را می‌توان به جماعت خواند. به شرط آنکه امام جماعت هم مشغول خواندن نماز طواف واجب یا سایر نمازهای واجب یومیّه باشد.

مسئله ۴۲۰: نماز طواف باید به صورت صحیح خوانده شود و یاد گرفتن آن واجب است.

مسئله ۴۲۱: رعایت قواعد تجویدی در نماز طواف لازم نیست، بلکه همین مقدار که عرفاً گفته شود نمازش را صحیح می‌خواند کفایت می‌کند.

مسئله ۴۲۲: اگر کسی خواندن نماز را به صورت صحیح یاد نگرفت، باید خودش هر طور که می‌تواند، نماز طواف را بخواند و کافی است. ولی اگر ممکن است و مشقت ندارد باید به جماعت بخواند یا کسی نماز را برای او تلقین کند و در هر صورت نایب گرفتن

به این دلیل، برای زن یا مرد کافی نیست. ولی اگر علاوه بر خواندن خودش، نایب هم بگیرد خوب است.

مسئله ۴۲۳: نماز طواف را مانند نمازهای یومیّه با هر غسلی - واجب و مستحبّ - می‌توان خواند. به جز برخی اقسام غسل استحاضه که احکام مخصوص به خود دارد.

مسئله ۴۲۴: سجده بر سنگفرش‌های مسجدالحرام در نماز طواف و در هر نمازی صحیح است.

مسئله ۴۲۵: اگر کسی در حال خواندن نماز طواف، در اثر ازدحام جمعیت بی‌اختیار قدری جا به جا شود، اشکال ندارد و نمازش صحیح است.

زمان نماز طواف

مسئله ۴۲۶: نماز طواف باید فوراً پس از اتمام طواف خوانده شود و فاصله انداختن بین طواف و نماز طواف، جایز نیست. ولی فاصله کم به طوری که در عرف، فوراً محسوب شود، اشکال ندارد.

مسئله ۴۲۷: اگر کسی بدون عذر، نماز طواف را با تأخیر بخواند، گناه کرده است ولی عمره او باطل نیست.

مسئله ۴۲۸: اگر کسی به واسطه عذری نظیر اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام یا باطل شدن وضو یا نجس شدن لباس و نظائر آن، نتواند فوراً پس از طواف، نماز آن را به جا بیاورد، باید بعد از برطرف شدن عذرش نماز را بخواند و طواف و نماز او صحیح است.

مسئله ۴۲۹: نماز طواف حتماً باید بعد از طواف خوانده شود و اگر کسی آن را قبل از طواف خوانده باشد، کافی نیست و باید بعد از طواف اعاده نماید.

مسئله ۴۳۰: خواندن نماز طواف در هر ساعتی از شبانه روز جایز است. ولی اگر پس از اتمام طواف، وقت برای ادای نماز یومیّه محرم تنگ باشد، باید اول نماز یومیّه را بخواند و بعد نماز طواف را به جا آورد.

مکان نماز طواف

مسئله ۴۳۱: نماز طواف واجب باید پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) خوانده شود. و لازم نیست حتماً نزدیک مقام ابراهیم (سلام الله علیه) باشد، بلکه نماز طواف در پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) و دو طرف آن تا آخر مسجدالحرام و در همه طبقات مسجد صحیح است. هر چند بهتر است در صورتی که امکان آن باشد و مزاحمتی برای نمازگزار و دیگران ایجاد نشود، نماز طواف در پشت مقام نزدیک به آن خوانده شود.

مسئله ۴۳۲: نماز طواف مستحبّ را در همه جای مسجدالحرام می‌شود خواند، گرچه بهتر است در صورت امکان و در صورتی که مزاحمت برای دیگران ایجاد نشود، پشت مقام حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) و هرچه نزدیک تر به آن خوانده شود.

مسئله ۴۳۳: لازم نیست در نماز طواف، مرد جلوتر از زن بایستد و اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد، نماز هر دو صحیح است.

مستحبات نماز طواف

مسئله ۴۳۴: در نماز طواف مستحبّ است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سوره کافرون خوانده شود.

مسئله ۴۳۵: مستحبّ است محرم بعد از به جا آوردن نماز طواف، اعمال زیر را انجام دهد:

۱- پس از نماز طواف، حمد و ثنای الهی بگوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند متعال قبولی اعمال را طلب نماید.

۲- مستحبّ است بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ وَ طَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلِّ عَلَى آلِهِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» [۳]

و در بعضی از روایات آمده است که حضرت امام صادق «سلام الله علیه» بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می فرمودند:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُتَوِّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ» [۴]

و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۳- پس از فراغت از نماز از «آب زمزم» بنوشد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ» [۵]

۴- نزد حجرالاسود آمده و آن را استلام کند.

۵- با وقار و طمأنینه به سوی صفا برود.

پی نوشت ها:

[۱]. مسائلی که مربوط به طهارت نماز گزار است، به همراه مسائل طهارت طواف کننده، در ذیل عنوان واجبات طواف همین کتاب ذکر گردیده و در این قسمت از تکرار آن خودداری می گردد.

[۲]. سوره‌هایی که سجده واجب دارند عبارتند از: سجده، فصلت، نجم و علق

[۳]. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۴۳

[۴]. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۹۴

[۵]. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴

چهارم: سعی بین صفا و مروه

اشاره

مسئله ۴۳۶: محرم باید بعد از به جا آوردن نماز طواف، هفت دور فاصله بین دو کوه کوچک صفا و مروه که در مجاورت خانه کعبه قرار دارند را بپیماید. به این عمل «سعی» و به هر دور آن «یک شوط» می گویند.

مسئله ۴۳۷: سعی مستحب نداریم و شایسته است کسانی که سعی واجب خود را انجام داده‌اند، مکان سعی را برای سایرین که سعی واجب دارند، تخلیه نمایند.

مسئله ۴۳۸: سعی از نظر احکام مانند طواف است. ولی طهارت بدن و لباس و ستر عورت و داشتن وضو یا غسل، شرط صحّت سعی نیست، گرچه مراعات همه این موارد در سعی مستحب است.

مسئله ۴۳۹: محرم می تواند هنگام سعی، دیگری را به دوش بگیرد یا با صندلی و تخت و نظایر آن او را سعی دهد و سعی هر دو صحیح است.

مسئله ۴۴۰: محرم می تواند سعی را پیاده انجام دهد یا در طبق یا صندلی چرخدار و نظیر آن بنشیند تا او را سعی دهند، گرچه پیاده سعی کردن افضل است.

ترک سعی

مسئله ۴۴۱: اگر کسی عمداً سعی را ترک کند و تقصیر نماید، عمره او باطل است.

مسئله ۴۴۲: اگر کسی سهواً یا جهلاً سعی را ترک کند و تقصیر نماید، باید برگردد و سعی را انجام دهد و تقصیر را اعاده نماید و در این صورت عمره او باطل نیست.

زمان سعی

مسئله ۴۴۳: زمان انجام سعی، پس از به جا آوردن طواف و نماز طواف است. و اگر سعی عمداً قبل از طواف یا نماز آن انجام شود، باطل است و باید بعد از اقامه نماز طواف، اعاده گردد.

مسئله ۴۴۴: وجوب انجام سعی پس از نماز طواف فوری نیست و تا زمانی که وقت برای اتمام اعمال عمره و حج، باقی است، تأخیر سعی جایز است. هر چند بهتر است در اولین فرصت ممکن انجام شود.

مکان سعی

مسئله ۴۴۵: همان طور که بیان شد مکان سعی حد فاصل دو کوه صفا و مروه است. و فرقی نمی‌کند که در طبقه اول باشد یا در طبقات بالا- و اگر در آینده طبقات فوقانی اضافه شود یا زیرزمین در این مکان احداث شود، سعی از آنجا هم صحیح است. و همچنین اگر مکان سعی عریض تر شود، گرچه از دو کوه صفا و مروه بگذرد، سعی در آنجا نیز صحیح است.

مسئله ۴۴۶: سعی در مسعای جدید (که در سال ۱۳۸۷ شمسی توسعه یافته و عریض تر شده و محل تیت در آن جلوتر از قبل است) صحیح می‌باشد.

نیابت در سعی

مسئله ۴۴۷: اگر کسی به هیچ وجه قدرت ندارد پیاده یا سواره یا در طبق و صندلی و نظائر آن سعی نماید، باید نایب بگیرد.

مسئله ۴۴۸: از آن جا که طهارت، شرط صحت سعی نیست و محل سعی نیز مسجد نمی‌باشد، سعی زن حائض یا نفسا یا مستحاضه صحیح است و نائب گرفتن به این دلیل صحیح نیست و کفایت نمی‌کند.

مسئله ۴۴۹: کسی که به جهت داشتن عذری برای طواف و نماز آن نایب گرفته است و سعی را باید خودش انجام دهد، لازم است رعایت ترتیب بنماید. یعنی صبر کند تا نماز طواف نایب تمام شود و سپس سعی را آغاز نماید.

واجبات سعی

۱. تیت

مسئله ۴۵۰: چون سعی عبادت است باید از اول تا آخر با قصد تقرب و با توجه به عمل باشد، بنابراین اگر کسی در اثنای سعی، ریا نماید، یا اگر او را سعی می‌دهند، خوابش ببرد، باید آن مقدار را که خواب بوده یا ریا نموده، تدارک نماید.

۲. شروع سعی از صفا و ختم به مروه

مسئله ۴۵۱: سعی باید از صفا شروع شود، به این ترتیب که محرم باید از ابتدای صفا به ابتدای مروه برود و این یک دور محسوب می‌شود و آنگاه که از مروه به صفا باز می‌گردد، دور دوم به پایان می‌رسد و به همین ترتیب ادامه می‌دهد تا در دور هفتم به مروه برسد و سعی تمام شود.

مسئله ۴۵۲: لازم نیست در هر شوطی روی کوه صفا یا مروه برود و همین مقدار که از ابتدای سرایشی صفا شروع و به ابتدای سرایشی مروه ختم کند و یا به عکس، یک شوط محسوب می‌شود.

۳. انجام سعی در سعی و رو به صفا و مروه

مسئله ۴۵۳: در هنگام سعی باید مسیر بین صفا و مروه به صورت معمول و متعارف طی شود. و اگر محرم در هنگام سعی از داخل مسجد الحرام یا فضای خارج مسجد عبور کند، صحیح نیست و آن مقدار از سعی را باید جبران نماید.

مسئله ۴۵۴: محرم باید هنگام حرکت به سوی مروه، رو به مروه و هنگام بازگشت به طرف صفا، رو به صفا حرکت کند. بنابر این عقب عقب رفتن یا به پهلو رفتن صحیح نیست. ولی نگاه کردن به اطراف یا برگرداندن سر، اشکال ندارد.

مسئله ۴۵۵: اگر کسی قسمتی از سعی را غیر متعارف انجام دهد، یعنی عقب عقب یا به پهلو حرکت نماید، باید برگردد و همان مقدار از سعی را اعاده نماید.

۴. انجام هفت دور کامل و پی در پی

مسئله ۴۵۶: تعداد اشواط سعی باید هفت شوط کامل باشد و کمتر یا زیادتر انجام دادن آن صحیح نیست.

مسئله ۴۵۷: اگر کسی عمداً تعداد اشواط سعی را کمتر یا زیادتر از هفت شوط انجام دهد، گناه کرده است ولی قبل از تقصیر می‌تواند آن را تدارک نماید، به صورتی که اگر کمتر انجام داده است، کمبود را جبران کند و اگر در حال انجام اشواط بعد از شوط هفتم باشد، سعی را از همان جا رها کند و تقصیر نماید و عمره او صحیح است.

مسئله ۴۵۸: اگر کسی از روی عمد تعداد اشواط سعی را کمتر یا زیادتر از هفت شوط انجام دهد و تقصیر نماید، عمره او باطل است.

مسئله ۴۵۹: اگر کسی بفهمد سعی را سهواً یا جهلاً، کمتر از هفت شوط انجام داده است، اگر می‌تواند باید برگردد و آن تعداد از اشواط سعی که یقین دارد انجام نداده است، جبران نماید. و اگر نمی‌تواند برگردد، باید نایب بگیرد. و چنانچه تقصیر را انجام داده باشد، لازم نیست اعاده کند و عمره او صحیح است.

مسئله ۴۶۰: اگر کسی سهواً یا جهلاً سعی را بیش از هفت شوط انجام دهد، عمره او باطل نیست، هر چند تقصیر کرده باشد و اگر قبل از تقصیر و در حال انجام اشواط اضافی بفهمد که سعی را بیش از هفت شوط انجام داده است، باید سعی را از همان جا رها کند و تقصیر نماید و عمره او صحیح است.

مسئله ۴۶۱: اگر کسی بعد از تمام شدن سعی در تعداد شوط‌های آن شک کند، نباید به شک خود اعتنا کند.

مسئله ۴۶۲: اگر کسی در اثنای سعی در تعداد شوط‌ها شک کند، سعی او باطل است و باید آن را از سر گیرد، مگر در شک بین هفت و هشت، که باید بنا را بر هفت بگذارد و سعی را تمام کند و تقصیر نماید.

مسئله ۴۶۳: گمان در سعی حکم شک را دارد.

مسئله ۴۶۴: رعایت موالات عرفی بین اشواط سعی لازم است، یعنی نباید بین اشواط سعی آنقدر فاصله بیفتد که عرفاً پی در پی محسوب نشود. ولی محرم می‌تواند در آخر هر شوط یا حتی بین اشواط قدری بنشیند یا استراحت کند یا روی صفا و مروه برود و بعد سعی را ادامه دهد.

۵. مختون بودن

مسئله ۴۶۵: مختون بودن در حال سعی، برای مردان واجب است. و این حکم پسر نابالغ را نیز شامل می‌شود.

احکام قطع سعی

مسئله ۴۶۶: اگر کسی به هر دلیلی سعی خود را قطع کند، به شرط آنکه موالات عرفیه به هم نخورده باشد، بعداً می‌تواند از همان جا که قطع کرده است ادامه دهد و فرقی نمی‌کند که قبلاً چند شوط انجام داده باشد.

مسئله ۴۶۷: قطع سعی برای رسیدن به نماز جماعت یا در رک نماز اول وقت مستحب است.

مسئله ۴۶۸: اگر کسی از سعی یا از شوطی که در حال انجام آن است، منصرف شود، سعی یا آن شوط از سعی باطل می‌شود و بدون اینکه محل سعی را ترک کند می‌تواند سعی یا آن شوط را از اول شروع کند.

آداب و مستحبات سعی

مسئله ۴۶۹: انجام اعمال زیر هنگام سعی برای زائر مستحب است:

۱ - مستحب است از دری که مقابل حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بالای صفا رفته و به کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در آن است رو کند و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت‌های الهی را به خاطر بیاورد، سپس این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لا اله الا الله» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

سپس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»

پس سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

پس از آن بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لا اله الا الله» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَخْرَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»

و مکرراً خودش و دینش و مالش را به خداوند تبارک و تعالی بسپارد و بگوید:

«أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَدِينِي وَ أَهْلِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ»

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ»

و پس از آن دعای سابق را تکرار کند، و دوباره «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و باز دعا را اعاده نماید. اگر کسی تمام این عمل را نمی‌تواند انجام دهد، هر مقدار که می‌تواند بخواند. [۱]

۲- مستحب است رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعِدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي أَضِيبِحْتَ أَتَقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يُجُورُ ارْحَمْنِي» [۲]

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَأْلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ» [۳]

۳- در حدیث شریف وارد شده است هر کسی که بخوهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید متوجه کعبه معظمه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ» [۴]

پس بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ الْعَفْوَ الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ» [۵]

۴- مستحب است پیاده سعی کند.

۵- مستحب است در مقداری از سعی که فعلاً بین چراغ‌های سبز رنگ واقع شده است، هروله کند.

۶- مستحب است هنگامی که به مناره میانه یا اولین چراغ سبز می‌رسد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَاعِزُ الْمَأْكُورُ وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي فَتَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ» [۶]

و وقتی که از آن محل گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ وَ الْكِرَمِ وَ النِّعْمَاءِ وَ الْجُودِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ» [۷]

۷- هنگامی که به مروه رسید، از کوه بالا رود و آنچه برای صفا گفته شد، به جا آورد سپس بگوید:

«يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ زَيْنَ الْعَفْوِ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ» [۸]

۸- در حال سعی، در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد.

۹- در حال سعی، بسیار دعا کند و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النَّيِّهِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ» [۹]

پی نوشت ها:

[۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۵

[۲]. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۴۷

[۳]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۵

[۴]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۶

[۵]. همان

[۶]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۶

[۷]. همان

[۸]. همان

[۹]. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۴۸

پنجم: تقصیر

مسئله ۴۷۰: محرم باید پس از اتمام سعی، تقصیر نماید. یعنی مقداری از موی سر یا صورت یا ناخن خود را کوتاه کند.

مسئله ۴۷۱: در تقصیر بهتر است که هم مقداری از ناخن گرفته شود و هم مقداری از موی سر یا صورت کوتاه شود.

مسئله ۴۷۲: کندن مو برای تقصیر کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است و اگر کسی به جای چیدن مو، آن را بکند، حکم کسی را دارد که تقصیر نکرده است.

مسئله ۴۷۳: تقصیر نیز از عبادات است و باید با توجه و قصد تقرّب به جا آورده شود.

مسئله ۴۷۴: اگر کسی عمداً تقصیر نکند، عمره‌اش باطل نمی‌شود و باید تقصیر کند.

مسئله ۴۷۵: اگر کسی سهواً یا جهلاً تقصیر نکند، عمره‌اش صحیح است و هر جا که یادش آمد باید تقصیر نماید. پس اگر هنوز در مکه حضور دارد یا امکان بازگشت متعارف دارد، باید خودش اعاده کند و گرنه باید نایب بگیرد.

مسئله ۴۷۶: تقصیر باید پس از سعی انجام شود و اگر کسی عمداً زودتر از سعی تقصیر کند، عمره او باطل می‌شود و اگر غیر عمد باشد، باید بعد از سعی تقصیر کند و عمره او صحیح است.

مسئله ۴۷۷: وجوب تقصیر پس از سعی فوری نیست و تأخیر آن تا زمانی که محرم برای سایر اعمال عمره و حج، وقت دارد، جایز است.

مسئله ۴۷۸: تقصیر عمره مکان مشخصی ندارد و در همه مکان‌ها صحیح است و لازم نیست حتماً در محلّ سعی یا در مروه صورت پذیرد.

مسئله ۴۷۹: اگر محرم بعد از تقصیر شک کند که صحیح انجام داده است یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند.

مسئله ۴۸۰: محرم می‌تواند قبل از تقصیر خودش، مو یا ناخن دیگری را به عنوان تقصیر کوتاه نماید و ضرری به احرام خود یا دیگری نمی‌زند.

مسئله ۴۸۱: تقصیر کردن شیعه و سنی برای همدیگر اشکال ندارد.

مسئله ۴۸۲: بانوان باید هنگام تقصیر موی خود را از دید نامحرم بیوشانند، هر چند در صورت نمایان شدن مو، تقصیر آنان صحیح است.

مسئله ۴۸۳: بعد از تقصیر، همه محرماتی که به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، حلال می‌شود.

احکام فاصله زمانی بین عمره تمتع و حج تمتع

مسئله ۴۸۴: خروج حج گزار از مکه، بعد از فراغت عمره تمتع و قبل از حج، اشکال ندارد. ولی باید در برگشت محرم شود و عمره مفرده به جا آورد. و در این فاصله زمانی انجام عمره مفرده به جا آورد. و در این فاصله زمانی انجام عمره مفرده -ولو مکرراً- جایز است و ضرر به صحت عمره تمتع و حج نمی‌زند، بلکه ثواب عظیم دارد.

مسئله ۴۸۵: اگر کسی در فاصله بین عمره تمتع و حج، از مکه خارج شود و بعد بدون احرام به مکه برگردد و در مکه برای حج احرام ببندد و به عرفات برود، حج و عمره او صحیح است. ولی به جهت ورود بدون احرام به مکه، گناه کرده است.

مسئله ۴۸۶: مسئولین اجرایی حج و کسانی که شغل آنها اقتضا می‌کند که از مکه خارج شوند، در صورت خروج، می‌توانند بدون احرام به مکه برگردند ولی اگر در برگشت، محرم به احرام عمره مفرده شوند و عمره به جا آورند، ثواب عظیم دارد.

مسئله ۴۸۷: رفتن به غار حراء یا غار ثور و مکان‌های دیگر نزدیک مکه، بعد از اتمام عمره تمتع و قبل از حج، اشکال ندارد و ضرر به صحت حج و عمره نمی‌زند.

مسئله ۴۸۸: اگر کسی بعد از فراغت از عمره تمتع مجبور به ترک حج شود، حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و باید طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.

مسئله ۴۸۹: خروج از مکه بعد از عمره تمتع و یا انجام عمره مفرده در آن مقطع زمانی، برای نایب اشکال ندارد و ضرر به نیابت او نمی‌زند.

مسئله ۴۹۰: کوتاه کردن موی سر یا ماشین کردن سر، بعد از اتمام عمره تمتع و قبل از حج اشکال ندارد و اصلاح صورت، در آن فاصله زمانی حکم خاصی ندارد و مانند سایر ایام است.

هفتاد نکته فقهی و اخلاقی مورد احتیاج در حج و عمره

تذکرات اخلاقی

۱) توجه: زائران گرامی که به سفر حج تمتع یا عمر مفرده مشرف می‌شوند، قبل از هر چیز باید به عظمت و معنویت این سفر روحانی، توجه داشته باشند. توجه به اینکه به چه سفری می‌روند و این سفر عرفانی چه برکات و فوایدی را می‌تواند برای آنان به همراه داشته باشد، ضروری است. «توجه داشتن و غافل نبودن»، اولین گام در سیر و سلوک است. بدین ترتیب زائر خان خدا باید با هوشیاری و توجه کامل، از فریضه انسان‌ساز حج، کمال بهره‌برداری را بنماید تا علاوه بر اینکه عبادت او مورد پذیرش حضرت حق واقع شود، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نیز در سیر و سلوک داشته باشد.

۲) تفکر: سفر معنوی حج، فرصت بسیار مناسبی برای تفکر است. تفکر، در آموزه‌های دینی از اهمیت والایی برخوردار است. خداوند تعالی، در آیات متعددی از قرآن کریم، فلسفه نزول قرآن را، تفکر برمی‌شمارد. چنانکه در آیات متعددی، انسان را به سبب بی‌توجهی و عدم تفکر مؤاخذه می‌کند. هم چنانکه در آیات متعددی، تفکر را ویژه انسان‌های خردمند و خردپیشه می‌داند.

انسان باید با سلاح تفکر به مبارزه با شیطان پردازد. خصوصاً کسی که به حج مشرف می‌شود باید بیش از دیگران خود را به سلاح تفکر مجهز نماید. گاهی اوقات عدم تفکر موجب می‌شود حج گزار از ناحیه عباداتی که انجام می‌دهد، فریب شیطان را بخورد.

اساساً کسی که اهل تفکر نباشد، نمی‌تواند توجه و آگاهی پیدا کند و به ورطه غفلت کشانده می‌شود. بنابراین زائر خانه خدا باید در شبانه روز، ساعتی یا ساعاتی را به تفکر اختصاص دهد و با خود بیندیشد که هدف از خلقت او چیست؟ برای چه در این دنیا آمده است؟ و به کجا خواهد رفت؟ باید در مورد حرکتی که به سوی خدا دارد فکر کند. به زاد و توشه‌ای که در این راه پرمشقت لازم دارد، بیندیشد. در مورد اسرار و رازهای شگفت‌نرفته در فریضه انسان‌ساز حج تفکر کند تا اعمالی که به جا می‌آورد علاوه بر صحت فقهی، از حقیقت و کمال معنوی نیز برخوردار شود و دارای صحت اخلاقی نیز باشد و مقبول در گاه پروردگار متعال گردد.

۳) محاسبه نفس: کسی که می‌خواهد به حج یا عمره مشرف شود، باید قبل از سفر به محاسبه نفس پردازد. یعنی از اعمال و احوال خود، بازرسی دقیقی به عمل آورد و بنگرد که آیا عباداتی نظیر نماز، روزه، خمس، صلّه رحم و نیکی به دیگران و سایر عبادات را به نحو صحیح انجام داده است؟ آیا اموال و دارایی او حلال است؟ آیا دیگران به ویژه نزدیکان و وابستگان او از وی راضی هستند؟ و بدین صورت قبل از سفر به سوی خداوند متعال، متوجه اعمال خویش گردد و ضمن محاسبه آن اعمال با خود بیندیشد که اگر به جای سفر حج، به عالم برزخ وارد می‌شد، وضع او چگونه بود؟

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتظِرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و هر کس باید بنگرد که برای فردا، چه عملی پیش فرستاده است. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند به اعمال شما آگاه است.» (حشر / ۱۸)

بنابر این آیه شریفه، هر انسانی باید بنگرد که آیا در محضر خداوند قادر می‌تواند پاسخگوی رفتار، گفتار و کردار خویش باشد؟ و سپس بر این اساس به اصلاح اعمال خود پردازد و سعی کند خداوند متعال و بندگان خداوند را از خود راضی نموده و آنگاه آماد سفر حج یا عمره شود و به تعبیر زیبای امیرمؤمنان «سلام الله علیه»: «به حساب اعمال نفس خود رسیدگی کنید و از آن بخواهید که وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام دهد و از آنچه رفتنی و تمام‌شدنی است برای آنچه ماندنی و جاودان است بهره برگیرد، و پیش از آنکه برانگیخته شوید، توشه راه و سفر را بردارید و خود را آماده و مهیا سازید.» (غررالحکم، ۴۷۷۹)

۴) توبه: کسی که می‌خواهد عازم مکه شود، نباید در نامه اعمال خود، هیچ گناهی را باقی گذارد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نُّصُوحًا - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به درگاه خداوند توبه کنید؛ توبه‌ای نصح و خالصانه.» (تحریم / ۸) اگر زائر خانه خدا قبلاً از شیطان و هواهای نفسانی پیروی کرده و مرتکب گناه شده است، قبل از تشرّف به حج شایسته است که از معاصی گذشته توبه نماید و در برابر رحمت خداوند رحمان و رحیم شرمسار و خجالت‌زده باشد. و مطمئن باشد که اگر واقعاً توبه نماید، خداوند گناهان او را می‌آمرزد و پروند سیاه و پر از گناه او را به پرونده‌ای روشن و درخشان - که صفحه اول آن مزین به توبه است - مبدل می‌سازد: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا - کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خداوند آمرزنده و مهربان است.» (فرقان / ۷۰) و انجام حج یا عمره با چنین پرونده درخشانی بهتر و بیشتر مورد قبول خداوند واقع می‌شود، چراکه بنابر فرموده رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» «نزد خداوند هیچ چیز محبوب‌تر از مرد یا زن توبه‌کننده نیست.» (بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۱)

۵) اجتناب از گناه: پس از آنکه زائر خانه خدا از گناهان گذشته خود توبه کرد و مشرف به سفر حج یا عمره شد، باید مراقبت و مواظبت کامل از اعمال و رفتار خود داشته باشد. از هرگونه گناه و معصیتی اجتناب نماید و خداوند سبحان را ناظر بر اعمال خود ببیند. نکته مهمی که باید توجه داشت این است که اگر کسی متقی شود و تقوا را در عمق جان خود رسوخ دهد، بنابر فرمایش قرآن کریم به مقام فرقان دست می‌یابد. یعنی حالتی در او به وجود می‌آید که ناخود آگاه بین حق و باطل تمیز می‌دهد و الهامات رحمانی را از وسوسه‌های شیطانی تشخیص می‌دهد و به این ترتیب می‌تواند وظیفه و مسئولیت «مراقبه» را به خوبی انجام دهد. چنین کسی وقتی در مراسم حج و عمره، لبیک می‌گوید، می‌تواند پاسخ دلنشین خداوند متعال را با گوش دل و جان خویش بشنود.

بنابراین زائر خانه خدا باید متقی شود و توجه داشته باشد که گناه موجب سقوط و ظلمت است و این ظلمت، مانع رسیدن رحمت خداوند متعال به او می‌شود. از این رو باید از همه گناهان مخصوصاً گناهانی نظیر سوءظن، بد اخلاقی، غیبت، تهمت، استهزاء، سخن چینی، اهانت و... پرهیز کند و اگر خدای نخواست گناهی برای او پیش آید، فوراً به فکر جبران و تدارک آن باشد، یعنی از رحمت خداوند مأیوس نشود و مجدداً توبه نماید و با حفظ توبه خود مراقبت کند که در سرایشی گناه واقع نشود. گناه تعدد و گناه روی گناه و خصوصاً توجیه گناه، آدمی را سیاه‌بخت و حج و عمره او و بلکه همه اعمال او را ضایع خواهد کرد.

۶) ذکر: دوام ذکر و استمرار ارتباط با خداوند متعال و قطع ارتباط با غیر خداوند، در این سفر معنوی از اهمیت فراوانی برخوردار است. چرا که باعث می‌شود، انسان مورد توجه خداوند واقع شود «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ - مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.» (بقره / ۱۵۲) کسی که به حج یا عمره مشرف می‌شود باید دنیا و تعلقات دنیوی و مادی مربوط به آن را رها کند و دائماً در حالت ذکر و به یاد خداوند سبحان باشد و او را تحمید و تسبیح نماید و به این وسیله، آمادگی و آرامش لازم برای درک معنویت حج و عمره را به دست آورد و از اضطراب‌ها و تشویش‌های مادیت و دنیاگرایی رهایی پیدا کند. نماز و دعا و تلاوت قرآن در ایجاد و استمرار این ارتباط و حالت ذکر، نقش برجسته‌ای دارد. بنابراین حج گزار نباید از خواندن نماز اول وقت و نماز شب و سایر نمازهای مستحب غافل شود. و نیز نباید از تلاوت قرآن غفلت نماید و دست کم در این سفر روحانی، یک دوره قرآن کریم را تلاوت و ختم نماید و در مفاهیم و در آیات شریفه، تا حدی که برای او ممکن است دقت و تدبیر کند و چنانکه رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» فرموده‌اند: «عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيراً فَإِنَّهُ ذِكْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ وَ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ - بر تو باد به تلاوت قرآن و بسیاری ذکر و یاد خداوند؛ زیرا که آن در آسمان برای تو نام و آوازه خواهد بود و در زمین موجب نور و روشنایی برای تو خواهد شد.» (الخصال، ص ۵۲۵)

البته نکته مهم در مسأله «ذکر»، توجه به حقیقت ذکر است. رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» در این باره می‌فرمایند: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَ إِنْ قَلَّتْ صِيَامَاتُهُ وَ صِيَامَاتُهُ وَ تِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ - هر کس خداوند را اطاعت و فرمانبرداری کند، به درستی که ذکر خدا کرده است، هر چند نماز خداوند و روزه گرفتن و قرآن خواندنش، اندک باشد.» (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶) و باید توجه داشته باشیم که روی گردانی از یاد و ذکر خداوند تعالی آثار و تبعات وحشتناک و شکننده‌ای دارد که مهم‌ترین آن، همنشینی و همراهی شیطان با انسان است: «وَ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ - هر کس از یاد خداوند رحمان، روی گرداند، شیطانی را بر او می‌گماریم تا همدم و همراه او باشد.» (زخرف / ۳۶)

۷) دعا: مغز عبادات و خواسته و محبوب الهی و بهترین عبادت و کلید رستگاری و چراغ تاریکی و سلاح مؤمن و قائمه دین و به تعبیر بلند قرآن کریم، وسیله جلب توجه خداوند تعالی است: «قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ... بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.» (فرقان / ۷۷) و حتی امام باقر «سلام الله علیه» در پاسخ به این سؤال که زیاد تلاوت قرآن کردن بهتر است یا زیاد دعا کردن؟ با استناد به همین آیه شریفه فرمودند: دعا کردن. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۹) بهترین دعاها که باید در مواقع استجاب دعا به آن اهمیت داده شود، دعا برای ظهور و فرج حضرت ولی عصر «ارواحنا فداه» است که استجاب همه دعاها دیگر را نیز در بردارد و بعد از آن می‌توان به دعا برای عافیت، حسن عاقبت، کسب تقوا، رفع صفات رذیله و تقرب الی الله به عنوان بهترین دعاها اشاره نمود. همچنین زائران گرامی باید دعا برای دیگران را مقدم بر دعای خود بدانند و برای رفع گرفتاری‌ها و رنج‌های شخصی و اجتماعی مؤمنان دعا نمایند. امام صادق «سلام الله علیه» نقل فرموده‌اند که حضرت زهرا «سلام الله علیها» هر گاه به دعا بر می‌خواست، برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کردند و برای خودشان دعا نمی‌فرمود. در این باره از آن حضرت سؤال شد حضرت زهرا «سلام الله علیها» فرمودند: اول همسایه سپس خانه. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۸)

۸) توسل: توسل به عترت طاهره «سلام الله علیهم» وسیله ارتباط با خداوند است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... ای

کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و برای تقرب و نزدیکی به او، وسیله و واسطه بجویید.» (مائده / ۳۵) و رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» هم فرموده‌اند: «امامان و رهبران این امت از نسل حسین بن علی «سلام الله علیه» هستند. هر که آنان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر که آنان را نافرمانی کند، خداوند را سرپیچی کرده است. آنان دستگیره محکم‌اند و آنان وسیله تقرب و نزدیکی به خداوند عزوجل هستند» (عیون اخبار الرضا «سلام الله علیه»، ج ۲، ص ۵۲) بنابراین باید با توسل و به واسطه اهل بیت «سلام الله علیهم» به درگاه خداوند رفت. توسل به آن ذوات مقدس در استجابت دعا و استغفار و قبولی حج و عمره تأثیر فراوانی دارد. و از برترین توسیلات، دعا و استغفار در مراقب و مزارات مطهر آنان است که در حقیقت دعا و استغفار در محضر آنها است. از این رو به زائران محترم توصیه می‌شود خصوصاً زمانی که در مدینه منوره به سر می‌برند، از توسل به حضرات معصومین «سلام الله علیهم» غفلت ننمایند.

۹) اخلاص: حج و عمره باید تنها و تنها، برای رضای خداوند متعال به جا آورده شود و هیچ رنگی جز رنگ خدا که بهترین رنگ‌هاست نداشته باشد. کسی که به مکه می‌رود باید ناخالصی‌ها را از نیت و قصد خود پاک کند و حج یا عمره خود را فقط برای اطاعت فرمان الهی انجام دهد. چرا که اگر غیر از این باشد، به تعبیر رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» مورد قبول خداوند واقع نخواهد شد: «إِذَا عَمَلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا - هرگاه عملی را انجام دادی، آن را تنها برای خداوند انجام ده، زیرا او تنها، اعمال خالص بندگانش را می‌پذیرد.» (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۳)

اگر حج یا عمره کسی جنبه تفریحی پیدا کند یا برای به دست آوردن عنوان و شهرت یا برای تجارت و استراحت و مانند این‌ها باشد، یا تکرار آن از شأن او بالاتر باشد، حقیقت عبادی خود را از دست می‌دهد و به ظاهری بدون مغر و قالبی پوچ تبدیل می‌گردد و به این ترتیب نابود می‌گردد و به تعبیر امیر مؤمنان «سلام الله علیه»: «ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصِدٌ غَيْرَ اللَّهِ - هر کس مقصد و هدفی غیر از خداوند داشته باشد، ضایع و تلف و نابود می‌شود.» (غرر الحکم، ۵۹۰۷)

بنابراین شایسته است مؤمنین به جای حج استجابی متعدّد یا عمره‌های مکرر، از هموعان به ویژه بستگان و نزدیکان خویش دستگیری کنند و آنان را در مشکلات و رنج‌هایشان یاری نمایند.

۱۰) اغتنام فرصت: شایسته است زائران گرامی در این مدت کوتاه، فرصت‌ها را غنیمت دانسته و از دست ندهند و نسبت به حضور همراه با توجه و ادب در حرم‌های شریفه و انجام اعمال و مستحبات مکه مکرمه و مدینه منوره و احیاء و شب زنده‌داری در ایام حج و عمره غفلت نورزند و وقت خود را به بطالت نگذرانند و به جای حضور بیش از اندازه در بازار و محلّ اقامت و مکان‌های دیگر، به عبادت در حرمین مشغول باشند. و از برکات معنوی آن دو مسجد شریف بهره بگیرند و فرصت کوتاه و زودگذر این سفر معنوی را غنیمت بشمارند و از آن به خوبی بهره‌برداری نمایند. امیر مؤمنان «سلام الله علیه» می‌فرماید: «إِنْتَهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ - فرصت‌های خوب را دریابید، زیرا فرصت‌ها همچون ابر می‌گذرند.» (غرر الحکم، ۲۵۰۱)

۱۱) حضور قلب: زائر مکه و مدینه، باید بیش از هر زمان دیگر، در استمرار و افزایش حضور قلب خود، سعی نماید و توجه داشته باشد که در محضر خداوند تعالی و معصومین «سلام الله علیهم» است و گفتار و کردار و افکار و نیات او در محضر آن بزرگواران می‌باشد و از این جهت باید با دلی پاک، ضمیری خالص و با آمادگی کامل به دو حرم شریف و قبرستان بقیع وارد شود و ادب حضور را مراعات نماید و بداند که خداوند متعال فرموده است: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ... - و بگو عمل کنید! خداوند و رسول او و مؤمنان (که اهل بیت «سلام الله علیهم» هستند)، اعمال شما را می‌بینند.» (توبه / ۱۰۵) لذا با حضور قلب هر چه بیشتر از فیض آن اماکن مقدس برای سلوک معنوی خود بهره گیرد. چنانکه در زیارت جامعه کبیره خطاب به آن بزرگواران می‌گوییم: «بِكُمْ يَسِيلُكَ إِلَى الرَّضْوَانِ» و در دعای ندبه می‌خوانیم: «فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ إِلَيْ رِضْوَانِكَ»، از آن ذوات مقدس برای سیر و سلوک و کمک و مساعدت بطلبد.

۱۲) حُسن خُلق: زائران خانه خدا باید از نظر اخلاقی، نمونه و اسوه باشند و در عمل، موجب اعتلای آبروی اسلام و مسلمانان و تشیع و نیز مایه زینت و فخر ائمه طاهرين «سلام الله عليهم» باشند. امام صادق «سلام الله عليه» خطاب به شیعیان می فرماید: «ای جماعت شیعه! مایه آبروی ما باشید نه باعث بدنامی ما. با مردم به زیبایی و خوبی، سخن بگویید. زبان هایتان را حفظ و مواظبت کنید و آن‌ها را از بیهوده گویی و سخنان زشت، باز دارید.» (الامالی صدوق، ص ۳۲۷) بنابراین لازم است زائرین گرامی به حکم آیه مبارکه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات / ۱۰) با یکدیگر رفتاری همراه با گذشت و بردباری، ایثار و فداکاری، حُسن خلق و مهربانی داشته باشند و عطف و مهرورزی و محبت در میان آنان حکم فرما باشد. و بدانند که به فرموده امام حسن عسکری «سلام الله عليه»: «شَدِيعَةُ عَلِيٍّ «سلام الله عليه» هُمُ الَّذِينَ يَقْتَدُونَ بِعَلِيٍّ «سلام الله عليه» فِي إِكْرَامِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ - شیعیان علی «سلام الله عليه»، آنانند که در اکرام و احسان و گرامی داشت برادران مؤمن خویش به علی «سلام الله عليه» اقتدا می کنند.» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۶۲) و در حقیقت همانگونه که خداوند تعالی همیشه به بندگان خویش نیکی و خوبی می کند، آنان نیز به همدیگر نیکی و خوبی می نمایند و به دنبال فسادانگیزی و شرّ و بدی نیستند چرا که خداوند مفسده انگیزان را دوست نمی دارد: «وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص / ۷۷)

تذکرات فقهی

- ۱۳) رعایت عفاف و پوشش اسلامی و اخلاقی برای همگان اعم از مردان و زنان لازم و ضروری است. به ویژه بانوان محترمه باید با چادر مشکی که نشانه و نماد بارز عفاف است، باشند و ارتباط آنان با نامحرم به اندازه متعارف و به قدر ضرورت باشد.
- ۱۴) انجام هر عملی که موجب وهن شیعه و بی احترامی به پیشوایان دین و اولیاء معصومین «سلام الله عليهم» و هتک شیعیان می شود، جایز نیست؛ بنابراین زائران باید از اموری نظیر دست کشیدن و بوسیدن در و دیوار حرمین شریفین، ضریح پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و نرده های بقیع و یا نماز خواندن در قبرستان های بقیع و ابوطالب و نیز برداشتن خاک از بقیع یا سایر اماکن متبرکه و اعمالی از این قبیل جداً پرهیز نمایند.
- ۱۵) شایسته است انسان به نیابت از انبیای عظام و حضرات ائمه معصومین «سلام الله عليهم» و اولیای الهی و بزرگان دین، حج مستحب یا عمره مفرده یا طواف مستحب به جا آورد.
- ۱۶) یکی از شرایط قبولی حج و عمره، استفاده از مال حلال و اداء واجبات مالی برای این سفر معنوی است و اگر کسی با مال غصبی یا با مالی که خمس یا زکات آن را نداده است، به حج یا عمره مشرف شود، هر چند حج و عمره او صحیح است، ولی گناه بسیار بزرگی مرتکب شده که ثواب حج و عمره نمی تواند موجب جبران آن گناه شود و خداوند سبحان چنین حج و عمره ای را قبول نمی کند.
- ۱۷) کسی که تا کنون مقلد هیچ یک از فقهای عظام نبوده، برای انجام اعمال حج یا عمره باید از یک مجتهد جامع الشرائط زنده تقلید کند و اعمال گذشته را حمل بر صحت نماید.
- ۱۸) کسی که حجة الاسلام «حج واجب» بر ذمه اش باشد و موفق به انجام آن نشده باشد، واجب است پیش از مرگ خود به انجام آن وصیت کند. و بر ورثه او واجب است حج او را از اصل باقیمانده اموال وی ادا کنند، هر چند وصیت نکرده باشد.
- ۱۹) بیرون بردن قرآن و دیگر اشیاء از مسجد الحرام و مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» جایز نیست و موجب ضمان می باشد.
- ۲۰) برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست و به طور کلی برداشتن هر شیئی که بدون اجازه، از آن دو مسجد شریف و یا سایر مکان های مکه و مدینه برداشته شود، موجب ضمان است.
- ۲۱) مستحب مؤکد است که نمازهای پنجگانه در مسجد الحرام و مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» خوانده شود و سزاوار نیست

مؤمنین فضیلت نماز در این دو مسجد گرانقدر را از دست بدهند.

۲۲) شرکت در نماز جماعت اهل سنت که در حرمین شریفین برگزار می‌شود، مستحب است و زائرین گرامی باید نماز را به همان صورتی که آنان می‌خوانند، بخوانند. ولی اکتفا کردن به آن نماز صحیح نیست و باید اعاده کنند.

۲۳) هنگام اقامه نماز جماعت مسجد الحرام و مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» خروج از این دو مسجد جایز نیست. همچنین سزاوار نیست زائرین، هنگام برگزاری نماز جماعت به کارهای دیگری نظیر مراجعه به بازار و نظایر آن پردازند.

۲۴) سجده بر انواع سنگ‌هایی که در مسجد الحرام و مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» به کار رفته است، صحیح می‌باشد.

۲۵) استفاده از مهر، حصیر، کاغذ و نظائر آن برای سجده در مسجد الحرام و مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» موجب انگشت نما شدن و وهن شیعه می‌شود و جایز نیست.

۲۶) در راه رفت و برگشت سفر حج و عمره، در هواپیما، اگر وقت نماز واجب تنگ باشد، زائرین می‌توانند به همان صورتی که در صندلی نشسته‌اند، نماز خود را بخوانند و رعایت قبله و سایر موارد لازم نیست. بلکه اگر مسئولین هواپیما اجازه ندهند، قبله‌یابی، ایستادن و... جایز نیست.

۲۷) زائران می‌توانند نماز خود را در تمام شهر جدید و قدیم مکه و مدینه و مکان‌هایی که بعداً به این شهرها افزوده می‌شود، به صورت تمام بخوانند، بلکه تمام خواندن نمازها، افضل و بهتر است.

۲۸) روزه مستحب مسافر صحیح است و نیاز به قصد ده روز ندارد. بنابراین کسی که در مکه یا در مدینه حضور دارد، می‌تواند بدون قصد یا نذر، روزه مستحب بگیرد، هر چند روزه قضا بر عهده داشته باشد.

۲۹) هر غسلی - چه واجب و چه مستحب - کفایت از وضو می‌کند و می‌شود با آن، طواف و نماز واجب و مستحب را به جا آورد، مگر غسل استحاضه. بنابراین اگر کسی با غسل احرام یا غسل زیارت یا غسل طهارت و نظائر آن طواف کند یا نماز بخواند، طواف و نماز او صحیح است، گرچه بهتر است وضو هم بگیرد.

۳۰) کسی که از ترک محرمات حج یا از به جا آوردن اعمال حج به طور متعارف معذور است، نظیر اینکه باید در حال احرام، زیر سایه برود یا در طواف و رمی نایب بگیرد، یا به ناچار باید بعد از نیمه شب از مشعر به منی برود، می‌تواند نایب شخص دیگری شود و حجی که مطابق وظیفه و طبق فتوای مرجع تقلید خودش به جا می‌آورد، کافی از حج منوب عنه می‌باشد. همچنین نایب شدن مرد از طرف زن یا زن از طرف مرد در حج یا عمره یا برخی اعمال، اشکال ندارد.

۳۱) انجام حج در هر سال برای کسانی که حج واجب خود را به جا آورده‌اند، مستحب است، بلکه ترک حج در پنج سال متوالی مکروه است. ولی در شرایطی که عزیمت به حج موجب تأخیر نوبت کسانی می‌شود که تاکنون به حج مشرف نشده‌اند، سزاوار است به جای حج مستحب، عمره مفرده یا کار خیر دیگری انجام شود.

۳۲) انجام حج مستحب یا عمره مفرده برای زن شوهردار یا زنی که در عده طلاق رجعی است، نیاز به اذن شوهر دارد. ولی اذن شوهر برای زنی که در عده طلاق بائن یا وفات است، شرط نیست.

۳۳) اگر انجام حج مستحب یا عمره مفرده فرزندی، موجب آزار و اذیت پدر و مادر شود و یا او را از رفتن نهی نمایند، رفتن او اشکال دارد.

۳۴) حج مستحب و عمره مفرده را می‌توان به نیابت از افراد بی‌شماری به جا آورد و فرقی نمی‌کند که آن افراد قبلاً حج یا عمره به جا آورده باشند یا خیر. همچنین می‌توان ثواب حج و عمره را به دیگران هدیه نمود، گرچه در حین عمل یا بعد از اتمام آن باشد.

۳۵) عمره مفرده بر کسی واجب نیست، گرچه استطاعت آن را داشته باشد یا برای حج نایب شده باشد، ولی به جا آوردن آن خصوصاً در ماه رجب مستحب است.

- (۳۶) در هر زمانی - حتی در ایام حج تمتع - می شود عمره مفرده به جا آورد. و فرقی نمی کند کسی که می خواهد عمره مفرده به جا بیاورد، اهل مکه باشد یا نباشد و قبل از عمره تمتع باشد یا بعد از آن. و بالاخره در هر زمانی انجام عمره مفرده جایز است.
- (۳۷) لازم نیست فاصله‌ای بین دو عمره مفرده یا عمره تمتع و عمره مفرده باشد. بنابراین هر روز می شود به نیت خود یا دیگران، عمره مفرده به جا آورد. بلکه در شبانه روز می توان چندین عمره مفرده به جا آورد و قصد رجاء هم لازم نیست.
- (۳۸) حج باید برای تعیین روز عرفه و عید قربان و سایر ایام حج، تابع اعلام کشور سعودی باشند و هماهنگ با سایر حج‌اج عمل کنند. و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند، بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف کنند، انجام اعمال در همان ایام صحیح است.
- (۳۹) حدودی که اهل سنت برای عرفات و مشعر و منی و مسلخ و مانند این‌ها تعیین کرده‌اند، کفایت می کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف پیدا کنند، انجام اعمال در همان حدود تعیین شده کفایت می کند.
- (۴۰) همه جای مسجدالحرام مطاف است. بنابراین طواف - چه واجب و چه مستحب - در پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) و مکان‌های دورتر مسجد و در طبقات بالا هم صحیح است. گرچه بهترین مکان برای طواف، بین خانه کعبه و مقام ابراهیم (سلام الله علیه) است.
- (۴۱) کارهایی که اهل و سواس برای به دست آوردن محاذات حجرالاسود انجام می دهند، مثل اینکه توقف می کنند یا عقب و جلو می روند چه قبل از شروع طواف باشد و چه در بین طواف، حرام است.
- (۴۲) در حال طواف لازم نیست در همه حالات، شانه چپ طواف کننده به طرف کعبه معظمه باشد و اگر در موقع دور زدن به واسطه رسیدن به حجر اسماعیل یا رسیدن به گوشه‌های خانه کعبه و نظائر آن شانه چپ طواف کننده قدری از سمت کعبه خارج و یا متمایل به پشت شود، اشکال ندارد. و به طور کلی طواف کننده باید به طور متعارف و همان‌طور که همه مسلمین طواف می کنند، دور بزنند و از کارهایی که اهل و سواس می کنند، پرهیز نمایند.
- (۴۳) اگر طواف کننده به واسطه کثرت جمعیت، بی اختیار به این سو و آن سو کشیده شود یا در حال اقامه نماز طواف قدری جابه‌جا شود، طواف و نماز طواف او صحیح است.
- (۴۴) نماز طواف واجب باید پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) خوانده شود. ولی لازم نیست حتماً نزدیک مقام ابراهیم (سلام الله علیه) باشد، بلکه نماز طواف در پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) و دو طرف آن تا آخر مسجدالحرام و در همه طبقات مسجد صحیح است. هر چند بهتر است در صورتی که امکان آن باشد و مزاحمتی برای نماز گزار و دیگران ایجاد نشود، نماز طواف در پشت مقام و نزدیک به آن خوانده شود.
- (۴۵) نماز طواف مستحب را در همه جای مسجدالحرام می شود خواند، گرچه بهتر است در صورت امکان و در صورتی که مزاحمت برای دیگران ایجاد نشود، پشت مقام ابراهیم (سلام الله علیه) و هر چه نزدیک تر به آن خوانده شود.
- (۴۶) نماز طواف واجب را می توان به جماعت خواند. به شرط آنکه امام جماعت هم مشغول خواندن نماز طواف واجب یا سایر نمازهای واجب یومیّه باشد.
- (۴۷) لازم نیست در نماز طواف مرد جلوتر از زن بایستد و اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد، نماز هر دو صحیح است.
- (۴۸) کثیرالشک، در عدد شوط‌های (دوره‌های) طواف و سعی، نباید به شک خود اعتنا کند و باید بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.
- (۴۹) قطع طواف مستحب به جهت رفع حوائج مسلمانان، جایز بلکه مستحب است و قطع طواف واجب به جهت رفع حوائج مسلمانان، اگر قبل از شوط چهارم باشد، جایز بلکه مستحب است، ولی بعد از اتمام شوط چهارم، جایز نیست.
- (۵۰) انجام طواف نساء و نماز آن در حج تمتع و عمره مفرده بر همه - اعم از مرد و زن، پیر و جوان و بالغ و نابالغ - واجب است.

- (۵۱) سعی مستحب نداریم و شایسته است کسانی که سعی واجب خود را انجام داده‌اند، مکان سعی را برای سایرین که سعی واجب دارند، ترک نمایند.
- (۵۲) مکان سعی، حد فاصل دو کوه صفا و مروه است. و فرقی نمی‌کند که در طبقه اول باشد یا در طبقات بالا و اگر در آینده طبقات فوقانی اضافه شود یا زیرزمین در این مکان احداث شود، سعی از آنجا هم صحیح است. و همچنین اگر مکان سعی عریض‌تر شود، گرچه از دو کوه صفا و مروه بگذرد، سعی در آنجا نیز صحیح است.
- (۵۳) کسی که سعی صفا و مروه به جا می‌آورد، لازم نیست در هر شوطی روی کوه صفا یا مروه برود و همین مقدار که از ابتدای سراسیمی صفا شروع و به ابتدای سراسیمی مروه ختم کند و یا به عکس، یک شوط محسوب می‌شود.
- (۵۴) مُحرم می‌تواند قبل از تقصیر خودش، مو یا ناخن دیگری را به عنوان تقصیر کوتاه نماید و ضرری به احرام خود یا دیگری نمی‌زند.
- (۵۵) محل احرام حج، شهر مکه مکرمه است و در هر موضع از شهر مکه حتی نقاط تازه‌ساز، انجام احرام کفایت می‌کند. ولی مستحب است در مسجد الحرام و نزد مقام ابراهیم «سلام الله علیه» یا در حجر اسماعیل «سلام الله علیه» باشد.
- (۵۶) مرد مُحرم اگر در روز مسیر میقات تا مکه را طی می‌کند یا در حال مسافرت دیگری باشد، نمی‌تواند در ماشین سقف‌دار بنشیند ولی سایه قرار دادن او در مکه یا مکان دیگری که برای استراحت و... اسکان می‌کند و یا در شب (بین راه یا مکه) اشکال ندارد و کفاره هم ندارد. همچنین سایه قرار دادن زن‌ها و بچه‌های مُحرم - اعم از دختر و پسر - در هر زمانی اشکال ندارد.
- (۵۷) افراد دائم‌السفر که به واسطه شغل خود، زیاد از مکه خارج می‌شوند نظیر راننده‌ها و متصدیان امور حجاج، می‌توانند بدون احرام از میقات گذشته و وارد مکه شوند.
- (۵۸) احرام عمره در همه مکان‌های توسعه یافته‌ای که امروزه به عنوان مسجد شجره شناخته می‌شود، صحیح است و لازم نیست حتماً در مکان مسجد قبلی باشد. همچنین لازم نیست که احرام در مسجد شجره یا سایر مواقیت باشد، گرچه بهتر است. بنابراین اشخاص جنب و حائض باید نزدیک مسجد و یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.
- (۵۹) پوشیدن چیزهایی که به آن‌ها لباس نمی‌گویند نظیر کمر بند، زانوبند، مُچ‌بند، فتق‌بند، همیان، کوله‌بار، ساعت و مانند این‌ها برای مُحرم مانعی ندارد، هر چند دوخته باشد.
- (۶۰) کسی که در اثر بیماری، قادر به نگهداری از بول خود نیست می‌تواند لباس کوچکی که برای نگهداری ادرار استفاده می‌شود بپوشد، هر چند آن لباس دوخته باشد.
- (۶۱) کسی که در اثر بیماری، قادر به نگهداری بول یا باد معده خود نیست، یک وضو یا غسل برای انجام طواف و نماز طواف او کفایت می‌کند، هر چند آن طواف، طواف واجب باشد. همچنین اگر بدن و لباس او نیز مرتباً نجس می‌شود، می‌تواند با همان بدن و لباس، طواف را ادامه دهد.
- (۶۲) طواف با چیز نجسی که جزو لباس طواف کننده نیست، صحیح است. مثل در بغل گرفتن بچه با بدن و لباس نجس یا همراه داشتن انگشتر و عینک و دستمال نجس و نظائر آن.
- (۶۳) رطوبت‌هایی که در اثر شستشوی کف مسجد الحرام یا مسجد النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» ایجاد می‌شود، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن‌ها لازم نیست.
- (۶۴) گره زدن لباس احرام اشکال ندارد، گرچه گره زدن آن مخصوصاً گره زدن لنگ بهتر است. همچنین قرار دادن سنگ و اشیاء مانند آن در لباس احرام و بستن آن با نخ و کش و امثال آن و یا وصل کردن دو طرف جامه احرام با سنجاق و نظائر آن به همدیگر، اشکال ندارد.

۶۵) کفّارات انجام محرمات احرام مربوط به وقتی است که آن محرمات با علم و عمد و با اختیار و بدون عذر، انجام شود. ولی اگر از روی جهل یا نسیان یا عذر واقع شود، به صحت عمره ضرری نمی‌رساند و کفّاره نیز ندارد.

۶۶) رمی تمامی دیواری که در منی ساخته‌اند و دیواری که احیاناً در آینده اضافه می‌شود و رمی از طبقه دوم و طبقاتی که احیاناً در آینده اضافه می‌شود، جایز است.

۶۷) قربانی در هر نقطه از منی - مسلخ جدید و قدیم - و حدودی که اهل سنت برای مسلخ تعیین کرده‌اند، جایز است، ولی در مکان دیگری خارج از منی جایز نیست.

۶۸) ذبح قربانی با کاردهای استیل که آهنی بودن آن مشخص نیست و نیز ذبح قربانی با وسایل ماشینی - در صورت رعایت احکام ذبح - جایز است.

۶۹) در عمره مفرده و عمره تمتع، فقط تقصیر (کوتاه کردن موی سر)، جایز است و حلق (تراشیدن سر) جایز نیست، ولی در حج واجب، مردها بین حلق و یا تقصیر مخیرند، هر چند سال اول حج آنها باشد یا نایب باشند. ولی زن‌ها باید تقصیر کنند و حلق برای آنها کافی نیست.

۷۰) کسانی که از حج تمتع یا عمره مفرده به وطن خود باز می‌گردند، باید از نظر رفتار و گفتار و روش و منش و خلاصه در اخلاق فردی و اجتماعی، سرمشق و نمونه برای دیگران بشوند. حسن خلق و مهربانی و گذشت و ایثار و فداکاری را سرلوحه اعمال خود قرار دهند و با اهتمام به فرائض دینی نظیر نماز خصوصاً نماز جماعت، اهمیت این فرائض را به طور عملی به دیگران بیاموزند. غفلت از نماز و سایر واجبات یا اهمیت ندادن و کوچک شمردن خمس و زکات، یا عدم رسیدگی به هموعان یا عدم اجتناب از گناه و یا عدم پرهیز از رذائل و مفاسد اخلاقی، بعد از اتمام حج یا عمره، حاکی از این است که زائر بهره‌ای از حج یا عمره خود نبرده است. همچنین بانوان باید پس از بازگشت از حج یا عمره، در حجاب و عفاف اسوه و نمونه دیگران واقع شوند.

اعمال حج تمتع

اعمال حج تمتع

حج تمتع متشکل از سیزده عمل است:

۱. احرام
۲. وقوف در عرفات
۳. وقوف در مشعر
۴. رمی جمرة عقبه در منی
۵. قربانی در منی
۶. حلق یا تقصیر در منی
۷. طواف حج
۸. نماز طواف
۹. سعی بین صفا و مروه
۱۰. طواف نساء
۱۱. نماز طواف نساء

۱۲. بیتوته در منی

۱۳. رمی جمرات سه گانه

سیر اجمالی اعمال حج

سیر اجمالی اعمال حج به این صورت است که حج گزار بعد از اتمام عمره تمتع تا زمانی که برای درک وقوف در عرفات وقت دارد، باید در مکه محرم شود و به سرزمین عرفات عزیمت نماید و از ظهر تا غروب آفتاب روز عرفه (نهم ذی الحجه) در عرفات وقوف نماید. پس از آن باید به مشعرالحرام برود و از طلوع فجر روز عید قربان (دهم ذی الحجه) تا طلوع آفتاب، در مشعرالحرام وقوف نماید. بعد باید به منی برود و هفت سنگ به جمره عقبه پرتاب کند. سپس قربانی نماید و بعد از قربانی حلق یا تقصیر کند، یعنی سر را بترشد یا مقداری از موی سر یا صورت یا ناخن را کوتاه کند.

پس از آن باید به مکه برگردد و به نحوی که در اعمال عمره گذشت، طواف خانه خدا و نماز طواف و سعی بین صفا و مروه را به جا آورد ولی تقصیر نکند و پس از سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء را به جا آورد. (انجام اعمال مکه بعد از بیتوته در منی هم جایز است).

سپس باید به سرزمین منی باز گردد و شب‌های یازدهم و دوازدهم و احياناً شب سیزدهم ذی الحجه را در منی بیتوته کند و روزهای یازدهم و دوازدهم و احياناً روز سیزدهم به هر یک از جمره‌های سه گانه، هفت سنگ بزند. و پس از آن، اعمال حج تمتع به پایان خواهد رسید.

اجزاء حج تمتع

اول: احرام حج

اشاره

مسئله ۴۹۱: اولین عمل از اعمال حج تمتع، احرام حج است که از جهت واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و سایر جهات با احرام عمره تمتع یکسان است و فقط از حیث نیت و زمان و مکان، با احرام عمره تمتع تفاوت دارد.

نیت احرام حج

مسئله ۴۹۲: احرام باید برای حج تمتع و با قصد قربت باشد.

مسئله ۴۹۳: لازم نیست نیت به زبان آورده شود بلکه همین مقدار که در نظر حج گزار باشد همین عملی که همه انجام می دهند را به جا آورد، کفایت می کند. حتی اگر نظر تلفظ هم خطا کند، اشکال ندارد.

زمان و مکان احرام حج

مسئله ۴۹۴: زمان احرام حج، بعد از تمام شدن عمره تمتع است تا زمانی که بعد از احرام، وقت کافی برای رسیدن به وقوف اختیاری عرفه باشد. ولی بهترین وقت احرام حج تمتع، روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) است.

مسئله ۴۹۵: محل احرام حج، شهر مکه مکرمه است و در هر موضع از شهر مکه حتی نقاط تازه ساز، کفایت می کند. ولی مستحب

است در مسجد الحرام و نزد مقام حضرت ابراهیم «سلام الله علیه» یا در حجر حضرت اسماعیل «سلام الله علیه» باشد.

ترک احرام حج

مسئله ۴۹۶: اگر کسی عمداً بدون احرام به عرفات برود، باید برگردد و از مکه محرم شود و اگر تا وقتی که برای وقوف عرفات و مشعر وقت دارد، برنگشت یا نتوانست برگردد، حج او باطل است.

مسئله ۴۹۷: اگر حج گزار به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله یا عذری، محرم نشود و به عرفات برود، اگر می‌تواند باید برگردد و از مکه مکرمه محرم شود و اگر مشقت دارد، باید از همان جا که متوجه شده محرم شود و اگر بعد از تمام شدن حج متوجه شود، حج او صحیح است.

مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات

مسئله ۴۹۸: علاوه بر اموری که به عنوان مستحبات احرام عمره بیان شد، انجام اعمال ذیل نیز در احرام حج، مستحب است:

۱- مستحب است پس از اینکه شخص احرام بست و از مکه مکرمه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود، به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو قَبْلُغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي» [۱]

۲- و با تن و دل آرام و با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ وَهَيْدِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَاؤِكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَاؤِكَ وَأَهْلٍ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ» [۲]

۳- چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَبَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجَّهْتُكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي» [۳]

مسئله ۴۹۹: مستحب است حج گزار شب عرفه را در منی مشغول عبادت باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد. و بعد از طلوع آفتاب به عرفات برود و مستحب است تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسر رد نشود.

مراحل خروج از احرام حج

اشاره

مسئله ۵۰۰: محرمات احرام حج تمتع، به تدریج و در سه مرحله، حلال می‌شود:

مرحله اول: بعد از حلق یا تقصیر در منی که به وسیله آن همه محرمات احرام - غیر از بوی خوش و التذاذ جنسی - حلال می‌شود.

مرحله دوم: بعد از انجام طواف حج و نماز آن و به جا آوردن سعی صفا و مروه، استعمال بوی خوش حلال می‌شود.

مرحله سوم: بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، التذاذ جنسی از همسر نیز حلال می‌گردد.

تعیین روز عرفه و عید قربان

مسئله ۵۰۱: حجاج باید برای تعیین روز عرفه و عید قربان و سایر ایام حج، تابع اعلام کشور میزبان باشند و هماهنگ با سایر حجاج عمل کنند. و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند، بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف کنند، انجام اعمال در همان ایام صحیح است.

پی نوشت ها:

[۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۰

[۲]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۷

[۳]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۱

دوم: وقوف در عرفات

اشاره

مسئله ۵۰۲: کسی که محرم به احرام حج شده واجب است از اول ظهر تا مغرب روز نهم ذی‌الحجه در عرفات وقوف کند. که به آن وقوف اختیاری عرفه می‌گویند.

مسئله ۵۰۳: وقوف در عرفات باید با توجه و با قصد قربت باشد، ولی به زبان آوردن نیت یا خطور به قلب یا گذراندن از ذهن واجب نیست.

مسئله ۵۰۴: وقوف در عرفات یعنی بودن در عرفات؛ بنابراین نشستن در جای مخصوصی و انجام عمل خاصی لازم نیست ولی ارتباط با خداوند در آن مکان مقدس خیلی کارساز است.

مسئله ۵۰۵: وقوف پیاده یا سواره، نشسته یا خوابیده یا در حال حرکت، اشکال ندارد.

مسئله ۵۰۶: اگر در تمام وقت وقوف در عرفات خواب یا بیهوش باشد یا در توقف ریا کند، وقوف او باطل است، ولی اگر بیشتر وقت را خواب یا بیهوش باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۵۰۷: اگر کسی عمداً تمام وقت وقوف اختیاری عرفه را ترک کند، حجش باطل است.

مسئله ۵۰۸: اگر کسی مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند، هر چند توقف او بسیار کم باشد، حج او صحیح است.

مسئله ۵۰۹: کفاره ترک عمدی وقوف اختیاری عرفات، ذبح یک شتر است.

مسئله ۵۱۰: اگر کفاره ترک عمدی وقوف اختیاری عرفات بر کسی واجب شد و قدرت بر قربانی نداشت، باید هر وقت و هر کجا که می‌تواند، هیچ‌ده روز روزه بگیرد.

مسئله ۵۱۱: اگر کسی سهواً یا به واسطه ندانستن مسئله یا به واسطه عذری نظیر تنگی وقت از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد، باید مقداری از شب عید را هر چند بسیار کم باشد در عرفات بماند و این مدت را وقت وقوف اضطراری عرفه می‌گویند.

مسئله ۵۱۲: اگر کسی سهواً یا به واسطه ندانستن مسئله یا به واسطه عذری وقوف اختیاری عرفه را درک نکند و وقوف اضطراری آن

را نیز عمداً ترک نماید، حج او باطل است.

مسئله ۵۱۳: اگر کسی سهواً یا به واسطه ندانستن مسئله یا به واسطه عذری، وقوف اختیاری عرفه را درک نکند و وقوف اضطراری آن را نیز سهواً یا به واسطه جهل به مسئله یا به واسطه عذری ترک نماید، وقوف به مشعر (که بعداً می‌آید) برای صحت حج او کفایت می‌کند.

مسئله ۵۱۴: در وقت وقوف بالا رفتن از کوه عرفات (جبل الرّحمه) مکروه است.

مسئله ۵۱۵: حدودی که عامه برای عرفات تعیین کرده‌اند، کفایت می‌کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف پیدا کنند نیز همان حدود کفایت می‌کند.

مستحبات وقوف در عرفات

مسئله ۵۱۶: مستحب است حج گزار در حال وقوف با وضو یا غسل بوده و قلب خود را به حضرت حق «جل و علا» متوجه ساخته و حمد الهی و تهلل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد. پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَلَا تَشْتَدِرْ جَنِّي يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»

و حاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ خِائِبِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْهَا لَمْ يَضُرَّنِي مِمَّا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مِمَّا أُعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَوَلَدُكَ وَمَلِكُ يَدِكَ وَنَاصِيَةُ يَدَيْكَ وَبِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرِضُكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرَيْتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِيُكُنْ فِيهَا تَقْوَلُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً» [۱]

و مستحب است این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَخِيَايَ وَمَمَاتِي وَلكَ بَرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمَنِيكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَمِنَ سَنَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَ لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقَاكِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [۲]

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

همچنین مستحب است رو به کعبه نموده، این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

صد مرتبه

پس ده آیه از اول سوره بقره بخواند.

بعد سوره توحید را سه مرتبه و آیه‌الکرسی را یک مرتبه تا آخر بخواند.

سپس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسِيخَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»

آنگاه سوره‌های فلق و ناس را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق جل و علا به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ»

و مستحب است بعد از آن به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح کند، و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل کند، و بر محمد و آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» زیاد صلوات بفرستد، و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند، و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِيمُنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ»

و سپس این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحْيَا بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبَارَكَ لَكَ كُلُّهَا وَبِحَقِّ رِسُولِكَ صَلَّى عَلَيْكَ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ»

و هر حاجت که دارد بخواند، و از حق سبحانه و تعالی طلب کند که در سال آینده و در هر سال توفیق حج پیدا کند.

و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ»

و هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»

پس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكِنِّي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» [۳]

و نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتَّتِ الْأُمْرِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَحْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلْنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ» [۴]

ادعیه وارد در این روز شریف بسیار است و هر مقدار که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این

روز، دعای عرفه حضرت سیدالشهداء «سلام الله علیه» و دعای حضرت زین العابدین «سلام الله علیه» که در صحیفه کامله است خوانده شود.

مستحب است بعد از غروب آفتاب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْبِلْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ» [۵]

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ» [۶]

پی نوشت ها:

- [۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۳
- [۲]. التهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۳
- [۳]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۵۴۲-۵۴۱
- [۴]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۴
- [۵]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۴۳
- [۶]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۷

سوم: وقوف در مشعرالحرام

اشاره

مسئله ۵۱۷: سومین عمل حج، وقوف مشعرالحرام است که بعد از وقوف عرفات، در مشعرالحرام یا مزدلفه انجام می شود.
 مسئله ۵۱۸: زمان وقوف مشعرالحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذی الحجّه است. ولی سزاوار است حج گزار بعد از مغرب، از عرفات به مشعرالحرام برود و شب عید را در آنجا بماند.
 مسئله ۵۱۹: وقوف مشعر باید با توجه و قصد قربت باشد.
 مسئله ۵۲۰: وقت نیت وقوف، هنگام طلوع فجر است. یعنی حج گزار در هنگام طلوع صبح باید نیت کند که تا طلوع آفتاب در مشعر وقوف کند.

مسئله ۵۲۱: اگر کسی عمداً تا قبل از طلوع فجر به مشعرالحرام نرود گناه کرده است، ولی حج او صحیح است.
 مسئله ۵۲۲: اگر حج گزار سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری تا قبل از طلوع فجر به مشعرالحرام نرود، مانعی ندارد.
 مسئله ۵۲۳: اگر کسی عمداً مقدار کمی از وقوف اختیاری مشعر را درک کند، هرچند توقّف او بسیار کم باشد حج او صحیح است، گرچه گناه کرده است.

مسئله ۵۲۴: وقوف در مشعرالحرام به غیر از وقوف اختیاری دارای دو وقوف اضطراری نیز می باشد. وقوف اضطراری اول، مقداری از شب عید است که به آن وقوف اضطراری لیلی می گویند. و وقوف اضطراری دوم، مقداری از صبح عید، از طلوع آفتاب تا اذان ظهر می باشد که به آن وقوف اضطراری نهاری گفته می شود.

مسئله ۵۲۵: اگر حج گزار عمداً تمام وقوف اختیاری مشعر را ترک نماید، در صورتی که وقوف اضطراری اول یعنی مقداری از شب عید را (ولو بسیار کم) درک کرده باشد، حج او صحیح است.

مسئله ۵۲۶: اگر کسی عمداً تمام وقوف اختیاری مشعر را ترک نماید، و هیچ مقدار از وقوف اضطراری اول را هم (ولو بسیار کم) درک نکرده باشد، حج او باطل می‌شود.

مسئله ۵۲۷: اگر کسی عمداً تمام وقوف اختیاری مشعر را ترک نماید و سهواً یا به واسطه جهل به مسئله یا عذری وقوف اضطراری اول را هم ترک کرده باشد باید وقوف اضطراری دوم را درک کند. یعنی بعد از طلوع آفتاب تا ظهر، ولو به مقدار کم، در مشعر الحرام توقّف نماید.

مسئله ۵۲۸: اگر کسی که وظیفه‌اش درک وقوف اضطراری دوم است، این وقوف را نیز عمداً ترک نماید، حج او باطل است.

مسئله ۵۲۹: اگر کسی که وظیفه‌اش درک وقوف اضطراری دوم است، این وقوف را سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری ترک نماید، در صورتی که وقوف به عرفه را (ولو به مقدار کم، گرچه وقوف اضطراری آن را) درک کرده باشد، حج او صحیح است.

مسئله ۵۳۰: اگر کسی که وظیفه‌اش درک وقوف اضطراری دوم است، این وقوف را سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری ترک نماید، و وقوف به عرفه را هم (ولو به مقدار کم، گرچه وقوف اضطراری آن را) درک نکرده باشد، حج او باطل است.

مسئله ۵۳۱: در هر صورتی که به جهت ترک وقوف به مشعر حج کسی باطل شود، احرام او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و باید یک گوسفند ذبح کند و حج را در سال‌های بعد اعاده نماید.

مسئله ۵۳۲: زن‌ها و افراد ضعیف و معذور، نظیر خدمه کاروان‌ها و افرادی که سرپرست زن‌ها و افراد ضعیف هستند، می‌توانند وقوف اضطراری اول را درک کنند. یعنی مقداری از شب را در مشعر الحرام بمانند و قبل از طلوع فجر، بلکه قبل از نصف شب از مشعر بیرون روند. ولی مستحب است بعد از نماز صبح حرکت کنند تا قبل از طلوع آفتاب به وادی محسّر که حدّ مشعر الحرام است برسند و بعد از طلوع آفتاب از آنجا بگذرند.

مسئله ۵۳۳: افرادی که سرپرست افراد ضعیف و بیمار هستند و به همراه آن‌ها وقوف اضطراری اول را درک می‌کنند و از مشعر الحرام کوچ می‌نمایند، لازم نیست برای درک وقوف اختیاری مشعر برگردند و همان وقوف اضطراری برای آن‌ها کفایت می‌کند.

مسئله ۵۳۴: افراد معذور یا همراهان آن‌ها، اگر نایب باشند نیز می‌توانند به وقوف اضطراری مشعر اکتفا کنند و زودتر از مشعر خارج شوند و ضرر به صحت نیابت آنان نمی‌زند.

مسئله ۵۳۵: حدودی که عامه برای مشعر تعیین کرده‌اند، کفایت می‌کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف پیدا کنند نیز همان حدود کفایت می‌کند.

مستحبات وقوف در مشعر الحرام

مسئله ۵۳۶: در وقوف مشعر الحرام چند چیز مستحب است:

۱ - مستحب است با بدن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شود و استغفار نماید و همین که از سمت راست به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي» [۱]

۲ - مستحب است شب عید را در مشعر الحرام با خضوع و خشوع به هر مقدار که میسر باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و نماز بخواند و ذکر بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ جَمْعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ

أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ» [۲]

۳- مستحب است نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و اقامه، در مشعر بخواند گرچه ثلث شب نیز بگذرد و نوافل نماز مغرب را بعد از نماز عشاء بخواند.

۴- مستحب است بعد از نماز صبح، با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق جل و علا ذکر کند و متذکر نعمت‌هایی از جمله توفیق تشرّف به حج شود و بر محمّد و آل محمّد «صلی الله علیه و آله و سلم» صلوات بفرستد، آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَهَكَ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَمَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مِدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعِيذَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي» [۳]

۵- مستحب است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منی می‌خواهد رمی کند، از مزدلفه بردارد و بهتر است هفتاد سنگ یا بیشتر بردارد.
۶- مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفت و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم هروله کند و بگوید:
«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي» [۴]

پی نوشت ها:

[۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۷

[۲]. همان، ص ۴۶۸

[۳]. الکافی، ج ۴، ص ۴۶۹

[۴]. الکافی، ج ۴، ص ۴۷۰

چهارم: رمی جمره عقبه

اشاره

مسئله ۵۳۷: چهارمین عمل واجب حج تمتع رمی جمره عقبه است که باید در روز عید قربان، از طلوع آفتاب تا مغرب، در سرزمین منی انجام شود. و منظور از آن پرتاب هفت سنگ یکی پس از دیگری به آخرین ستونی است که در منی واقع شده و به آن جمره عقبه می‌گویند.

مسئله ۵۳۸: فرقی نمی‌کند رمی کننده پیاده یا سواره، نشسته باشد یا ایستاده و به هر حالتی که باشد کفایت می‌کند.

مسئله ۵۳۹: رمی جمره باید با توجه به عمل و با قصد قربت باشد.

مسئله ۵۴۰: رمی تمامی دیوار ۲۵ متری که در منی ساخته‌اند و دیواری که احیاناً در آینده اضافه می‌شود و رمی از طبقه دوم و طبقاتی که احیاناً در آینده اضافه می‌شود، جایز است.

مسئله ۵۴۱: غیر از سنگ یا ریگ، رمی با چیز دیگری نظیر کلوخ، سنگ، شن و مانند اینها کفایت نمی‌کند.

مسئله ۵۴۲: سنگ‌ها باید به جمره پرتاب شود، پس اگر سنگ‌ها را روی جمره بگذارد یا در حالی که سنگ در دست او است به جمره بکوبد، کافی نیست.

مسئله ۵۴۳: سنگ‌ها باید به جمره اصابت کند و انداختن در حوضچه پایین جمره یا روی سنگ‌های پایین آن کافی نیست.

- مسئله ۵۴۴: سنگ‌ها حتماً باید یکی یکی به جمره برسد و اگر کسی هفت ریگ را با هم به جمره بزند کفایت نمی‌کند و فقط یک مرتبه محسوب می‌گردد.
- مسئله ۵۴۵: ریگ‌ها باید بکر باشد یعنی کسی با آنها رمی نکرده باشد، و همچنین باید از حرم [۱] برداشته شود، و مستحب است از مشعر الحرام برچیده شود.
- مسئله ۵۴۶: سنگ‌ها باید مباح باشند. بنابراین رمی با سنگ غضبی یا سنگی که دیگری برای خود جمع کرده - بدون رضایت او - مجزی نیست.
- مسئله ۵۴۷: لازم نیست ریگ‌هایی که برای رمی جمره برداشته می‌شود پاک باشد، گرچه مستحب است.
- مسئله ۵۴۸: اگر کسی شک کند ریگ‌هایی که از حرم برداشته، از حرم است یا نه، و یا بکر است یا نه، به شک خود اعتنا نکند. همچنین باید به طور متعارف سنگ بردارد و تفحص در این موارد لازم نیست، بلکه جایز هم نمی‌باشد.
- مسئله ۵۴۹: اگر حج گزار بعد از فراغت از رمی، در صحیح به جا آوردن آن شک کند، باید به شک خود اعتنا نکند.
- مسئله ۵۵۰: اگر کسی احتیاطاً بیش از هفت سنگ پرتاب کند اشکال ندارد، مگر دچار وسواس شود که باید ترک کند.
- مسئله ۵۵۱: اگر سنگ دو نفر که در حال رمی هستند به هم اصابت کند و با هم به جمره برسد و یا شتاب یکی موجب پرتاب دیگری به جمره شود، اشکال ندارد. همانگونه که اگر سنگ به جایی اصابت نماید و کمانه کند و به جمره بخورد، اشکال ندارد.
- مسئله ۵۵۲: اگر کسی در بین رمی، در صحیح به جا آوردن آن شک کند، مثلاً شک کند که به جمره رسیده یا نه، باید دوباره رمی کند.
- مسئله ۵۵۳: اگر در بین رمی در تعداد ریگ‌های زده شده شک کند، باید بنا را بر اقل بگذارد.
- مسئله ۵۵۴: اگر بعد از فراغت از رمی در تعداد ریگ‌ها شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید.
- مسئله ۵۵۵: گمان در رمی اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.
- مسئله ۵۵۶: رعایت طهارت در وقت رمی واجب نیست، گرچه مستحب است بدن و لباس حج گزار پاک باشد و با وضو، بلکه با غسل باشد.
- مسئله ۵۵۷: رمی در شب در حال اختیار جایز نیست ولی افرادی که رمی برای آنها مشقت دارد نظیر زنها و افراد مسن و ضعیف و مریض و همراهان آنها می‌توانند در شب رمی کنند.
- مسئله ۵۵۸: اگر کسی نتواند رمی کند، باید نایب بگیرد و رمی نایب حتماً باید در روز انجام شود. و مستحب است نایب در حضور منوب عنه ریگ بیندازد.
- مسئله ۵۵۹: اگر بعد از رمی جمره توسط نایب، عذر منوب عنه بر طرف شود، لازم نیست خودش رمی را اعاده کند.
- مسئله ۵۶۰: اگر عذر منوب عنه قبل از رمی نایب بر طرف شود، باید خودش رمی کند. ولی اگر در حین رمی نایب عذر او بر طرف گردد، می‌تواند رمی را ادامه دهد و بهتر است اعاده کند.
- مسئله ۵۶۱: اگر کسی سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری در روز عید رمی نکند مانعی ندارد و باید روز بعد آن را قضا نماید.
- مسئله ۵۶۲: اگر کسی عمدتاً در روز عید رمی نکند، مانعی ندارد و باید روز بعد آن را قضا نماید، گرچه گناه کرده است.
- مسئله ۵۶۳: اگر حج گزار سهواً یا جهلاً یا به واسطه ندانستن مسئله، یکی از اعمال حج نظیر ذبح یا حلق را قبل از رمی انجام داد، مانعی ندارد و باید رمی کند و هر دو عمل صحیح است.
- مسئله ۵۶۴: اگر عمدتاً یکی از اعمال حج نظیر ذبح و یا حلق را قبل از رمی بجا آورد، باید رمی کند و اعمالش صحیح است، گرچه معصیت کرده است.

مسئله ۵۶۵: اگر کسی بعد از تمام شدن روز عید متوجه شود که روز عید رمی نکرده، باید قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۵۶۶: اگر کسی رمی را عمداً یا سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری ترک کند، باید تا وقتی که در منی حضور دارد یعنی روزهای یازدهم و دوازدهم و احیاناً روز سیزدهم آن را قضا نماید، و اگر به مکه رفته باید برگردد و رمی را قضا کند و حجش صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.

مسئله ۵۶۷: کسی که می‌خواهد رمی جمره عقبه را در روزهای بعد به جا آورد، لازم نیست آن را زودتر از رمی جمرات آن روزها انجام دهد، گرچه بهتر است اول قضای رمی جمره عقبه را به جا آورد و بعد جمرات سه گانه را رمی نماید.

مسئله ۵۶۸: اگر کسی که باید رمی را قضا کند، تا روز سیزدهم رمی قضا را به جا نیاورد، باید آن را در سال بعد قضا کند، و اگر خودش نمی‌تواند باید نایب بگیرد و حجش صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.

مسئله ۵۶۹: جمره عقبه و سایر جمرات را از هر طرف آن می‌شود رمی کرد، گرچه مستحب است هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله و هنگام رمی دو جمره دیگر، رو به قبله باشد.

مستحبات رمی جمره عقبه

- مسئله ۵۷۰: چند چیز در رمی مستحب است:
- ۱- با خضوع و خشوع باشد.
 - ۲- با طهارت باشد.
 - ۳- هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله و هنگام رمی جمره اولی و جمره وسطی رو به قبله باشد.
 - ۴- هنگام رمی جمره عقبه بین او و جمره، ده تا پانزده ذراع (پنج تا هفت متر) فاصله باشد و در رمی جمره اولی و وسطی، کنار جمره بایستد.
 - ۵- سنگ ریزه را بر انگشت ابهام (شست) گذاشته و با ناخن انگشت شهادت (انگشت پهلوی شست) بیندازد.
 - ۶- مستحب است هنگامی که سنگ‌ها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِنِ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي» [۲]
 - ۷- هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ ص اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا»
 - ۸- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَيَنْعَمَ الرَّبُّ وَنِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ» [۳]

پی نوشت ها:

[۱]. تمام مشعرالحرام و منی در حرم قرار دارد ولی عرفات خارج از حرم است.

[۲]. الکافی، ج ۴، ص ۴۷۸

[۳]. همان

اشاره

- مسئله ۵۷۱: بر کسی که حج تمتع به جا می آورد، واجب است بعد از رمی جمره عقبه در روز عید قربان، قربانی کند.
- مسئله ۵۷۲: قربانی نیز باید با توجه و قصد قربت انجام شود.
- مسئله ۵۷۳: قربانی باید یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند باشد و سایر حیوانات غیر از این سه حیوان، کافی نیست.
- مسئله ۵۷۴: هر کس باید یک قربانی انجام دهد و شرکت چند نفر در یک قربانی، در حال اختیار و اضطرار جایز نیست.
- مسئله ۵۷۵: قربانی در هر نقطه از منی - مسلخ جدید و قدیم - و حدودی که عامه برای مسلخ تعیین کرده‌اند، مجزی است. ولی در مکان دیگری خارج از منی جایز نیست.
- مسئله ۵۷۶: اگر کسی سهواً یا جهلاً، یا به واسطه عذری در منی ذبح نکرد، هر جا ذبح کرده باشد کافی است.
- مسئله ۵۷۷: قربانی باید بعد از رمی جمره عقبه انجام شود، ولی اگر کسی زودتر انجام داد اشکال ندارد، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.
- مسئله ۵۷۸: اگر حج گزار در روز عید سهواً، جهلاً یا به واسطه عذری، بلکه عمداً ذبح نکرد، حج او صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است و باید در روزهای یازدهم و دوازدهم، یا در بقیه ذی الحجّه در منی ذبح نماید، و اگر نکرد باید در سال بعد قضای آن را در منی به جا آورد و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد.
- مسئله ۵۷۹: حیوانی که ذبح می‌شود، چند شرط دارد:
- ۱- اگر شتر است داخل در سال ششم و اگر گاو است داخل در سال سوّم و اگر گوسفند است داخل در سال دوّم شده باشد.
 - ۲- سالم باشد، بنابراین حیوان مریض کافی نیست.
 - ۳- خیلی پیر نباشد.
 - ۴- تام‌الاجزاء باشد. بنابراین حیوان کور یا لنگ دائمی و گوش بریده و بی دم یا دم بریده و شاخ شکسته و بی تخم یا تخم کشیده یا کوبیده کافی نیست.
 - ۵- زیاد لاغر نباشد.
- مسئله ۵۸۰: اگر کسی حیوانی را به گمان اینکه دارای شرایط است ذبح کرد و بعد معلوم شد که آن شرایط را نداشته، اشکال ندارد.
- مسئله ۵۸۱: اگر حج گزار شرایط قربانی را نداند و حیوانی که دارای شرایط نیست ذبح نماید، کفایت می‌کند.
- مسئله ۵۸۲: اگر قربانی دارای شرایط یافت نشود، ذبح حیوانی که شرایط را ندارد کافی است.
- مسئله ۵۸۳: اگر بعد از ذبح شک کند که آیا قربانی دارای شرایط بوده یا نه، بلکه اگر گمان یا یقین کند که دارای شرایط نبوده، کفایت می‌کند.
- مسئله ۵۸۴: ذبح قربانی با کاردهای استیل که معلوم نیست از آهن است یا نه، اشکال ندارد.
- مسئله ۵۸۵: ذبح قربانی با وسایل ماشینی - در صورت رعایت احکام ذبح - جایز است.

نیابت در قربانی

- مسئله ۵۸۶: نایب گرفتن برای قربانی و ذبح، مطلقاً جایز است و در این صورت باید کسی که نایب شده، قصد قربت نماید و قصد قربت ذبح کننده شرط نیست. بنابراین اگر ذبح کننده قصد قربت نکرد یا شیعه نبود، اشکال ندارد.
- مسئله ۵۸۷: اتصال بین ذبح و قصد قربت لازم نیست، بنابراین اگر کسی با قصد قربت، دیگری را برای ذبح فرستاد و او ذبح نمود،

کفایت می‌کند. گرچه آن دیگری قصد قربت نکند یا شیعه نباشد.

مسئله ۵۸۸: نایب قربانی باید ثقه باشد و در این صورت اگر منوب‌عنه شک کرد که آیا نایب ذبح نموده یا قربانی دارای شرایط ذبح بوده یا نه، بلکه اگر گمان دارد که قربانی حائز شرایط نبوده، به شک یا گمان خود اعتنا نکند.

مسئله ۵۸۹: اگر نایب از روی جهل یا اشتباه بر خلاف دستور شرع عمل کند، لازم نیست دو مرتبه ذبح کند.

مسئله ۵۹۰: اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع عمل کرد باید دو مرتبه ذبح کند، و غرامت آن نیز به عهده خود نایب است.

مسئله ۵۹۱: نایب می‌تواند قبل از خود، به نیابت از دیگران ذبح کند.

بدل قربانی

مسئله ۵۹۲: اگر قربانی برای کسی پیدا نشود، یا قدرت خرید نداشته باشد، باید سه روز پی در پی در حج و هفت روز بعد از مراجعت از حج، روزه بگیرد (در این هفت روز پی‌درپی بودن شرط نیست).

مسئله ۵۹۳: اگر کسی قدرت بر ذبح قربانی ناقص پیدا کرد، باید همان قربانی ناقص را ذبح کند و نمی‌تواند روزه بدل از قربانی بگیرد.

مسئله ۵۹۴: کسی که پول قربانی ندارد ولی متاعی در وطن یا همراه خود دارد که با فروش آن، پول قربانی تأمین می‌شود، باید بفروشد و قربانی بخرد.

مسئله ۵۹۵: کسی که پول قربانی ندارد ولی می‌تواند قرض کند و در وطن قرض خود را ادا نماید، باید قرض کند و قربانی بخرد.

مسئله ۵۹۶: اگر قرض کردن یا فروش چیزی، یا کسب برای خرید قربانی مشقت داشته باشد، لازم نیست قربانی کند ولی اگر خود را به مشقت انداخت و قربانی کرد، قربانی او کفایت می‌کند.

مسئله ۵۹۷: سه روز روزه بدل از قربانی را می‌شود در سفر گرفت. ولی باید در ماه ذی‌الحجه و بعد از عمره تمتع باشد و در روز عید قربان و در ایام تشریق (از یازدهم تا سیزدهم)، نباشد و بهتر است از روز هفتم تا نهم ذی‌الحجه باشد.

مسئله ۵۹۸: اگر کسی روز هفتم را روزه نگرفت، می‌تواند روز هشتم و نهم را روزه بگیرد و روزه سوم را بعد از ایام تشریق بگیرد.

مسئله ۵۹۹: اگر کسی سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی‌الحجه تمام شد باید خودش یا نایش در سال بعد در منی قربانی نماید.

مسئله ۶۰۰: اگر کسی بعد از سه روز روزه یا در اثنای آن قدرت بر قربانی پیدا کرد، لازم نیست قربانی کند، بلکه قربانی کفایت نمی‌کند و باید روزه‌ها را بگیرد.

مسئله ۶۰۱: هفت روزه باقیمانده باید بعد از مراجعت از سفر، در وطن گرفته شود، و گرفتن این روزه‌ها در مکه یا شهر دیگری یا بین راه جایز نیست، مگر با قصد اقامت ده روز.

مستحبات قربانی

مسئله ۶۰۲: چند چیز در قربانی مستحب است:

۱- قربانی، شتر باشد و در صورت عدم امکان، گاو و بسیار فربه باشد و در صورتی که هیچکدام نشد، به گوسفند اکتفا کند.

۲- اگر شتر یا گاو است، ماده باشد، و اگر گوسفند است نر باشد.

۴- اگر می‌تواند خودش ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست خود را روی دست ذبح کننده بگذارد.

۵- قربانی را سه قسمت کند، مقداری از آن را خودش بخورد و مقداری از آن را هدیه دهد، و مقداری از آن را صدقه دهد.

۶- مستحب است در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

« وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صِلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي » [۱]

مسئله ۶۰۳: اگر کسی به استحباب تقسیم قربانی عمل نکرد و قربانی را رها نمود ضامن نیست.

ذبح کفار

مسئله ۶۰۴: حیوانی که باید برای کفار ذبح شود، هیچ یک از شرایط قربانی حج را ندارد، بنابراین ذبح گوسفند معیوب برای کفار اشکال ندارد.

مسئله ۶۰۵: لازم نیست حیوانی که برای کفار ذبح می‌شود در منی یا مکه و یا در ایام ذی‌الحجه باشد، بلکه مطلقاً می‌تواند آن را در وطن خود ذبح نماید و در زمان حاضر ذبح کفارات در وطن مهمتر است.

مسئله ۶۰۶: مصرف حیوانی که برای کفار ذبح می‌شود، مانند مصرف قربانی در حج است (مستحب است آن را سه قسمت کند، قسمتی به فقرا و قسمتی هدیه و قسمتی را بخورد)، ولی بهتر است تمام آن را صدقه بدهد.

پی نوشت ها:

[۱]. الکافی، ج ۴، ص ۴۹۸

ششم: حلق یا تقصیر

اشاره

مسئله ۶۰۷: ششمین عمل از اعمال حج تمتع که باید روز عید و بعد از رمی و ذبح انجام شود، حلق یا تقصیر است.

مسئله ۶۰۸: مکان حلق یا تقصیر در حج تمتع، منی است.

مسئله ۶۰۹: حج گزار بین حلق (سر تراشیدن) و تقصیر (چیدن قدری از ناخن یا موی سر یا صورت) مخیر است، هر چند سال اول حج او باشد یا نایب باشد.

مسئله ۶۱۰: کسانی که سال اول حج آنها است، بهتر است حلق نمایند، بلکه حلق برای همه بهتر از تقصیر است.

مسئله ۶۱۱: زن‌ها باید تقصیر کنند، و تراشیدن سر برای آنها کافی نیست.

مسئله ۶۱۲: در تقصیر چنانچه در احکام عمره گذشت چیدن مقدار کمی از موی سر یا ریش یا گرفتن یک ناخن کفایت می‌کند، ولی در حلق باید تمام سر را بتراشد.

مسئله ۶۱۳: حلق و تقصیر چون از عبادات است باید با توجه به عمل و با قصد تقرب انجام گیرد و اگر دیگری هم سر او را می‌تراشد یا تقصیر می‌کند باید خودش نیت کند.

مسئله ۶۱۴: در تقصیر، کندن مو کفایت نمی‌کند و باید موی سر یا صورت چیده شود.

مسئله ۶۱۵: کسی که هنوز محرم است و حلق یا تقصیر نکرده، می‌تواند برای دیگری حلق یا تقصیر کند و ضرر به احرام هیچ کدام نمی‌زند.

مسئله ۶۱۶: اگر کسی سرش مو نداشته باشد، باید تقصیر کند، و تراشیدن ریش یا چیدن موهای سایر بدن کافی نیست، علاوه بر اینکه تراشیدن ریش در حالت عادی هم حرام است.

مسئله ۶۱۷: اگر کسی سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری بلکه عمدتاً در روز عید یا در منی حلق یا تقصیر نکرد، حج او صحیح است و اگر می‌تواند باید به منی برگردد و اگر نمی‌تواند برگردد یا می‌تواند ولی برگردد، هر جا به جا آورد کافی است، و لازم نیست موی خود را به منی بفرستد. ولی در صورت عمد گناهکار است.

مسئله ۶۱۸: اگر حج گزار حلق یا تقصیر را قبل از رمی یا ذبح انجام داد کفایت می‌کند و حج او صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.

مسئله ۶۱۹: اگر حلق یا تقصیر را بعد از طواف حج یا سعی یا طواف نساء انجام داد کفایت می‌کند و حج او صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.

مسئله ۶۲۰: بعد از حلق یا تقصیر تمام محرماتی که به واسطه احرام بر حج گزار حرام شده بود حلال می‌شود، مگر استعمال بوی خوش که بعد از انجام طواف حج و نماز آن و سعی صفا و مروه حلال می‌شود و التذاذ جنسی که بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، حلال می‌گردد.

مستحبات حلق یا تقصیر

مسئله ۶۲۱: چند چیز در حلق و تقصیر مستحب است:

۱- اگر سر می‌تراشد از جانب راست جلوی سر شروع کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [۱]

«خدایا، برای هر مویی نوری در روز قیامت به من عطا فرما.»

۲- موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید.

۳- بعد از تراشیدن سر، ریش و شارب خود را اصلاح کند و تمام ناخن‌های خود را بگیرد.

پی نوشت ها:

[۱]. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۰

هفتم تا یازدهم: اعمال مکه

مسئله ۶۲۲: بعد از حلق یا تقصیر، اعمال پنج گانه مکه بر حج گزار واجب می‌شود که عبارتند از:

۱. طواف حج که به آن طواف زیارت نیز گفته می‌شود.

۲. نماز طواف

۳. سعی بین صفا و مروه

۴. طواف نساء

۵. نماز طواف نساء

مسئله ۶۲۳: کیفیت اعمال مکه به همان صورتی است که در اعمال عمره گذشت، مگر اینکه تقصیر ندارد و باید این اعمال به نیت

اعمال حج به جا آورده شود.

مسئله ۶۲۴: وقت به جا آوردن اعمال مکه، بعد از تقصیر در منی، تا آخر ذی الحجّه است گرچه مستحبّ است در روز عید و یا در ایام تشریق به جا آورده شود.

مسئله ۶۲۵: مراجعت به مکه برای انجام اعمال پنج گانه در روز عید و بعد از اعمال منی جایز بلکه مستحبّ است.

مسئله ۶۲۶: حج گزار می تواند بعد از حلق یا تقصیر به مکه برود و اعمال مکه را به جا آورد و برای بیتوته نیمه دوم شب به منی برگردد. همانگونه که می تواند بعد از تقصیر در منی بماند و بیتوته نیمه اول شب یازدهم را درک کند و بعد از نیمه شب به مکه برود و اعمال را به جا آورد. همچنین می تواند بعد از تقصیر تا آخر ایام تشریق در منی بماند و پس از آن به مکه برگردد و تا آخر ذی الحجّه اعمال مکه را به جا آورد.

مسئله ۶۲۷: اگر کسی اعمال مکه را قبل از اعمال منی به جا آورد، کفایت می کند و حج او صحیح است، گرچه در صورت عمد گناه کرده است.

مسئله ۶۲۸: انجام اعمال مکه قبل از رفتن به عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی، جایز نیست، مگر برای چند گروه:

۱- زن هایی که ترس آن دارند که در برگشت از منی حائض یا نفسا شوند و نتوانند در مکه بمانند تا پاک شوند.

۲- افراد مسن و بیمار.

۳- افرادی که انجام اعمال در موقع بازگشت، به خاطر ازدحام جمعیت و مانند آن، برای آنها مشقت داشته باشد.

۴- کسانی که می دانند تا آخر ذی الحجّه به جا آوردن این اعمال برای آنها ممکن نیست.

مسئله ۶۲۹: کسی که اعمال مکه را قبل از عزیمت به عرفات انجام می دهد، باید پس از محرم شدن به احرام حج، اعمال پنج گانه مکه را به جا آورد و با همان احرام به عرفات برود.

مسئله ۶۳۰: کسی که حج افراد یا حج قران به جا می آورد، در حال اختیار هم می تواند اعمال مکه را قبل از رفتن به عرفات انجام دهد.

مسئله ۶۳۱: برای افرادی که انجام اعمال مکه قبل از رفتن به عرفات جایز است، بعد از حلق یا تقصیر در منی، تمام محرمات حلال می شود.

مسئله ۶۳۲: کسی که اعمال مکه را قبل از رفتن به عرفات انجام داده است، اگر بعد از حلق یا تقصیر در منی، عذر او برطرف شد و یا به آن چیزی که از آن ترسان بود مبتلا نشد، لازم نیست اعمال مکه را اعاده نماید.

مسئله ۶۳۳: انجام طواف نساء بر همه، حتی بچه ها واجب است.

مسئله ۶۳۴: اگر کسی طواف نساء را ترک کند، اگر مرد باشد زن بر او حلال نمی شود و اگر زن باشد مرد بر او حلال نمی گردد و اگر بچه باشد نمی تواند ازدواج کند.

مسئله ۶۳۵: طواف نساء و نماز آن، گرچه واجب است و بدون آن همسر حلال نمی شود، لکن اگر کسی سهواً یا به واسطه عذری یا به واسطه ندانستن مسئله بلکه عمداً آن را به جا نیاورد، حج او صحیح است.

مسئله ۶۳۶: اگر حج گزار طواف نساء را به جا نیاورد تا از مکه مکرمه برگردد، اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا آورد و اگر مشقت دارد، باید نایب بگیرد و اگر از دنیا رفت، ولی او باید قضای آن را به جا آورد یا برای انجام آن نایب بگیرد و لازم نیست انجام قضای طواف نساء در ذی الحجّه باشد.

مسئله ۶۳۷: اگر قبل از به جا آوردن طواف نساء با کسی نزدیکی کند باید کفاره بدهد و کفاره آن یک گوسفند است، گرچه شتر بهتر است.

مسئله ۶۳۸: اعمال پنج گانه مکه باید به ترتیب انجام شود. ولی در صورت ضرورت مثل وقتی که زن خوف حائض شدن بعد از سعی صفا و مروه را دارد، می‌توان طواف حج و نماز آن را و طواف نساء و نماز آن را قبل از سعی به جا آورد، گرچه بهتر است اعمال به ترتیب انجام شود و در صورت بروز عذری مثل حیض، برای طواف نساء و نماز آن نایب گرفته شود.

مسئله ۶۳۹: هرگاه زنی قبل از انجام اعمال مکه حائض یا نفساء شود و نتواند طواف‌ها و نمازهای دو طواف را به جا آورد و مهلت برای ماندن و پاک شدن هم ندارد، باید برای طواف حج و نماز آن نایب بگیرد و سعی را خودش به جا آورد و پس از آن برای طواف نساء و نماز آن مجدداً نایب بگیرد.

مسئله ۶۴۰: اگر عذری مانع به جا آوردن هر کدام از اعمال مکه شود و مهلت حج گزار برای ماندن در مکه تا برطرف شدن عذر کافی نباشد، باید برای انجام همان عمل نایب بگیرد.

مسئله ۶۴۱: مستحبات طواف و سعی حج نیز مانند مستحباتی است که برای طواف و سعی عمره بیان گردید.

مسئله ۶۴۲: بعد از اتمام اعمال پنج گانه مکه (در صورتی که اعمال سه گانه منی انجام شده باشد)، همه محرماتی که به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود حلال می‌گردد.

دوازدهم: بیتوته در منی

مسئله ۶۴۳: بر کسی که حج به جا می‌آورد، واجب است شب یازدهم و دوازدهم و در برخی موارد شب سیزدهم ذی‌الحجه را در منی بیتوته کند. یعنی در آن سرزمین بماند.

مسئله ۶۴۴: بیتوته در منی باید با توجه و قصد قربت باشد. و عمل واجب خاصی ندارد، ولی حج گزار باید از این فرصت‌ها برای عبادت و ارتباط با خداوند، استفاده کند.

مسئله ۶۴۵: مقدار شب که حج گزار باید در منی بماند، از اول شب تا نصف شب یا از نصف شب تا طلوع فجر می‌باشد.

مسئله ۴۴۶: سه گروه واجب است شب سیزدهم در منی بمانند:

۱- کسانی که مغرب شب سیزدهم در منی باشند.

۲- افرادی که در حال احرام با زن نزدیکی کرده‌اند.

۳- افرادی که در حال احرام صید کرده‌اند.

مسئله ۶۴۷: کسی که قبل از مغرب روز دوازدهم از منی کوچ می‌کند و بعد از مغرب برای کاری به منی بر می‌گردد، لازم نیست شب سیزدهم را در منی بماند.

مسئله ۶۴۸: ماندن در منی برای دو دسته لازم نیست:

۱- کسانی که ماندن در منی برای آنها مشقت دارد، نظیر بیماران و پرستاران آنها و خدمه کاروان‌ها.

۲- کسی که تمام شب را در مسجدالحرام مشغول عبادت باشد و جز عبادت، کار دیگر نکند مگر کارهای ضروری نظیر خوردن و آشامیدن و تجدید وضو.

مسئله ۶۴۹: کسی که شب در منی بیتوته می‌کند، لازم نیست روز هم در منی بماند، مگر کسی که صبح دوازدهم در منی باشد که باید بعد از ظهر کوچ نماید.

مسئله ۶۵۰: بازگشت از منی در روز دوازدهم باید بعد از اذان ظهر باشد و خروج قبل از ظهر از منی جایز نیست. ولی کسی که شب سیزدهم را در منی بیتوته کرده است، می‌تواند پیش از ظهر روز سیزدهم از منی خارج شود.

مسئله ۶۵۱: اگر کسی معذور باشد و رمی جمرات سه گانه را بعد از بیتوته و در شب دوازدهم به جا آورد، می‌تواند همان شب از

منی کوچ کند.

مسئله ۶۵۲: اگر کسی سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری، شبها را در منی نماند، حج او صحیح است و چیزی بر او نیست.

مسئله ۶۵۳: اگر کسی عمداً شب‌هایی که واجب است در منی بماند را نماند، حج او صحیح است، ولی گناه کرده است و باید برای هر شبی یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۶۵۴: حدودی که عامه برای منی تعیین کرده‌اند، کفایت می‌کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند، بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف پیدا کنند نیز همان حدود کفایت می‌کند.

سیزدهم: رمی جمرات سه گانه

اشاره

مسئله ۶۵۵: شب‌هایی که بیتوته در منی برای حج گزار واجب است، باید در روز آن‌ها جمرات سه گانه (جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه) را رمی کند.

مسئله ۶۵۶: کیفیت رمی و احکام و مستحبات آن به همان صورتی است که در رمی جمره عقبه بیان شد.

مسئله ۶۵۷: وقت رمی جمرات از طلوع تا غروب آفتاب هر روز است و رمی در شب در حال اختیار، جایز نیست.

مسئله ۶۵۸: کسانی که از رمی جمرات در روز معذورند، مثل زنان و بیماران و افراد پیر و همراهان آنان و خدمه کاروان، می‌توانند رمی هر روز را در شب قبل یا شب بعد انجام دهند.

مسئله ۶۵۹: اگر کسی سهواً یا جهلاً، بلکه عمداً رمی جمرات را به جا نیاورد واجب است در روز بعد قضای آن را به جا آورد و لازم نیست قضای روز قبل مقدم بر ادای همان روز باشد، گرچه بهتر است.

مسئله ۶۶۰: در رمی جمرات سه گانه ترتیب شرط است و باید اول جمره اولی و سپس جمره وسطی و در آخر جمره عقبه رمی شود.

مسئله ۶۶۱: اگر کسی سهواً یا جهلاً یا به واسطه عذری ترتیب را رعایت نکند کفایت می‌کند و حج او صحیح است.

مسئله ۶۶۲: اگر کسی عمداً ترتیب را رعایت نکند باید رمی را اعاده نماید.

مسئله ۶۶۳: اگر بعد از فراغت از رمی جمرات شک کند که هر سه جمره را رمی کرد یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۶۶۴: اگر بعد از فراغت از رمی جمرات شک کند که درست رمی کرد یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۶۶۵: اگر یقین کند که یکی از جمره‌ها را رمی نکرده، ولی نداند کدام است، رمی جمره عقبه کفایت می‌کند. گرچه بهتر است هر سه را رمی نماید.

مسئله ۶۶۶: افرادی که معذور از انداختن سنگ‌ها هستند، مانند بیماران و معلولین و... باید نایب بگیرند و نایب باید جمرات را در روز رمی کند.

مستحبات رمی جمرات سه گانه

مسئله ۶۶۷: علاوه بر مستحباتی که در رمی جمره عقبه بیان شد، در رمی جمرات سه گانه چند چیز مستحب است:

۱- روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از آنجا خارج نشود.

۲- مستحب مؤکد است بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است این تکبیر را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ أَحْمَدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَلْمَنَّا» [۱]

۳- نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و در روایات آمده که صد رکعت نماز در مسجد خیف با هفتاد سال عبادت برابر است.

پی نوشت ها:

[۱]. الکافی، ج ۴، ص ۵۱۷

احکام مصدود و محصور

مسئله ۶۶۸: کسی که محرم به احرام عمره یا حج می‌شود، واجب است اعمال حج و عمره را به پایان رساند مگر اینکه مصدود یا محصور شود که در این صورت باید طبق احکام خاصی که ذیلاً می‌آید عمل کند.

مسئله ۶۶۹: مصدود به شخصی می‌گویند که کسی نظیر دشمن، طلبکار و مانند آن، یا چیزی نظیر سیل و مانند آن او را از انجام اعمال عمره یا حج منع کند.

مسئله ۶۷۰: محصور کسی است که به واسطه مرض، ضعف، شکستگی استخوان و مانند اینها از انجام اعمال عمره یا حج عاجز باشد.

مسئله ۶۷۱: اگر کسی محرم به احرام عمره یا حج شود و بعد کسی یا چیزی نظیر دشمن، سیل و مانند اینها او را از انجام اعمال عمره یا حج منع کند، می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یا هر جا که بخواهد قربانی کند و از احرام خارج شود و بسیار خوب است علاوه بر قربانی تقصیر هم بنماید ولی کفایت از حج واجب نمی‌کند.

مسئله ۶۷۲: کسی که محرم به احرام عمره یا حج شود و به واسطه مرض یا ضعف یا شکستن استخوان و مانند اینها نتواند اعمال را به جا آورد، اگر می‌تواند باید کسی را وکیل کند تا در روز عید از طرف او در منی قربانی نماید و بعد از ذبح از احرام خارج شود، و بهتر است تقصیر هم بنماید و هرچه بر او حرام شده بود، حلال می‌شود مگر لذت جنسی که باید طواف نساء و نماز آن را خودش به جا آورد و اگر نمی‌تواند باید نایبش به جا آورد، و بعد از آن لذت جنسی نیز حلال می‌شود، ولی این حج کفایت از حج واجب نمی‌کند.

مسئله ۶۷۳: کسی که محرم به احرام عمره یا حج شود و به واسطه مرض یا ضعف یا شکستن استخوان و مانند اینها نتواند اعمال را به جا آورد، و نتواند برای قربانی در منی نایب بگیرد، می‌تواند در همان محل یا هر جا که خواست، قربانی کند و از احرام خارج شود ولی تا طواف نساء و نماز آن را خودش و اگر نتواند نایبش انجام ندهد، لذت جنسی بر او حلال نمی‌شود، و این حج نیز کفایت از حج واجب نمی‌کند.

مسئله ۶۷۴: اگر مصدود یا محصور از اعمالی منع شود که نیابت در آن جایز است نظیر طواف و رمی و ذبح باید نایب بگیرد و حج او صحیح است.

مسئله ۶۷۵: اگر برای رفع منع، چاره‌ای باشد نظیر پول دادن یا از راه دیگر رفتن، اگر مشقت نداشته باشد، باید انجام دهد.

مسئله ۶۷۶: اگر برای رفع مرض و مانند آن، چاره‌ای باشد نظیر مداوا، اگر مشقت نداشته باشد باید انجام دهد.

مسئله ۶۷۷: اگر مصدود یا محصور بتواند بعد از رفع منع به وقوف اضطراری عرفات یا مشعر برسد، باید اعمال حج را به جا آورد و حج او صحیح است.

مسئله ۶۷۸: اگر مصدود یا محصور قدرت بر قربانی نداشته باشد، باید سه روز پی در پی روزه بگیرد و از احرام خارج شود و بعد از برگشت به وطن هفت روز روزه بگیرد.

مسئله ۶۷۹: کسی که محرم به احرام حج گردیده، اگر مصدود یا محصور شود و نتواند اعمال حج را به جا آورد، حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود و باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج از سال‌های قبل بر او واجب بوده، حج را در سال‌های بعد اعاده نماید.

مسئله ۶۸۰: اگر مصدود یا محصور سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نیست، مگر آنکه در سال‌های بعد مستطیع شود.

احکام متفرقه و تذکرات اخلاقی

مسئله ۶۸۱: کسی که می‌خواهد حج واجب به جا آورد، واجب است احکام آن را بیاموزد و یا تحت نظر افرادی که احکام را می‌دانند حج خود را به صورت صحیح انجام دهد و اعمال آن را به پایان رساند.

مسئله ۶۸۲: مستحب مؤکد است که نمازهای پنجگانه در مسجدالحرام و مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» خوانده شود و سزاوار نیست مؤمنین فضیلت نماز در این دو مسجد را از دست بدهند.

مسئله ۶۸۳: شرکت در نماز جماعت اهل سنت که در حرمین شریفین برگزار می‌شود، مستحب است و زائرین گرامی باید نماز را به همان صورتی که آنان می‌خوانند، بخوانند. ولی اکتفا کردن به آن نماز صحیح نیست و باید اعاده کنند.

مسئله ۶۸۴: هنگام اقامه نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» خروج از این دو مسجد جایز نیست. همچنین سزاوار نیست زائرین، هنگام نماز جماعت در بازار بوده یا مشغول کار دیگری غیر از نماز جماعت باشند.

مسئله ۶۸۵: سجده بر انواع سنگ‌ها که در مسجدالحرام و مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» به کار رفته است، صحیح می‌باشد.

مسئله ۶۸۶: استفاده از مهر، بادبزن، حصیر و کاغذ و نظائر آن برای سجده در مسجدالحرام و مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» موجب انگشت‌نما شدن و وهن شیعه می‌شود و جایز نیست.

مسئله ۶۸۷: برداشتن قرآن و دیگر اشیاء از مسجدالحرام و مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» جایز نیست و ضمان آور می‌باشد.

مسئله ۶۸۸: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست و به طور کلی برداشتن هر شیئی که بدون اجازه، از آن دو مسجد و یا سایر مکان‌های مکه و مدینه برداشته شود، موجب ضمان است.

مسئله ۶۸۹: انجام هر عملی که موجب وهن شیعه و بی‌احترامی به پیشوایان دین و شیعیان می‌شود، جایز نیست؛ بنابراین زائران باید از کارهایی نظیر دست کشیدن و بوسیدن درب‌های حرم‌ها، ضریح پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و نرده‌های بقیع و یا نماز خواندن در قبرستان‌های بقیع و ابوطالب و نیز برداشتن خاک از بقیع یا سایر اماکن و اعمالی از این قبیل جداً پرهیز نمایند.

مسئله ۶۹۰: زائران ایرانی خانه خدا باید از نظر اخلاقی نمونه باشند و موجب اعتلای آبروی تشیع و جمهوری اسلامی گردند. بنابراین لازم است با یکدیگر و نیز با سایر مسلمانان رفتاری همراه با گذشت، ایثار و فداکاری داشته باشند و عطف و مهربانی در میان آنان حکمفرما باشد.

مسئله ۶۹۱: رعایت پوشش اسلامی و اخلاقی برای زن و مرد لازم و ضروری است. مخصوصاً زن‌ها باید با چادر مشکی و روگرفته باشند. و تماس آن‌ها با نامحرم به اندازه متعارف باشد.

مسئله ۶۹۲: رطوبت‌هایی که در اثر شستشوی کف مسجدالحرام یا مسجدالنبی «صلی الله علیه و آله و سلم» ایجاد می‌شود، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن‌ها لازم نیست.

مسئله ۶۹۳: روزه مستحبی مسافر صحیح است و نیاز به قصد ده روز ندارد. بنابراین کسی که در مکه یا در مدینه حضور دارد، می‌تواند بدون قصد و نذر و... روزه مستحبی بگیرد، هر چند روزه قضا بر عهده داشته باشد.

مسئله ۶۹۴: حج و عمره باید برای رضای خداوند متعال به جا آورده شود و اگر جنبه تفریحی پیدا کند یا تکرار آن از شأن زائر بالاتر

باشد، حقیقت عبادی خود را از دست می‌دهد. و شایسته است مؤمنین به جای حجّ مستحبّی متعدّد یا عمره‌های مکرّر، از دیگران دستگیری کنند.

مسئله ۶۹۵: در راه رفت و برگشت سفر حجّ و عمره و در هواپیما، اگر وقت نماز واجب تنگ باشد، زائرین می‌توانند به همان صورتی که در صندلی نشسته‌اند، نماز خود را بخوانند و رعایت قبله و سایر موارد لازم نیست. بلکه اگر مسؤولین هواپیما اجازه ندهند، قبله‌یابی، ایستادن و... جایز نیست.

مسئله ۶۹۶: زائران می‌توانند نماز خود را در همه شهر جدید و قدیم مکه و مدینه و مکان‌هایی که بعداً به این شهرها افزوده می‌شود، تمام بخوانند، بلکه تمام خواندن افضل است.

مسئله ۶۹۷: حدودی که عامّه برای عرفات، مشعر، منی و مسلخ و مانند اینها تعیین کرده‌اند، یا روزهایی که به عنوان عرفه یا عید قربان اعلام می‌کنند، کفایت می‌کند و لازم نیست شیعیان در این امور تحقیق کنند و نباید به شک یا گمان خود اعتنا نمایند بلکه اگر بر فرض نادر یقین به خلاف پیدا کنند نیز همان حدود و ایام کفایت می‌کند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

